

رساله نظریه پردازی

در محوریت

تعامل انسان با ایده های فضایی - هندسی در معماری

ایده های فضایی و هندسی مناسب برای هر یک از ابزارها و شیوه های ادراکی انسان در معماری



باغ ارم شیراز

مهندس عبد الحمید نقره کار

دانشیار و عضو هیأت علمی دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیر قطب علمی معماری اسلامی

برگزیده ششمین جشنواره بین المللی فارابی سال ۱۳۹۱ بعنوان نظریه پرداز برجسته

فهرست عناوین رساله نظریه پردازی

تعامل انسان با ایده‌های فضایی - هندسی در معماری

«ایده‌های فضایی و هندسی مناسب برای هر یک از ابزارها و شیوه‌های ادراکی انسان در معماری»

- چکیده فرضیه رساله
- پیشگفتاری بر هنر و معماری
- معانی و مفاهیم واژه های رساله نظریه پردازی
- معماری، گرایشی میان رشته‌ای است
- روش پژوهش در گرایش به معماری
- روند موضوعی در رشته‌های هنری و معماری (تبدیل ایده‌ها به پدیده‌ها)
- اصول حاکم بر گزاره‌های نظری، عملی و ارزیابی آثار معماری
- بررسی تطبیقی مکاتب نظری از بُعد شناخت‌شناسی تا زیبایی‌شناسی
- نقد و تحلیل کلی دیدگاه مکاتب فکری تأثیرگذار بر هنر و معماری
- ۱- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب شک گرای
- ۲- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب نسبی گرای
- ۳- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب حس گرای
- ۴- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب عقل گرای دکارتی
- ۵- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب مشائی ارسطو
- ۶- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب عرفانی
- جمع بندی و نتیجه‌گیری از دیدگاه های مکاتب تأثیر گزار بر هنر و معماری
- ۱- هستی‌شناسی اسلامی (انواع و مراتب وجود)
- ۲- انسان شناسی اسلامی از منظر حضرت علی (ع)
- ۳- مقایسه زیبایی شناسی مکتب اسلام با مکاتب دیگر
- ۴- راهبردهای حکمت هنر اسلامی در گذار از بحران‌های هنری و معماری معاصر
- ۵- تعریف جامع از معماری
- بررسی دیدگاه برخی از اندیشمندان درباره ایده‌های فضایی - هندسی
- ایده‌های فضایی - هندسی مناسب برای هر یک از ابزارهای ادراکی انسان‌ها
- ۱- هندسه مناسب برای ادراکات حواس پنج گانه انسان (حس بینایی)
- ۲- هندسه مناسب برای نفس عقلانی و قوه تفکر و تعقل انسان
- ۳- هندسه مناسب برای حضور قلب انسان (تمرکز روحی)
- شواهد تجربی در اثبات نظریات ارائه شده
- دو نماد معمارانه مثبت و منفی در مجموعه بیت الله الحرام
- ۱- ویژگی های منحصر بفرد خانه کعبه
- ۲- نمادهای سه گانه شیطان
- ۳- تناظر هندسه‌ها در مناسک حج با سه نوع هندسه مورد نیاز انسان

- از چارطاقی های آتشکده به معماری مساجد
- ۱- نحوه تحول چهارطاقی های آتشکده به معماری مسجد یزدخواست
- ۲- تغییرات کالبدی در تبدیل آتشکده به مسجد
- ۳- تغییرات ماهوی در تبدیل آتشکده به مسجد
- شواهدی تجربی از معماری و شهرسازی در دوران اسلامی
- ۱- بکارگیری سه نوع هندسه در معماری و شهرسازی اسلامی
- ۲- چند اصل حکیمانه در طراحی مناره های مساجد
- ۳- مرکزیت فضاهای داخلی و خارجی معماری اسلامی
- ۴- ایده های هندسی-فضایی در طراحی شبستان مساجد
- ۴- توسعه شبستان مساجد مبتنی بر دو مؤلفه سخنرانی و نماز جماعت
- جمع بندی و نتیجه گیری از رساله نظریه پردازی
- ۱- مهم ترین نتایج و فواید این رساله
- ۲- عصاره این نظریه
- ۳- عصاره و خلاصه دستاوردهای این نظریه
- ۴- موضوعاتی که می تواند مکمل این رساله در تحقق معماری از دیدگاه ایرانی- اسلامی باشد
- منابع و مآخذ رساله نظریه پردازی فهرست نمودارها
- فهرست تصاویر
- فهرست منابع فارسی و عربی

حکمت و فلسفه هنر و معماری معاصر و راهبردها و کاربردهای ناشی از آن دچار بحران و ناهنجاری‌های فزاینده‌ای شده است. حاصل این وضعیت در طراحی معماری، بی ارتباط شدن ایده‌های فضایی - هندسی معماران از نیازهای واقعی و متنوع مخاطبین و خودبنیادی فرم از محتوی است. جدایی صورت از معنا و سرانجام صورت پرستی (فرمالیسم)، گونه‌ای بت پرستی در حوزه هنر و معماری، تلقی می‌شود. این رساله، راه حل برون رفت از بحران را در پیروی از مکتب اسلام و ابعاد نظری، عملی آن و تجربه‌های مثبت تاریخی در تمدن اسلامی می‌داند. **پرسش بنیادی رساله** این است که:

- ◆ ایده‌های فضایی و هندسی مناسب برای هر یک از ابزارها و شیوه‌های ادراکی انسان کدام است؟
- ◆ آیا می‌توان در پاسخ به کارکردهای گوناگون، ایده‌های فضایی و هندسی متناسبی را، انتخاب و طراحی نمود؟

- ◆ چگونه می‌توان بر پایه انسان شناسی اسلامی ایده‌های فضایی - هندسی ای را در معماری بدست داد که

متناسب با نیازهای آلی و عالی، یا سیر آفاقی و سیر انفسی انسان‌ها باشند؟ خاستگاه این ایده‌ها کدامند؟

فرضیه رساله این است که «ایده‌های فضایی-هندسی» جانمایه آثار معماری هستند. این ایده‌ها، باید متناسب با کارکرد ساختمان و نیازهای متفاوت و متنوع انسان‌ها، انتخاب و طراحی شوند. **در این رساله** نیازهای انسان مبتنی بر ابزار ادراکی متنوع او (حواس پنج‌گانه، عقل و قلب) در دو عرصه کلی سیر در آفاقی و سیر در انفسی تبیین شده و برای هر عرصه، هندسه مناسب با آن پیشنهاد شده است. برای مثال در ساخت گردشگاه و باغ و گذرگاه‌ها در پاسخ به **نیازهای آفاقی**، از هندسه‌های سیال و موج (انسان متحرک، نقطه دید نیز متنوع و متغیر و متحرک) بهره‌گیری شود؛ و برای ساختمان‌هایی مانند نیایشگاه و تالار سخنرانی در پاسخ به **نیازهای انفسی**، از هندسه‌های دارای مرکز، محور، جهت و قرینه سازی (انسان ثابت و نقطه دید نیز ثابت) نسبی و اعتباری بودن عناصر هندسی مایه تنوع و تحول فضایی شده و در همان حال، استقلال انسان در تعامل با عناصر محیطی، اختیار و آزادی آنها را سلب نمی‌کند.

نظریه علاوه بر ساختار جهان‌بینی و معرفت‌شناسی اسلامی، **بر پایه انسان‌شناسی** برگرفته شده از روایتی از حضرت علی (ع) است که نفس انسان را دارای چهار مرتبه گیاهی، حیوانی، عقلائی و روحانی دانسته و برای هر کدام از نفوس، پنج قوه و دو حاصل ادراکی بر شمرده است. در جهت اثبات فرضیه، شواهدی از معماری آفرینش و معصومین (ع) (مجموعه بیت‌الله الحرام و مسجد النبی (ص))، و روند تبدیل آتشکده‌ها به مساجد در سده‌های نخست اسلام، و معماری و شهرسازی دوران اسلامی به خصوص معماری مساجد به عنوان مصادیق اصیل تاریخی، تشریح و تبیین می‌گردند.

پیشگفتاری بر هنر و معماری

هنر و معماری معاصر در دوران پسانوگرایی (پست مدرنیسم) غرب تحت تأثیر دیدگاه‌های شک‌گرا و نسبی‌گرا در حوزه مباحث نظری و انسان‌شناسی دچار بحران هویت شده است. در عمل نیز پوچ‌گرایی (نیپیلیسم) و هرج و مرج طلبی (آنارشسیسم) بر فلسفه هنر و معماری معاصر حاکم می‌باشد. راهبردهای هنر و معماری معاصر را **دو انحراف اساسی** دچار حصری نگری و بحران فزاینده نموده است.

- نخست **مکاتبی** هستند که در حوزه هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دچار شک‌گرایی و نسبی‌گرایی جدید هستند و مستقیم و غیر مستقیم بر هنرمندان و معماران و شیوه‌های آنها تأثیر منفی گذاشته و می‌گذارند.
- دوم **ایده‌های فضایی - هندسی نامناسبی هستند** که معماران از طریق اجتهادهای خودبنیاد، مستقل از نیازهای مخاطبان به صورت نامعقول و نامطلوب در طرح‌های خود ارائه می‌نمایند.

برای برون رفت از این دو بحران اساسی باید دو منبع تکیه نمود و الهام گرفت:

☒ یکی **اسلام** به عنوان مکتبی جامع و الهی (خطا ناپذیر)،

☒ و دیگر **تجربه‌های ارزشمند مسلمانان** در دوران اسلامی به طور عمیق، همه جانبه و با استنتاج اصولی مورد توجه و بهره برداری اندیشمندان قرار گیرد.

این دو منبع می‌توانند از هر دو بُعد نظری و عملی بسترساز هنر و معماری مطلوب، انسانی و استعلایی در عصر حاضر و آینده باشند. رویکرد پژوهشی در این حوزه، با توجه به تعارض دیدگاه‌ها، رویکردی کل‌نگر (مبناگرای جامع و کامل)، برپایه معرفت‌شناسی اسلامی و داور کلام الهی و معصومین (ع) است. چرا که این رویکرد، با توجه به مراتب وجود و ابزار متنوع ادراکی انسان، بر دیگر مکاتب شناخت‌شناسی برتری آشکاری دارد. همان گونه که می‌دانیم برپایه معرفت‌شناسی اسلامی، انسان دارای **سه گونه ابزار ادراک** (حواس پنج‌گانه، عقل و قلب)، متناسب برای ادراک **مراتب وجود** (عالم طبیعت، عالم معقول و عالم ملکوت) است که هر یک دارای شیوه درک متفاوت و در طول یکدیگر می‌باشند. بدین گونه که **ابزار حواس پنج‌گانه**، با روش آزمون حسی و استقراء و استنتاج عقلی، **ابزار عقل** با روش استدلال‌های منطقی و قیاسی، و **ابزار قلب** با روش شهود، ما را در ادراک مراتب هستی از ظاهر به باطن، یاری میرسانند.

مسیر پژوهش در این رساله بدین گونه است که:

- ❖ ابتدا رشته معماری در بُعد هنری آن، جزء علوم انسانی معرفی می‌شود.
 - ❖ سپس روند موضوعی مباحث معماری از بُعد طولی و عرضی، برپایه اصول حاکم بر هر یک از موضوعات مطرح می‌شود.
 - ❖ در پی آن و در یک بررسی تطبیقی، جامع و کامل بودن انسان‌شناسی، زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر اسلامی نسبت به مکاتب رقیب از طریق روش «درون‌دینی» که در عین حال مؤید روش‌های حسی-تجربی، استدلالی-منطقی و قلبی-شهودی می‌باشد، تبیین می‌گردد.
 - ❖ آنگاه تعریفی جامع و کامل از معماری ارائه می‌شود. با توجه به اینکه آثار معماری در رابطه با انسان و نیازهای او جنبه اعتباری دارند نه حقیقی؛ و نباید خودبنیاد و مستقل از نیازهای مخاطبین باشند
 - ❖ بنابراین ایده‌های فضایی-هندسی برای هر یک از ابزارها و شیوه‌های ادراکی انسان‌ها باید به صورت مناسب و متمایز، جداگانه، و براساس نوع کارکرد ساختمان ارائه شوند.
- معماری** افزون بر مهندسی ساختمان، هنر ساختمان را نیز دربر می‌گیرد و **هنر**، تجلی زیبایی‌هاست. **مفهوم انسان** و گرایش‌های زیبایی‌شناسانه او در حوزه علوم انسانی مطرح می‌شود. شاید بتوان گفت به تعداد مکتبها و اندیشمندان و حتی هنرمندان در این باره اختلاف نظر وجود دارد. ولی **شالوده نظری این رساله** برپایه نسبتی است که مکتب اسلام با مقوله زیبایی‌شناسی، و فلسفه هنر و معماری برقرار می‌نماید. عنوان اصلی این رساله نیز به این رابطه اشاره دارد و مفاهیم خود را از مکتب اسلام برگرفته است. طرح این نسبت می‌تواند زمینه ساز نظریات متعددی در حوزه فلسفه هنر، زیبایی و معماری شود.

معانی و مفاهیم واژه‌های رساله نظریه پردازی

- ۱- **اسلام**: تنها مکتب جامع و کامل، خطاناپذیر، عصاره تحریف نشده همه مکاتب الهی، شامل کلام الهی (قرآن) و کلام معصومین (س) (احادیث معتبر و تأیید شده) که حقایق و واقعیت‌های عالم تکوین را به صورت کامل تشریح می‌نماید؛ و دارای دو بعد حکمت نظری و حکمت عملی است.
- ۲- **جهان بینی و هستی‌شناسی اسلامی**: اسلام هستی را شامل دو ساحت وجودی یکی، حقیقی و فیاض (واجب‌الوجود) و دیگری تجلیات اعتباری و نسبی آن (ممکن‌الوجودها) می‌داند. ممکن‌الوجودها در دو عالم «خلق و امر» با قوانین خاص خود تحقق می‌پذیرند.
- ۳- **قوانین حاکم بر هستی**: قوانین حاکم بر هستی مبتنی بر مشیت الهی هستند. این مشیت از طریق دو بعد «قضا» و «قدر» الهی در پدیدارها اعمال می‌شوند.
- ۴- **قضای الهی**: شامل همه استعدادهای بالفعل و بالقوه‌ای است که به موجودات، بطور ذاتی و فطری تعلق گرفته است.
- ۵- **قدر الهی**: شامل همه استعدادهای بالقوه موجودات است که بعد از مهیا شدن عوامل ضروری آنها محقق می‌شود.

۶- **بداء الهی:** خداوند علاوه بر قوانین حاکم بر قضا و قدر خود، هر جا لازم باشد خلق جدیدی می‌آفریند.

۷- **انسان:** موجودی است مرکب، که دارای چهار مرتبه نفس گیاهی، حیوانی، عقلانی و روحانی است و عناصر آن علاوه بر تعامل متقابل، استقلال خود را حفظ می‌نمایند.

۸- **آزادی و اختیار انسان:** آزادی انسان در عمل بین دو جبر واقع می‌شود. جبر اولیه، استعدادهای ذاتی و بالقوه و بالفعل اوست (قضی الهی). جبر ثانویه ناشی از نتایج مثبت یا منفی اعمال و رفتار او با خود و دیگر موجودات است (قدر الهی).

۹- **تعهد و مسئولیت انسان:** تعهد انسان ناشی از ضرورت شناخت خود و دیگر موجودات، قبل از عمل است و مسئولیت او ناشی از نتایج مثبت یا منفی اعمال او با خود و دیگر موجودات است.

۱۰- **انسان موجودی نوعی یا متکثر:** انسان دارای دو ساحت وجودی بالقوه و بالفعل است. در ساحت بالقوه، یک نوع متعین از موجودات است و در ساحت بالفعل و با معرفت و عمل اختیاری خود موجودی نسبی، متغیر، متکثر و تربیت پذیر است.

۱۱- **انسان کامل:** انسانی است که تمامی استعدادهای وجودی او به اراده الهی تحقق و تجلی یافته و جانشین خدا در زمین است. او مرجع فیض الهی بر سراسر عالم وجود است.

۱۲- **تعریف زیبایی:** هر آنچه خداوند جمیل و حکیم خلق نموده است به نسبت قوت وجودیش زیباست. خداوند از آنجا که مظهر و مآل همه موجودات زیباست، زیبایی مطلق است.

۱۳- **تعریف زشتی:** زشتی از منظر بیننده و در مقایسه دو موجود متفاوت ظاهر می‌شود؛ و یا ناشی از افکار اعمال و یا آثار نا به جا و خلاف قوانین هستی انسان ها و یا ناشی از استعدادهای معطل مانده و ضایع شده آنها و دیگر موجودات ظاهر می‌شود؛ زشتی از مقوله نیستی است؛ یا از مقایسه زیبایی برتر با زیبایی کمتر پدیدار می‌شود.

۱۴- **عقل انسان:** عقل انسان بُعد آگاهی، دانایی و معرفت انسان است و دارای دو بعد فاعلی و قابلی است. بعد فاعلی عقل که در حوزه عمل انسان ها و عالم امکان تحقق می‌پذیرد نسبی و محدود است. بعد قابلی عقل که استعداد پذیرش گیرندگی آن است، نامتناهی و نامحدود است؛ و به نسبت آمادگی انسان، میزان پذیرش او از عقل کل و عالم غیب، لایتناهی است.

۱۵- **رابطه علم و عقل و عرفان و دین (اسلام):** علم، در مفهوم علوم تجربی، عقل در مفهوم علوم فلسفی-منطقی، و عرفان در مفهوم علوم حضوری، نه تنها با دین اسلام متضاد نیستند، بلکه اسلام ضمن توصیه و تأکید بر دستاوردهای آن‌ها، از طریق کلام الهی و معصومین (س) که خطاناپذیرند، خطاهای آن‌ها را نیز اصلاح و تکمیل می‌نمایند.

۱۶- **رابطه زیبایی با خیر و حقیقت:** زیبایی، ادراک وجود به نسبت قوت آن است. حقیقت نیز همان وجود است و خیر نیز رابطه‌ای است که انسان با مراتب بالاتر وجود برقرار می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت سرچشمه زیبایی و خیر و حقیقت یکی است. به گفته دیگر، ادراک زیبایی و حقیقت و خیر به نسبت ادراک انسان از عوالم وجود است؛ و بر حسب ادراک مراتب بالاتر وجود، ادراک ما از خیر و زیبایی، قوی‌تر، غنی‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌شوند.

۱۷- **هنر:** تجلی حسن‌ها و زیبایی‌ها در پدیدارهاست، مبتنی بر اصل عدالت. یعنی قرارگرفتن هرچیز در جای مناسب و مطلوب خود.

۱۸- **هنر ممدوح:** هنری است که ایده‌های هنرمند مبتنی بر حقایق نفوس عقلانی و روحانی او باشد و اجتهاد عملی او در خلق اثر مبتنی بر اصل عدالت باشد. چنین هنری در جهت تکامل انسان‌ها خواهد بود.

۱۹- **هنر مذموم:** هنری است که ایده‌های هنرمند، مبتنی بر غرایز نفس حیوانی او باشد و اجتهاد عملی او در خلق اثر ناعادلانه و ظالمانه باشد، چنین هنری در جهت هبوط و از بین رفتن استعدادهای کمالی انسان‌ها خواهد بود.

۲۰- **سیر در آفاق:** سیر وجودی و جوهری انسان است در ساحت طبیعت و مبتنی بر نفوس گیاهی و حیوانی او.

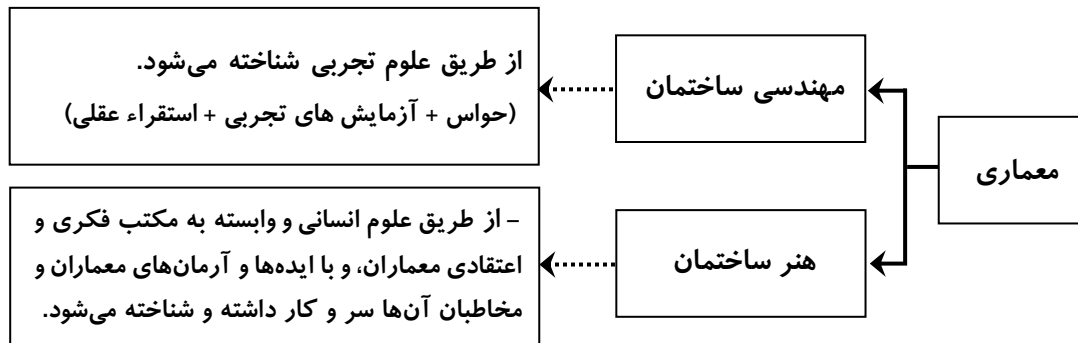
۲۱- **سیر در انفس:** سیر وجودی، جوهری، تکاملی، آگاهانه و اختیاری انسان است مبتنی بر نفوس عقلانی و روحانی او.

۲۲- **تعریف معماری:** بازآفرینی حکیمانه و عادلانه فضای زیست انسان‌ها با عناصر طبیعی و مصنوعی است، متناسب با نیازهای متنوع انسان‌ها و در جهت کمال مقدر آن‌ها.

معماری، گرایش میان رشته‌ای است

ایده‌های هنرمندان و معماران در فرایند طراحی از عمیق‌ترین لایه‌های وجودی آنها سرچشمه می‌گیرد و **بهره‌وران و مخاطبان** آنها نیز انسان‌ها می‌باشند. اگر معماری را به عنوان یک پدیده در نظر بگیریم، شناخت و بررسی هم علت فاعلی و هم علت غایی آن **جزء علوم انسانی** شمرده می‌شوند. چگونگی کالبدپردازی و پیکربندی بنا نیز به عنوان علت‌های مادی و صوری آن، به مواد و مصالح مادی و علم هندسه و مهندسی ساختمان مربوط می‌شود. بنابراین معماری به حوزه علوم تجربی نیز راه می‌یابد. همچنین معماری در بستر طبیعت و در کنار طبیعت سامان می‌یابد. پس عوامل محیطی مؤثر بر آن نیز در حوزه علوم زیستی وارد می‌شود. بنابراین در مجموع، **معماری با هر سه حوزه علوم مادی، زیستی و انسانی سر و کار دارد**. بدین گونه تعریف اجمالی و کلی این رشته را با عنوان «مهندسی ساختمان + هنر ساختمان» می‌توان پذیرفت. (نمودار شماره ۱)

نمودار شماره ۱- تعریف کلی معماری



روشی پژوهشی در گرایش به معماری

با توجه به میان رشته‌ای بودن معماری و ارتباط آن با هر سه حوزه علوم مادی، زیستی و انسانی، مباحث این رشته در بُعد «مهندسی ساختمان» با روش علوم تجربی بدست می‌آید. بدیهی است که نتایج آن نیز تا نقض نشود جنبه فرازمانی و فرامکانی داشته و قابل استناد و بهره برداری عام در سرتاسر جهان می‌باشد.

مباحث معماری در بُعد «هنر ساختمان»، یعنی علل فاعلی و غائی، به ایده‌ها و آرمان‌های هنرمندان و نیازهای روحی و معنوی مخاطبان می‌پردازد. با توجه به اینکه افراد و مکاتب، تعریف‌های متعارض در حوزه هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ارائه کرده‌اند و هنرمندان و معماران نیز، خودآگاه یا ناخودآگاه، تحت تأثیر مکاتب فکری و اعتقادی مختلف هستند و شالوده‌نظری آنها ایده‌ها و ایده‌آل‌های آنها را در خلق آثار هنری بر می‌انگیزاند، از این رو آن ایده‌ها و آثار ناشی از آنها تنها بر پایه مکاتب و دیدگاه‌های فکری و اعتقادی معماران قابل طرح و ارزیابی خواهد بود. **محققین و تحلیل‌گران نیز باید :**

✧ ابتدا مکتب و شالوده نظری خود را معرفی نمایند تا پایه بینشی آنها روشن شود

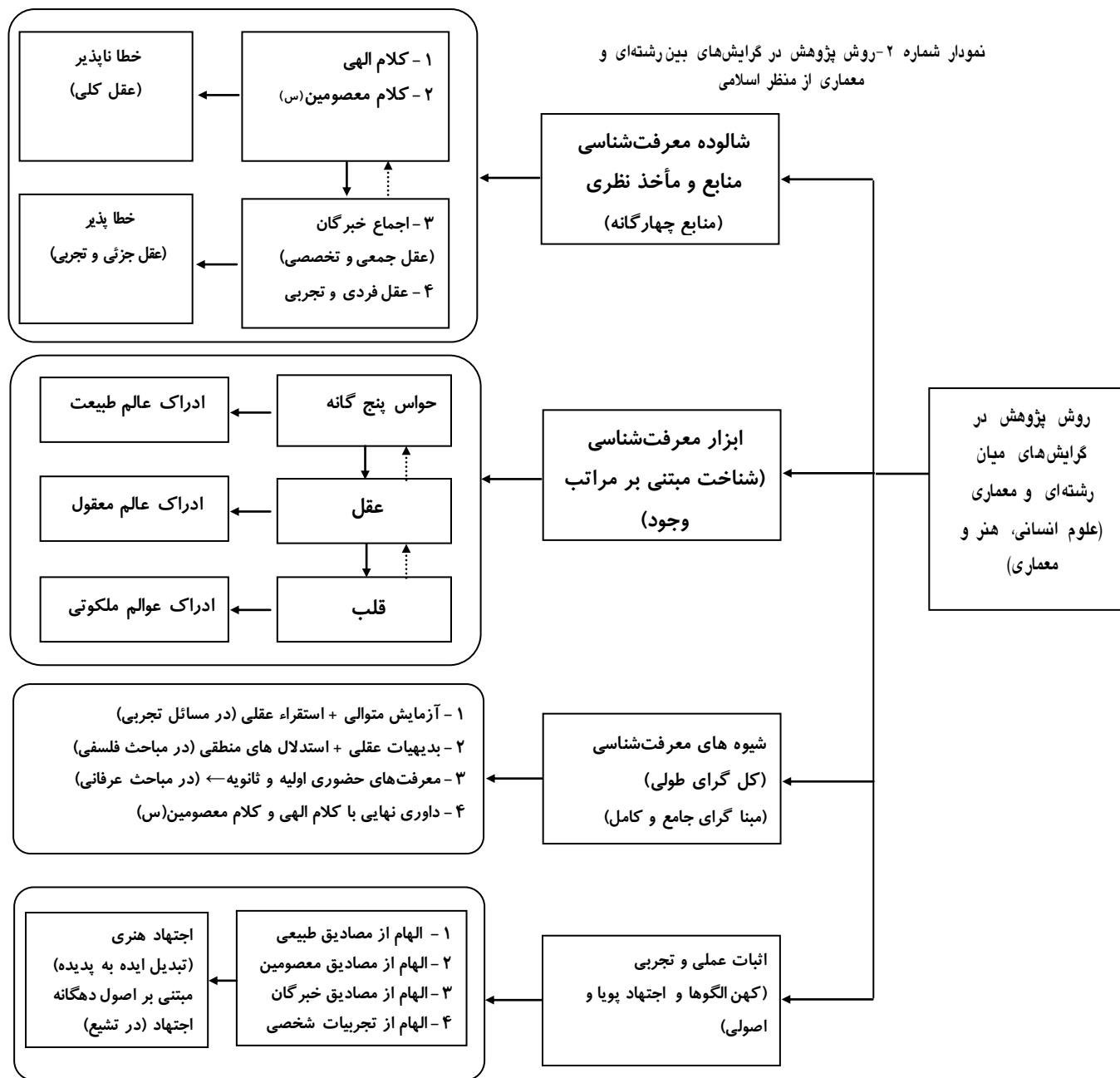
✧ آنگاه با استناد به آن مبانی، به نقد و ارزیابی معیارهای فکری و ایده‌ها و آرمان‌های معماران و تأثیر آنها بر

شیوه و اثر معماری‌شان بپردازند.

از منظر فرهنگ اسلامی رویکرد انسجام‌گرایی یا مبنای محدود، در مباحث معرفت‌شناسی هیچ‌کدام در حوزه علوم انسانی و فلسفه

هنر، جامع و کامل نیستند. فقط **شناخت‌شناسی اسلامی** است که برپایه مراتب وجود و ابزار متنوع ادراکی انسان (حواس پنج‌گانه + عقل + قلب) و

شیوه‌های متنوع ادراکی یعنی (تجربه‌های حسی، استدلال‌های عقلی، مشهودات عرفانی)، با تأیید اجماع خبرگان یعنی عقل جمعی و تخصصی و در نهایت داوری کلام الهی و معصومین(ع) می‌تواند معرفتی یقینی را ارائه نماید. (نمودار شماره ۲)



شالوده نظری این رساله برپایه فرهنگ اسلامی و شناخت‌شناسی آن در حوزه علوم انسانی و هنر، از منابع چهارگانه کلام الهی و راهنمایی‌ها و تفسیر معصومین(ع) و اجماع خبرگان، فقیهان و اسلام‌شناسان و بدیهیات عقلی و منطقی و تجربی، در یک رابطه طولی برگرفته شده است. به گفته دیگر دریافت‌های عقلی- تجربی با معیار اجماع خبرگان محک می‌خورد؛ و داوری نهایی با کلام الهی و معصومین(ع) است. **در حوزه عمل** نیز برپایه اصول ده‌گانه اجتهاد در مکتب تشیع، تمام عوامل و شرایط زمانی و مکانی(عصری) مورد توجه و اجرا قرار می‌گیرد. با توجه به آنچه گذشت از منظر اسلامی در حوزه مباحث نظری صرفاً می‌توان به نوآوری در تفسیر و تأویل یا تعبیر و تدوین جدید از مضامین متشابه در کلام الهی و معصومین(ع) پرداخت. این دیدگاه‌ها در مقابل نظریات رقیب می‌تواند نظریه‌ای جدید و بدیع شمرده شود؛ و در حوزه عمل برپایه معارف اسلامی و اصول ثابت فطری و فرارمانی و مکانی آن می‌توان با اجتهاد تخصصی و تجربی به ارائه راهکارهای جدید و عملی پرداخت. روش‌ها و

شیوه‌های طراحی و خلق آثار هنری و معماری را می‌توان با توجه به اصول ده گانه اجتهاد شیعی (نمودار شماره ۳) و مجموع عوامل و شرایط زمانی و مکانی به طور نسبی و متنوع از اصول ثابت فطری و انسانی اجتهاد نمود و به خلق سبک‌های نوین و آثار بدیع و اصیل پرداخت. این فرایند را امام صادق (ع) در حدیث مشهوری ابلاغ نموده‌اند.^۱

نمودار ۳- قواعد دهگانه اجتهاد از دیدگاه تشیع
(بر جهت تجلی مفاهیم ثابت‌نظری (ایده‌ها)، برای اتخاذ روش‌های مناسب طراحی و خلق آثار جدید و اصیل پدیده‌های هنری)

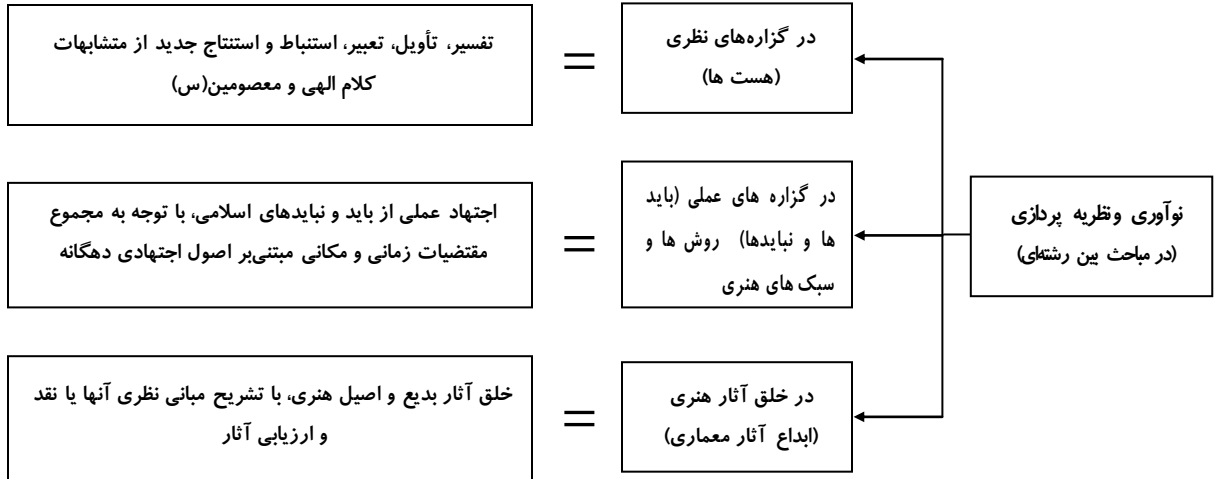
۱- قاعده ملازمه عقل و شرع	ابزار اجتهاد، عقل است و احکام عقلی همان احکام شرعی است.
۲- قاعده بقای اصول	اصول نظری و عملی بیان شده توسط سنت نبوی برخاسته از فطرت، و بی‌زمان هستند.
۳- قاعده تفریع	فروع (روش‌ها، صورت‌ها، مواد) و جزئیات، در پرتو اصول ثابت، با تفریع عقلی قابل استنتاج هستند.
۴- قاعده نسبییت	فروع (روش‌ها، صورت‌ها، مواد) براساس مقتضیات زمان و مکان، کاملاً نسبی هستند.
۵- قاعده جامعیت و وسطیت (عدالت)	فروع (روش‌ها، صورت‌ها، مواد) باید همه جوانب و ساحات مختلف انسانی را در نظر بگیرند.
۶- قاعده اولویت	فروع (روش‌ها، صورت‌ها، مواد) باید با توجه کامل به اولویت‌ها و مصلحت‌ها شکل بگیرند.
۷- قاعده هماهنگی با قوانین حاکمه	فروع (روش‌ها، صورت‌ها، مواد) نباید معارض با قوانین حاکمه و اصولی که حق و تودارند باشند.
۸- قاعده حوزه‌های آزاد	فروع (روش‌ها، صورت‌ها، مواد) نباید حوزه‌هایی را که خداوند انسان را آزاد گذاشته محدود کنند.
۹- قاعده احکام خمسسه تکلیفیه	فروع (روش‌ها، صورت‌ها، مواد) باید برای اجراء، بر اساس احکام خمسسه، تعیین اولویت و ضرورت کنند. (حلال و مستحب و مباح و مکروه و حرام)
۱۰- قاعده احکام ثانویه و حکومتی	فروع (روش‌ها، صورت‌ها، مواد) و حتی اصول می‌توانند با نظر و اختیار ولی فقیه به طور موقت تغییر نماید.

نمونه‌ای از اجتهاد معمارانه را می‌توان اینگونه توضیح داد. به طور مثال در قرآن آمده: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل، ۸۰) «خداوند خانه‌های شما را محل آرامش قرار داده است». از این آیه معمار می‌تواند با تأکید بر تأمین امنیت و آرامش برای اعضای خانواده، با توجه به مجموع شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی محل آن خانه و شرایطی که می‌تواند مزاحم آرامش و امنیت اهالی آن خانه باشد، عناصر مورد نیاز برای تأمین آرامش و امنیت بخشی را استنباط و ادراک نموده و در عمل با انتخاب اجزاء و عناصری مناسب و ضروری، خانه مطلوب را طراحی و اجرا نماید.

موضوع نظریه پردازی و نوآوری در حوزه علوم انسانی و گرایش‌های بین‌رشته‌ای مانند معماری در سه حوزه حکمت نظری و حکمت عملی و خلق آثار هنر و معماری در نمودار شماره ۴ تبیین شده است. با توجه به آنچه گذشت در نمودار شماره ۵ ارکان و ساختار پژوهش این رساله چنین ارائه می‌شود.

^۱ - حدیث از امام صادق (ع): «علینا بالقاء الاصول و علیکم بالتفریع». «بر عهده ما ارائه اصول، و بر شما اجتهاد است». (بحار، جلد ۲، ۲۴۵، به نقل از جوادی آملی، ۱۳۷۳، ۱۵۰)

نمودار شماره ۴- نظریه پردازی و نوآوری در گرایش‌های بین‌رشته‌ای مانند هنرها و معماری

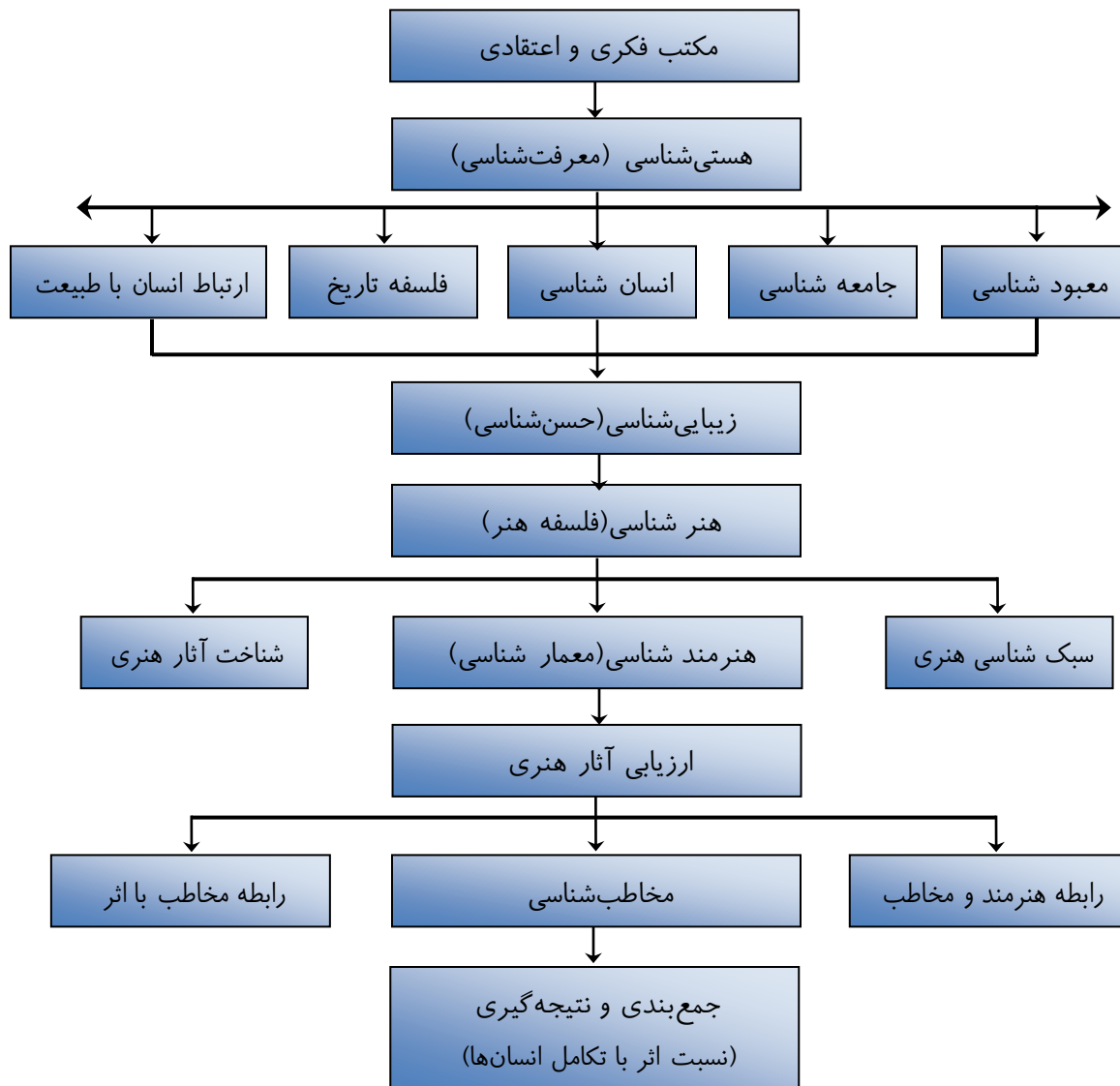


ارکان ساختار	معنا و مفهوم هر رکن	دیدگاه و رویکرد پژوهش
۱- شالوده نظری	گزاره‌های پایه، مفروضات شناخت‌شناسانه و هستی‌شناسانه پذیرفته شده پژوهش.	- مفروضات اصلی، حکمت نظری و عملی اسلامی است. - بر پایه منابع خطاناپذیر کلام الهی و کلام معصومین (س) و داوری آن‌ها است. از طریق استنباط‌های عقل فردی و اجماع خبرگان (عقل جمعی و تاریخی).
۲- هدف	انگیزه و غایت پژوهش	- هدف پژوهش هم بنیادی است و هم کاربردی - تعیین نوع ایده‌های فضایی-هندسی در طراحی معماری و شهرسازی متناسب با ابزار ادراکی انسانی، در جهت تکامل اختیاری او از منظر اسلامی
۳- ضرورت‌ها	ضرورت و لزوم انجام پژوهش؟	کاستی‌هایی در رویکردهای امروزی به ایده‌های هندسی-فضایی یافت می‌شود که نشانگر بحران در تعریف نیازهای انسان است. پیامد آن پدیدار شدن انواع ایده‌های هندسی-فضایی در معماری است که به نیازهای اساسی انسان بی‌اعتنا هستند.
۴- رویکرد پژوهش	رویکرد اصلی پژوهش: توصیفی، تفسیری، تحلیلی، آزمایشی، کیفی، کمی	- در حوزه نظری (تفسیری، تحلیلی و کیفی) است و در حوزه عملی و ارزیابی آثار (تجربی، توصیفی و کمی) است.
۵- پرسش‌ها	پرسش اصلی و پرسشهای فرعی پژوهش، درباره ویژگی‌های یک پدیده، یا روابط میان پدیده‌ها، یا چگونگی تأثیر یک پدیده بر دیگری.	- آیا ابزار و شیوه‌های متنوع ادراکی انسان، هر یک تعامل خاصی با ایده‌های فضایی-هندسی در معماری و شهرسازی برقرار می‌نمایند؟ - ایده‌های هندسی-فضایی در معماری معاصر چه کاستی‌هایی دارند که به طور مناسب نمی‌توانند به نیازهای حقیقی (مادی و معنوی) انسان‌ها پاسخ دهند؟ - چگونه می‌توان بر پایه انسان‌شناسی اسلامی، ایده‌های هندسی-فضایی‌ای را در معماری تبیین و طراحی کرد که متناسب با نیازهای آلی و عالی انسان‌ها باشند؟ خاستگاه این ایده‌ها کدامند؟
۶- عامل‌های پژوهش	آنچه در پرسش از آن پرسیده می‌شود؛ ویژگی، یا وجهی از آن پدیده، یا چگونگی رابطه میان پدیده‌ها.	نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها، چگونگی ادراک محیط از سوی انسان، ویژگی‌های کمی و کیفی فضا
۷- فرضیه پژوهش	پاسخ گمان زده شده برای پرسش پژوهش	برپایه انسان‌شناسی اسلامی سلسله مراتبی از نیاز سنجی بدست داده می‌شود که برای دست‌یابی به ایده‌های متناسب هندسی-فضایی ضروری است. چهار ایده هندسی-فضایی بر پایه انسان‌شناسی اسلامی مطرح می‌شود که هر کدام متناسب با دسته‌ای از نیازها هستند. (الف) دو ایده هندسی-فضایی با انسان ساکن، نقطه دید ثابت، متناسب برای سیر در انفس (ب) یک ایده هندسی-فضایی با انسان متحرک، نقطه دید متحرک، متناسب برای سیر در آفاق
۸- مسیر پژوهش	مراحل و گام‌هایی که برای دستیابی به نتایج پیموده می‌شود.	- گردآوری داده‌ها و تبدیل آنها به اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافتن کاستی‌ها در نقد وضعیت معاصر. - تبیین جهان‌بینی اسلامی به عنوان شالوده معرفتی، و تبیین دیدگاه اسلام در زمینه زیبایی‌شناسی و هنر - تبیین دیدگاه اسلام در زمینه مفاهیم، بینش‌ها و ارزش‌های معماری (حکمت نظری و عملی در معماری) - بررسی و تحلیل ایده‌های اصلی هندسی-فضایی در معماری معاصر غرب و دیدگاه‌های پشتیبان آن‌ها - یافتن کاستی‌ها، از حوزه نیاز سنجی‌های انسان در فرهنگ معاصر غربی - یافتن پاسخ برای کاستی‌ها و کمبودهای معماری و شهرسازی امروز در زمینه ایده‌های فضایی-هندسی در طراحی معماری. - تحلیل آثار معماری دوران اسلامی از بعد هندسی-فضایی که مؤید نظریه‌های مطرح شده هستند.
۹- روش پژوهش	چگونگی پیمایش گام‌ها، و پاسخ به پرسش‌های پژوهش در دو گام بنیادی گردآوری/داوری	- استنباط منطقی و تحلیلی از گزاره‌های مفهومی و نظری برپایه منابع چهارگانه (عقل، اجماع خبرگان، کلام معصومین (س) و کلام الهی). - استنباط تحلیلی و تجربی-اجتهادی از گزاره‌های عملی برپایه منابع چهارگانه فوق. - اجتهاد تجربی و تأویلی از آثار معماری و شهرسازی برپایه مشاهدات طبیعی (آیات الهی در طبیعت) و آثار معصومین (س) یا آثاری را که آنها تأیید و یا تکذیب نموده‌اند.
۱۰- دستاوردها	- دستاوردهای بنیادی - دستاوردهای کاربردی - دستاوردهای بنیادی و کاربردی	- تبیین نسبت مکتب اسلام با مباحث زیبایی‌شناسی، هنر و معماری و شهرسازی. (بنیادی است و نوآوری) - تبیین تعامل ابزار و شیوه‌های ادراکی انسان‌ها با ایده‌های فضایی-هندسی در معماری و شهرسازی. (کاربردی است و نظریه پردازی). - دستیابی به ایده‌های متنوع هندسی-فضایی در جهت خلق آثار معماری متناسب با نیازهای مادی و روحی انسان‌ها و در جهت سیر کمالی آن‌ها. این دستاوردها، کاربردی، نوآورانه و نظریه پردازی است.

روند موضوعی در رشته‌های هنری و معماری (تبدیل ایده‌ها به پدیده‌ها)

در نمودار شماره ۶ کلی‌ترین موضوعات مطرح در رشته معماری، مباحث هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه که سرچشمه ایده‌ها و آرمان‌های معماران می‌باشند، تا ویژگی‌های آثار معماری و ارزیابی تأثیرات آنها بر مخاطبان ارائه شده است.

نمودار شماره ۶- موضوع شناسی طولی در مباحث هنر و معماری



اگر مباحث معماری را از بُعد اصول حاکم بر آنها و نوع ارتباط آنها با یکدیگر مورد بحث قرار دهیم، سه حوزه کلی را می‌توان از هم تفکیک

نمود:

🔹 **حکمت نظری** (گزاره‌های هستی‌شناسانه)،

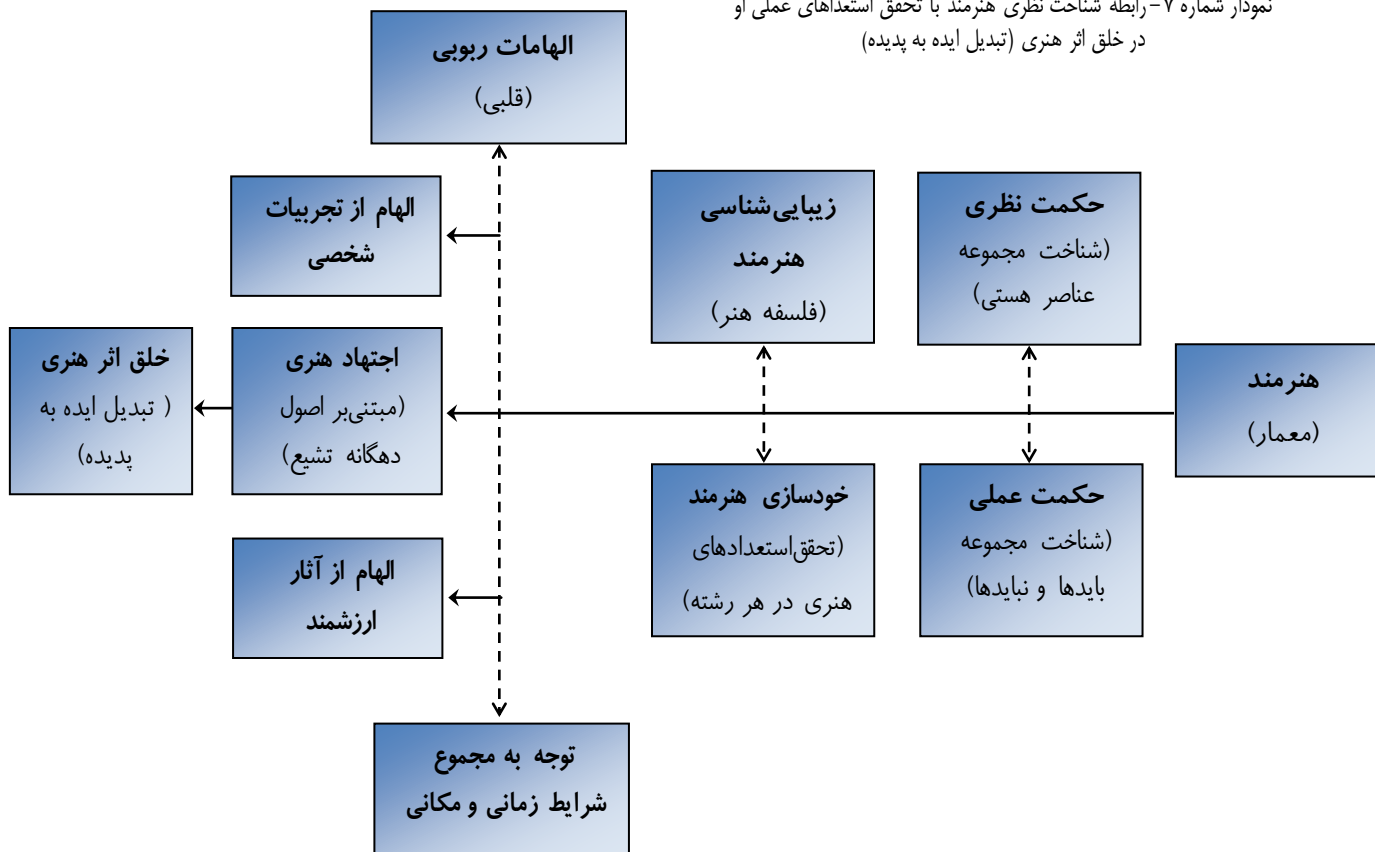
🔹 **حکمت عملی** (گزاره‌های شیوه‌شناسانه)

🔹 **ویژگی‌های آثار معماری** (ارزیابی آثار).

این سه حوزه در محورهای جداگانه و به صورت یک ساختار کلی و عرضی در نمودار شماره ۷ مطرح شده‌اند.

شالوده‌های نظری هر مکتب در نهایت معیارهای حسن‌شناسی و زیبایی‌شناسی آن مکتب را ارائه می‌نماید؛ و گزاره‌های عملی بستر خودسازی و باید و نبایدهای هنر و هنرمندی را تبیین می‌کنند. این دو حوزه دو بال می‌شوند تا هنرمند با توجه به مجموع شرایط انفسی و آفاقی به اجتهاد هنرمندانه، یعنی تجلی معانی در صورت‌ها (تبدیل ایده‌ها به پدیده‌ها و خلق اثر هنری بپردازد.

نمودار شماره ۷- رابطه شناخت نظری هنرمند با تحقق استعداد های عملی او
در خلق اثر هنری (تبدیل ایده به پدیده)



اصول حاکم بر گزاره های نظری، عملی و ارزیابی آثار معماری

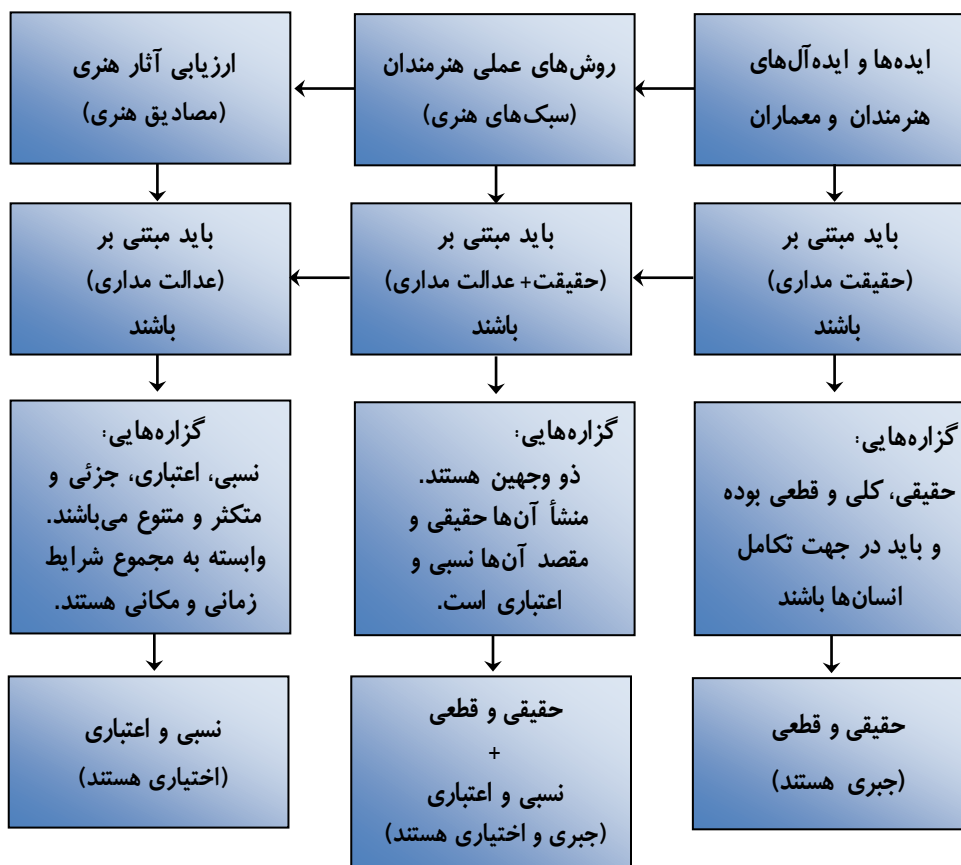
بر پایه معرفت شناسی اسلامی و کلام الهی و معصومین (ع) اصول حاکم بر گزاره های نظری بدین گونه اند:

✚ **گزاره های نظری**، حقیقی، کلی، قطعی و غیر وابسته به انسان و مجموع شرایط زمانی و مکانی هستند. (اصل حقیقت مداری)

✚ **گزاره های عملی** گزاره هایی ذووجهین و برزخی می باشند. بدین گونه که از بُعد مرجع و در ذهن معمار، مانند گزاره های نظری بوده و به محض مشخص شدن مخاطبان و نوع کارکرد ساختمان و دیگر شرایط زمانی و مکانی، گزاره هایی اعتباری، نسبی و وابسته به اراده و اجتهاد معمار و مجموع شرایط زمانی و مکانی می شوند. (اصل حقیقت+ عدالت مداری)

✚ **آثار هنری** نیز که توسط انسان های بالفعل و نسبی با توجه به مجموع شرایط، بازآفرینی و ایجاد می شوند، با توجه به حُسن شناسی هنرمند و استعداد فردی و تجربه اجتهادی و هنرمندانه او، عناصری اعتباری و نسبی بوده و وابسته به اراده هنرمند و مجموع شرایط زمانی و مکانی می باشند. (اصل عدالت مداری)

✚ دسته بندی گزاره ها و اصول حاکم بر آنها که رابطه ای علت و معلولی و طولی دارند در نمودار شماره ۸ ارائه شده است.



بررسی تطبیقی مکاتب نظری از بُعد شناخت‌شناسی تا زیبایی‌شناسی

اولین نکته در مباحث علوم انسانی و فرایند طراحی معماری، نقد و ارزیابی مکاتب فکری از بعد هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و حاصل زیبایی‌شناسی آن مکاتب می‌باشد. در رویکرد فیلسوفان شاخص پس از سده‌های میانه در اروپا مانند دکارت و کانت، مباحث فلسفی از شناخت‌شناسی و ابزار و شیوه‌های معرفتی انسان آغاز می‌شود. این رویکرد تأثیر عمیقی بر فلسفه هنر و معماری و شیوه‌های معاصر داشته است. در فرهنگ اسلامی نیز حدیث مشهوری است که «کسی که خود را شناخت خدای خود را هم خواهد شناخت». در یک بررسی تطبیقی مکاتب مختلف، از شکاکان و نسبی‌گرایان تا دیدگاه اسلامی، که خود را «تبین‌کننده همه پدیدارها»^۲ معرفی می‌نماید در نمودار شماره ۹ ارائه شده اند.^۴

^۲ - «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» این حدیث نبوی و علوی به شکل‌های گوناگون نقل شده است. برای یک بحث سند‌شناسی رجوع شود به جداول کتاب «عیون مسائل نفس» حسن حسن زاده آملی. صفحه ۸۵ تا ۹۰. شیخ بهایی در «کشکول» چهارده معنی گوناگون برای این حدیث مطرح نموده است.

^۳ - «تبیاناً لکل شیء» (سوره نحل. آیه ۸۹)

^۴ - بدیهی است که مقوله خالق‌شناسی و مبحث واجب‌الوجود، و ممکن‌الوجودها، بحث گسترده و جداگانه ای نیاز دارد.

نمودار شماره ۹- بررسی تطبیقی انواع مکاتب شناخت‌شناسی، از بعد زیبایی‌شناسی و سبک‌ها و آثار هنری و معماری^۵

مکاتب از بعد شناخت‌شناسی		ابزار و شیوه شناخت	حاصل معرفتی شناخت	حاصل زیبایی‌شناسی	فیلسوفان شاخص (نسبی و متغیر)	سبک‌های هنری و معماری (همه به صورت نسبی)
۱- شک‌گرایان	عصر باستان سوفسطاییان (لادریون)	نبود ابزارها و شیوه‌های قابل اعتماد	عدم امکان شناخت حقیقت وجود یا راه‌های آن	بی‌معناری در زیبایی‌شناسی و زشتی	گرگیاس، پیرهون و ...	سامان شکنی، آشوب، دادایسم فوویسم، سورتالیسم؟
	عصر جدید				دریدا، پاتنم، له رر،	
۲- نسبی‌گرایان (انسجام‌گرایان)	۲-۱- فردگرایان	ابزارها و شیوه‌های فردی	حقیقت فردی	معماری‌های فردی در زیبایی و زشتی	پروتاگورس، لیوتار، فوکو، دلوز، بودریار	
	۲-۲- جمع‌گرایان	تاریخ‌گرایان (جبر تاریخی)	در هر دوره تاریخی وابسته به آندوره	زیبایی و زشتی وابسته به شرایط دوران‌های تاریخی	هگل	فرانزگرای تاریخ‌گرای منطق‌هگرای زمینه‌گرای نوبومی‌گرای
	جامعه‌گرایان (جبر اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی)	وابسته به شرایط طبقاتی و اجتماعی افراد است	حقیقت تابعی از شرایط فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی افراد است	زیبایی و زشتی محدود به شرایط اقتصادی و القانات فرهنگی و سنت‌های اجتماعی	مارکس و قائلین به هرمنوتیک فلسفی مانند گادامر	
	نژادگرایان (جبر نژادی و وراثت)	وابسته به شرایط نژادی است	حقیقت و معرفت تابعی از شرایط نژادی است	زیبایی و زشتی وابسته به شرایط نژادی افسراد است	نیچه	
۳- میناگرایان حصری	حس‌گرایان	حواس پنج‌گانه و تجربه بیرونی	محسوسات و علوم تجربی	زیبایی‌های محسوس	کندیاک پوزیتیویست‌ها	نوگرایی / شکل‌گرایی ارگانیک / زبرگرایی ساختارگرایی / عقل‌گرایی آینده‌گرایی‌های (تک) کارکردگرایی هنرهای مفهومی
	حس‌گرایان	حواس پنج‌گانه + احساسات درونی (تجربه بیرونی و درونی)	محسوسات و علوم تجربی و پدیده‌های نفسانی	زیبایی‌های محسوس و درونی	لاک و هیوم	
	عقل‌گرایان دکارتی	عقل (تحلیل معقولات فطری)	علوم عقلی	زیبایی‌های اولیه عقلی	دکارت	
۴- میناگرایان جامع و مانع	مشائین	حواس + عقل (حس و استنتاج عقلی)	علوم بدیهی و نظری حسی تجربی و عقلی	ادراک زیبایی‌های محسوس و معقول	فارابی بوعلی سینا	
	اشراقیون و عارفان	شهود قلبی (احاطه اشراقی نفس از طریق تزکیه درون)	معرفت حضوری به واقعیات	ادراک زیبایی‌های ملکوتی	سهروردی ابن عربی	هنر و معماری دوران اسلامی و دیگر آثار اصیل (همه به صورت نسبی)
	دیدگاه کامل اسلامی	معرفت‌های اولیه حضوری (فطری) + حواس + عقل + شهود مبتنی بر داوری وحی و کلام معصوم	علوم حصولی (حسی و تجربی) - عقلی + علوم حضوری (شهود درونی به حالات نفسانی + الهام + مکاشفه وحی)	ادراک ذهنی زیبایی‌های حسی و عقلی + ادراک شهودی زیبایی‌های ملکوتی و مراتب برتر وجود	حکمای اسلامی و مجموع متألهین به صورت نسبی و خطاپذیر (تنها کلام الهی و معصومین (س) خطاناپذیرند)	

۵- اسامی فیلسوفان شاخص به طور نسبی است و عنوان مشهور آنان است، بسیاری از فیلسوفان و عرفای مسلمان در سیر تکاملی خود به میناگرایان جامع نزدیک می‌شوند. سبک‌ها نیز اصولاً نسبی هستند.

نقد و تحلیل کلی دیدگاه مکاتب فکری تأثیر گزار بر هنر و معماری

۱- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب شک گرایی

چون مکاتب شک‌گرا تأثیر بسیاری در شیوه‌های نامناسب امروزی و در ایجاد آثار هنری و معماری معاصر داشته‌اند آنها را از نظر معرفت‌شناسی اسلامی اجمالاً بررسی می‌کنیم:

- ۱) **حواس پنج‌گانه** انسان جهت ارتباط با مرتبه مادی هستی، همیشه و در طول تاریخ ابزار مفید و مؤثری بوده‌اند که در ادراک عالم ماده و استنتاج علوم تجربی به کمک استقراء عقلی، اکثراً صادق بوده و پایه‌گذار فناوری و صنعت بوده‌اند. موارد خطاپذیری آن نیز در مجموع اندک بوده است.
- ۲) **واقعیت‌های حسی** از طریق احساس گرسنگی، تشنگی، درد و دیگر نیازها همواره لمس می‌شوند، مانند فرو رفتن سوزن در دست.
- ۳) **شکاکان** که می‌گویند سراب، آب نیست، عملاً اعتراف می‌نمایند که آب را می‌شناسند و نمی‌توانند مطلقاً شکاک باشند.
- ۴) از طریق **بدیهیات اولیه عقلی و فلسفی** غیر از حواس، می‌توان به معرفت‌های عمیق‌تر و کلی‌تر دست یافت؛ مانند علت داشتن هر معلول، بزرگتر بودن کل از جزء و باطل بودن دور و تسلسل و ...
- ۵) علاوه بر معرفت‌های بالا انسان به **حالت‌های درونی و روحی** خود معرفت بی‌واسطه حضوری دارد؛ مانند احساس غم، شادی، حیات، عظمت، قدرت، دانایی و ...
- ۶) **خطاپذیری حواس** می‌تواند ما را متوجه ابزار شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تری که همان **ابزار عقل** است، هدایت کند و در عمل به وسیله آن ابزار، دلیل خطاهای حسی کشف می‌شوند.

۲- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب نسبی گرایی

- ۱) **هویت فردی**، بالفعل و شخصی انسان‌ها تحت تأثیر وراثت، تربیت، شرایط تاریخی، طبقات اجتماعی، نژادی و غیره می‌باشد. این هویت ناشی از مجموع شرایط وابسته به زمان و مکان بوده و هویتی کسبی، اعتباری، متغیر و درعین حال تربیت پذیر است.
- ۲) انسان غیر از هویت بالفعل، کسبی و متغیر خود، **دارای یک ذات و فطرت نوعی بالقوه** و غیر قابل تبدیل و تحویل نیز می‌باشد.^۶ همین ذات مشترک، ضامن تفاهم و درک متقابل و ارتباط عمیق وجودی و درک هنری بین همه انسان‌ها (طبقات اجتماعی و نژادی و غیره) در طول تاریخ بوده و می‌تواند باشد. تفاوت عمیق رابطه انسان‌ها با یکدیگر و متقابلاً با دیگر موجودات از این بُعد است.
- ۳) انسان موجود مرکبی است **شامل نفس گیاهی، حیوانی، عقلانی و روحانی**؛ که عناصر ترکیب شونده خواص خود را حفظ می‌نمایند. درعین حال انسان موجودی است آزاد و خود می‌تواند هویت بالفعل خویش را برگزیند. لذا در بُعد حیوانی، انسان در جبر غرایز خود، هویتی منفعل داشته و از خود حقیقی و فطرت روحانی خود بیگانه می‌شود. این خود اعتباری وابسته به مجموع عوامل خارجی متکثر و متغیر است. اما اگر نفس عقلانی و روحانی خود را بیدار نماید و استعدادهای فطری خود را محقق نماید، به خودآگاهی انسانی رسیده است. انسان در این مقام یک نوع است با فطرتی الهی و غیر قابل تبدیل و تحویل.

۳- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب حسی گرایی

- ۱) برای نتیجه‌گیری علمی از تجربه‌های حسی ما عملاً **از استقراء عقلی بهره‌برداری می‌نماییم** و بدون آن تعمیم تجربه‌های حسی امکان پذیر نیست.

^۶ - «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّسْأَ عَلَیْهَا لَا تُبَدَّلُ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّیْنُ الْقَیْمُ» (۳۰/۳۰)

۲) **حواس پنج‌گانه** برای درک مرتبه نازلی از هستی (جزئیات عالم طبیعت) مفید است. برای درک کلی‌تر و عمیق‌تر مراتب وجود، نیاز به بهره‌برداری از استعدادها و والاتر انسان، یعنی قیاس و دیگر استنتاجات عقلی - فلسفی و نهایتاً معرفت‌های بی‌واسطه و حضوری یعنی معرفت‌های قلبی و عرفانی داریم.

۳) علاوه بر پاسخ‌های بالا باید گفت انسان یک موجود یک بعدی و تک‌ساحتی نیست، بلکه **عنصر مرکبی است** که استثنائاً عناصر ترکیب شونده وجود او، استقلال و هویت خود را حفظ نموده‌اند. برخلاف دیگر موجودات مرکب که خواص قلبی خود را از دست می‌دهند.^۷ بنابراین تمایلات و انگیزه‌ها و احساسات درونی او فقط غریزی و غیرارادی نیست که از طریق روان‌شناسی و روانکاوی متکی بر جبر غریزی حیوانی و بالفعل او شناخته شود. او موجود آزادی است که می‌تواند با بهره‌گیری از استعدادها بالقوه عقلانی و روحانی خود همه مراتب هستی را انکشاف، و همه ابعاد وجودی و عالی خود را محقق سازد و به کمال رساند.

۴- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب عقل‌گرایی دکارتی

۱) **انسان بالفعل**، ابتدا از حوزه دریافت‌های حسی و تجربی وارد عالم معقول و دریافت‌های ذهنی و عقلانی می‌شود.^۸ وجود او به هر دو حوزه نیازمند است و با هر دو حوزه به تناسب مراتب آنها می‌تواند ارتباط برقرار نموده و دریافت‌هایی داشته باشد.

۲) در ضمن حقایقی در عالم وجود دارند که تنها با بهره‌گیری از **قوای عقلانی** بشر قابل تفسیر و توجیه نیستند و نیاز به روش‌های دیگر شناخت مانند آزمایش‌های حسی و معرفت‌های شهودی پیدا می‌نمایند.

۵- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب مشائی ارسطو

۱) **دریافت‌های حسی و عقلی**، ارتباط با واسطه با عالم خارج و علوم حصولی هستند. انسان از آنجا که دارای نفس روحانی است، می‌تواند با شیوه تزکیه روح، هم ابعاد برتر وجودی خود را بالفعل نماید و هم به عوالم برتر وجود معرفت بی‌واسطه و حضوری داشته باشد.

۲) **عقل بالفعل** در نهایت، یقین و معرفت با واسطه و حصولی ایجاد می‌کند، نه یقین و معرفت بی‌واسطه و حضوری. اختلاف نظر فیلسوفان و اندیشمندان از این منظر توجیه‌پذیر است. دریافت‌های حضوری و عرفانی نیز مستلزم طی مراحل است. به همین دلیل ارسال پیامبران و انزال وحی برای هدایت انسان‌ها (یعنی عقل کل و انسان کامل)، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر شمرده می‌شود.^۹

۶- نقد و تحلیلی کلی بر دیدگاه مکتب عرفانی

۱) عناصر وجودی انسان و مراتب وجود، مرکب هستند. رشد و کمال معرفتی انسان‌ها در طول زمان و به تدریج صورت می‌گیرد. عناصر نازل‌تر وجود او مزرعه و زمینه معرفت به مراتب برتر می‌شوند. لذا معرفت‌های حضوری در انسان هم به تنهایی تحقق‌پذیر نیست و هم کافی نیست.

۲) مراتب وجود به بی‌نهایت ذات احدیت سر می‌کشند. بنابراین میزان معرفت عارفان به حقیقت هستی مرتبه‌مند است. برای همین است که آنها در انتقال معرفت‌های حضوری خود به ما از تعابیر و تأویلات استفاده می‌نمایند. از همین رو است که در

^۷ - مشخصات اسلام. ستاد بزرگداشت شهید مطهری، ۲۱

^۸ - حدیث از معصومین(س): « ازدیاد العقل بالتجربه» زیادی عقل به تجربه است. از آنجا که مفهوم تجربه مقید نشده است، شامل تجربیات حسی نیز می‌شود.

^۹ - آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر آیه: « هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم» (۶۲/۲) می‌فرماید: خود پیامبر هم نسبت به وحی الهی ابتدائاً اُمی است. خداوند به پیامبر اکرم(ص) فرمود: « و علمک مالم تکون تعلم» (۲/۲۶۸). خداوند به تو چیزی آموخت که نمی‌توانستی یاد بگیری. و خداوند به همه انسانها می‌فرماید: « یعلمکم مالم تکونوا تعلمون» (۲/۱۵۱). انبیاء چیزی را به شما یاد می‌دهند (کلام وحی) که نمی‌توانید بدانید. نه فقط نمی‌دانید.

گفته ها و تفاسیر آنها اختلاف دیده می شود. به همین دلیل، وجود انسان کامل که با اراده الهی^{۱۰} به عالی ترین درجات معرفت و یقین حضوری رسیده است در جهت تفسیر و تبیین وحی و هدایت انسان ها امری واجب و اجتناب ناپذیر شمرده می شود.

جمع بندی و نتیجه گیری از دیدگاه های مکاتب تأثیر گزار بر هنر و معماری

- ❖ **ابزار شناخت و شیوه های آن** و حاصل معرفتی آنها یگانه نیست؛ بلکه همه ابزار و شیوه ها در طول یکدیگر می توانند انسان را از سطح هستی به عمق برتر آن و از ابعاد مادی وجود انسان به ابعاد عقلی و روحی او برسانند.
- ❖ بُعد حیوانی انسان بالفعل و **بُعد انسانی و فطری او، بالقوه است** و با اراده خود او بالفعل و محقق می شود. یعنی برای تحقق استعداد های انسانی، صیورت « ارادی و آزادانه » مطرح است و نه انسان بودن جبری و حیوانی، بنابراین انسان بالقوه « نوع » است و انسان بالفعل، « انواع ».
- ❖ **ابزار شناخت و شیوه های معرفت** و حاصل درک و شعور انسان (هنرمند) یگانه نیست و ساختاری طولی دارد. به همین ترتیب زیبایی ها نیز در هستی یک بعدی و یگانه نبوده و بر حسب مراتب وجود از سطح به عمق، انواع دارد و از زیبایی های مادی تا زیبایی های معقول و تا زیبایی های ملکوتی و تا زیبایی های برتر، سیری از ظاهر به باطن و از مادی تا معنوی و روحی را می تواند شامل شود.
- ❖ **هنرمند** تا خود از همه ابزار های معرفتی و شیوه های درک حقایق آفاقی و انفسی برخوردار نگردد و به درک همه مراتب زیبایی نائل نشود ایده ها و ایده آل های متعالی نخواهد داشت و هرگز قادر نخواهد بود هنری اصیل و عالی بیافریند.
- ❖ با توجه به آنچه گذشت دیده می شود که **مسیر سیر و سلوک و درک و شهود باطنی هنرمندان و عابدان و عالمان و زاهدان و مبتکران از هم جدا نیست** و علم و مذهب و اخلاق و هنر و زیبایی و ابداع، از یک سرچشمه می جوشند و در هماهنگی و تعامل و تأثیر و وحدت بسر می برند و در پیوندی عمیق و لایزال موجب صلح و برادری و سلامت و درک و تفاهم متقابل انسان ها و رشد و کمال فرهنگ ها، تمدن ها و انسان ها خواهند شد.
- ❖ **جدایی ظاهری و مادی محصول و دستاورد کار عالمان و هنرمندان متخلف**، نباید این تصور موهوم را در ما ایجاد نماید که اساس سرچشمه و دستاوردهای آن ها جدا و متناقض است. بلکه بر اساس آیه «كَلِمَةُ الطَّيْبَةِ كَشَجَرَةِ الطَّيْبَةِ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فُرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ»، منشأ و خاستگاه عالمان و عارفان و هنرمندان، همه از فطرت ثابت و الهی آن ها می جوشد و یگانه است.
- ❖ **جدایی انداختن و متضادش مردن** علم و مذهب و اخلاق و هنر و زیبایی ناشی از گرایشات نفس بهیمی و متکثر و متغیر انسان است، خلق آثار به ظاهر هنری که در بُعد محتوا و معنا، بی هدف و آرمان بوده و بی معیار و محک می باشند موجب تشدید از خود بیگانگی انسان ها و سیطره کمیت، غرایز حیوانی و خیال پردازی های موهوم و پوچ و ویرانگر شده است. آنچه امروز در رسانه های غرب زده، اغلب توصیه و تبلیغ می شود، چنین هنری است.

۱- هستی شناسی اسلامی (انواع و مراتب وجود)

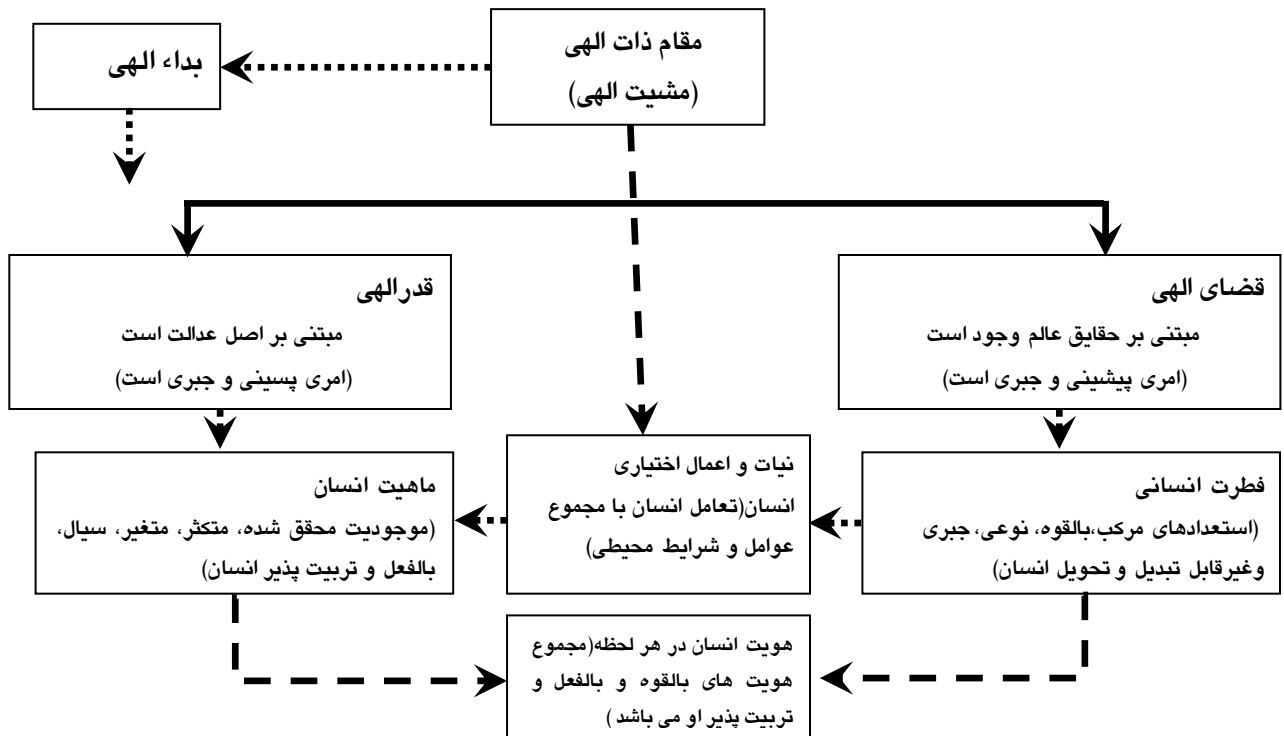
در نمودار شماره ۱۰ هستی شناسی اسلامی، بر پایه مشیت الهی (قضا و قدر) ارائه شده است.

۲- انسان شناسی اسلامی از منظر حضرت علی (ع)

بر اساس حدیثی از حضرت علی (ع) کلی ترین ابعاد وجودی انسان را می توان برشمرد. در متن این حدیث علوی، **انسان علاوه بر موجودیت مادی**، موجودی مرکب و متشکل از چهار نفس گیاهی، حیوانی، عقلانی (تدبیر کننده) و روحانی (ملکه روحانی) معرفی می شود. هر نفس دارای پنج قوه بوده و حاصل قوای هر نفس به طور مشخص بیان شده است.^{۱۱} و^{۱۲} (نمودار شماره ۱۱)

^{۱۰} « بُرِيدُ اللَّهِ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا » (۳۳ / ۳۳). خدا می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند. این تطهیر از بعد جهل، خطا، نقص و . . . است.

^{۱۱} این حدیث در منابع گوناگونی نقل شده است. از جمله «مواعظ العدلیه» علی مشکینی، ۲۲۲، و همچنین « هزار و یک کلمه » آیت اله حسن زاده آملی، ۳۲۵.



نمودار شماره ۱۱- چهار ساحت انفسی انسان و قوا و خواص آن از دیدگاه حضرت علی (ع)

نفس چهارگانه انسان	قوای پنج گانه نفس انسان				خواص دوگانه نفس انسان	
رشد کننده گیاهی	جذب کننده	هضم کننده	دفع کننده	پرورش دهنده	نگهدارنده و مهار کننده	کم و زیاد شدن، رشد (تحریک درمقابل اتفاقات محیطی) (انسان منفعل)
حس کننده حیوانی	شنیدن	دیدن	بوییدن	چشیدن	لمس کردن	خشودوی و ناراحتی غریزی، (تحریک درمقابل اتفاقات محیطی) (انسان منفعل)
تدبیرگر قدسی(عقل)	فکر (تدبیر)	ذکر (یادآوری)	علم (دانایی)	حلم (بردباری)	تنبه(بیداری و پندپذیری)	حکمت و نزاهت (داوری و درک خوبی ها و بدی ها و زیبایی ها و زشتی ها و گرایش به خوبی و زیبایی) (انسان فعال)
ملکه الهی(روح)	بقاء در فنا	تنعم در سختی	عزت در ذلت	غنا در فقر	صبر در بلاء	رضایت و تسلیم (کرامت) (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی) (انسان فعال)

در تحلیل این حدیث و تبیین رابطه نفوس متنوع انسان از بیان علامه شهید مرتضی مطهری و مضمون آن مدد می گیریم که می گوید: «انسان موجود مرکبی است که عناصر ترکیب شونده آن علی رغم دیگر موجودات مرکب در طبیعت، استقلال خود را حفظ می نمایند.»^{۱۳} برای درک این رابطه عمیق و پیچیده بین نفوس چهارگانه انسان از مضمون حدیث علوی در نهج البلاغه یاری می جویم که در رابطه خداوند متعال (واجب الوجود) با دیگر موجودات (ممکن الوجودها) می فرماید: «خداوند، درون اشیاء است و با آنها یکی نیست؛ و بیرون از آنها است و از آنها جدا

^{۱۲}- مضمون این حدیث با آیات قرآن تطبیق می نماید. آنجا که خداوند متعال انسان را دارای نفس اماره (نفس حیوانی) و لواحه (نفس عقلانی) و مطمئنه (نفس روحانی) معرفی می نماید(سوره یوسف آیه ۵۳، سوره قیامت، آیه ۲ و سوره فجر، آیه ۲۷)
^{۱۳}- مشخصات اسلام. انتشارات ستاد بزرگداشت شهید مطهری، ۲۱.

نیست»^{۱۴}. برای درک این مفهوم عظیم در عالم تجربه‌های مادی، می‌توان به رابطه انسان با تصویرش یا سایه‌اش اشاره نمود. انسان در تصویرش وجود دارد، اما با آن یکی نیست؛ و بیرون از تصویرش می‌باشد، اما از آن جدا نیست.

در برداشتی از این حدیث عمیق شاید بتوان گفت رابطه نفس روحانی انسان که خداوند آن را مستقیماً به خود نسبت می‌دهد^{۱۵} با دیگر نفوسش، شبیه رابطه خداوند است با دیگر پدیده‌ها. یعنی نفس روحانی انسان در دیگر نفوس او تجلی پیدا می‌کند؛ شبیه تجلی الکتریسیته در سیم برق و روشن شدن لامپ، یا تأثیر حرارت و برودت بر اجسام؛ اما با آنها یکی و همسان و ماندگار نمی‌شود؛ و بیرون از آن نفوس است، اما از آنها جدا نیست. با این تفاوت که نفس روحانی انسان از سایر نفوس خود تأثیر و تأثر متقابل می‌پذیرد، اما تجلی خداوند (واجب الوجود) در سایر پدیده‌ها (ممکن الوجودها) یک طرفه است و خداوند تأثیرگذار است و نه تأثیرپذیر، مانند خورشید و انوارش. این برداشت، دیدگاه‌های بسیار نو و بدیعی را در حوزه فلسفه هنر و زیبایی باز می‌گشاید. مانند:

□ **طرح رابطه تجلی بین معنا با صورت** در هنرها، که نه تجسد است و نه سکون.

□ **طرح آزادی نفس روحانی انسان** در تحقق استعدادهای فطری خود.

□ **طرح ثبات استعدادهای فطری** و بالقوه نفس انسان و متغیر بودن هویت بالفعلش.

- تبیین تعارض آزادی در فرهنگ لیبرالیستی غرب با دیدگاه اسلامی. همان گونه‌که در نمودار بالا دیده می‌شود آزادی لیبرالیستی به معنی آزاد شدن نفس حیوانی از نفس عقلانی است؛ و آزادی به مفهوم اسلامی، یعنی آزاد شدن نفس عقلانی که به حکمت و نزاهت دعوت می‌نماید از نفس بهیمی که به زشتی دعوت می‌کند. بنابراین آزادی در مفهوم غربی با آزادی در مفهوم اسلامی آن کاملاً متضادند.

- تبیین مفهوم می و مستی که در نگاه ظاهر پرستان «انفعال نفس عقلانی» است و تعارض آن با می و مستی باطن شناسان، که «انفعال نفس بهیمی» است و رهایی عقل از نفس حیوانی که به بدی، امر می‌کند.

۳- مقایسه زیبایی شناسی مکتب اسلام با مکاتب دیگر

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب «شرح دعای سحر» در تعریف زیبایی می‌فرماید: «زیبایی یعنی وجود به نسبت قوت آن»^{۱۶}. ایشان این تعریف را مورد تأیید اغلب حکمای اسلامی می‌دانند. بر این اساس، مفهوم زیبایی سراسر عالم وجود را پر کرده است؛ و مفهوم زشتی به معنای نبود و نیستی تبیین می‌شود. در هستی شناسی اسلامی، وجود دارای دو دسته کلی واجب الوجود و ممکن الوجود می‌شود و وجودهای ممکن، خود دارای مراتبی هستند که در بندهای پنج و شش و هفت یعنی مطالب شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی نیز به آن پرداخته شد.

در نمودار شماره ۱۲ مکتب زیبایی شناسی اسلامی با بهره‌گیری از صفات حُسن، برپایه اسماء الحسنی الهی در قرآن (یک صد صفت) و از بعد انواع زیبایی‌ها برپایه عوالم وجود و انواع ابزار و شیوه‌های ادراکی انسان ارائه می‌شود.

^{۱۴} - نهج البلاغه . انتشارات فیض الاسلام. ۲۴ و ۲۵.

^{۱۵} - « فاذا سویته و نفخت فیه من روحی» (سوره حجر، آیه ۲۹) « هنگامی که او را تسویه نمودیم، از روح خود در او دمیدیم».

^{۱۶} - امام خمینی (ره). شرح دعای سحر. ترجمه سید احمد فهری. ص ۵۶

- **تعریف زیبایی** به عنوان مقوله ای وجودی از منظر توصیف کمی و صوری، همه شکل ها و صورت ها، رنگ ها، نقش ها، نواها و همه آنچه را که توسط حواس پنج گانه انسان قابل حس کردن باشد، فرا می گیرد. بنابراین نسبت به دیگر تعریف های حصری، جامع و مانع می باشد.
- **اسلام ابزار شناخت عقل که وسیله ادراک مفاهیم است** را در آیات و احادیث مورد تأیید و تأکید قرار داده و زیبایی مطلق، یعنی خداوند متعال را با یکصد صفت، در قرآن کریم معرفی نموده است. در منظر عرفا، صد عددی کامل و جامع صفات تعبیر می شود. مغز انسان نیز نمی تواند برای یک پدیده بیش از یکصد مفهوم متمایز را قائل شده و ادراک نماید. در عین حال، همه مکاتب زیبایی شناسی مذهبی و غیر مذهبی بر روی هم واجد چنین جامعیتی از تعریف زیبایی با صفات، نبوده و نیستند. بنابراین از منظر درک مفاهیم و زیبایی شناسانه عقلانی نیز، این مکتب جامع می باشد.
- **از بعد ادراک قلبی** زیبایی و با علم حضوری نیز، بر طبق احادیث معتبر، خداوند می فرماید: «من در آسمان و زمین نمی گنجم، اما در قلب مؤمن حضور دارم».^{۱۹} پس انسان عارف به میزانی که به انسان کامل نزدیک می شود، به همان نسبت به تمام مراتب وجود، احاطه ادراکی حاصل می کند و از لذت ادراک زیبایی های برتر و عالی تر برخوردار می گردد تا به مرحله رضایت، تسلیم و کرامت نفس نائل می شود. با توجه به تعریف آیت ... جوادی آملی از انسان به عنوان «زنده خداجو»^{۲۰}، در می یابیم که تکامل انسان به میزان درک او از زیبایی وابسته است. می توان گفت انسان به میزانی که زیبایی شناس هست، هستی شناس و خدا شناس می باشد و گرایش او به زیبایی مطلق امری ذاتی و فطری است. (نمودار شماره ۱۲ و ۱۳)

نمودار شماره ۱۳ - ارزیابی تعریف حسن و زیبایی در انواع مکاتب و در مقایسه با دیدگاه حکمای اسلامی

تعریف زیبایی انواع مکاتب	تعریف حسن و زیبایی	نقد و ارزیابی
۱- شکاکان	زیبایی قابل تعریف نیست	با نداشتن تعریف زیبایی، عملاً هر نوع معیار و مبنایی برای ارزیابی آثار هنری نفی می شود؛ که پیامد آن نوعی پوچ انگاری و هرج و مرج طلبی در حوزه هنر است.
۲- نسبی گرایان (فردی یا اجتماعی و یا تاریخی)	زیبایی قابل تعریف فطری نیست و بر حسب افراد یا طبقات اجتماعی و یا دوران های تاریخی متفاوت و متغیر تعریف می شود.	تعاریف آنان حقیقی و فطری و بر پایه مراتب وجود نیست و گرایش های ماهیتی و اعتباری و کسبی و متغیر و تربیت پذیر انسان مطلق شده و اصیل شمرده می شود.
۳- حس گرایان بیرونی	زیبایی در صورت های مادی و کالبدی تعریف می شود.	حقیقت لایتنهای زیبایی در صورت های کالبدی آن محدود و ناقص تعریف می شود.
۴- حس گرایان درونی	زیبایی با لذت های غریزی و انفعالی مربوط به نفس انسان تعریف می شود.	حقیقت لایتنهای زیبایی در لذت ناشی از گرایش های غریزی و حیوانی انسان محدود و ناقص تعریف می شود.
۵- عقل گرایان دکارتی	زیبایی را با مفاهیم ذهنی و با صفات محدود تعریف می نمایند.	زیبایی شناسی آنها محدود به یک یا چند صفت حسن شده و ناقص است.
۶- حکمای اسلامی (حکمت متعالیه)	بر پایه تعریف زیبایی: «وجود به نسبت قوه آن» جامع و مانع ترین تعریف ارائه شده است.	بر پایه این تعریف صورت و محتوای زیبایی، هم در ظاهر (عالم ماده و طبیعت) بصورت جامع و مانع تعریف شده و هم در عوالم برتر بر پایه مجموع صفات حسن که در قرآن مجید آمده (یکصد صفت) تبیین شده است.

^{۱۹} - کلیات احادیث قدسی شیخ حرعاملی.

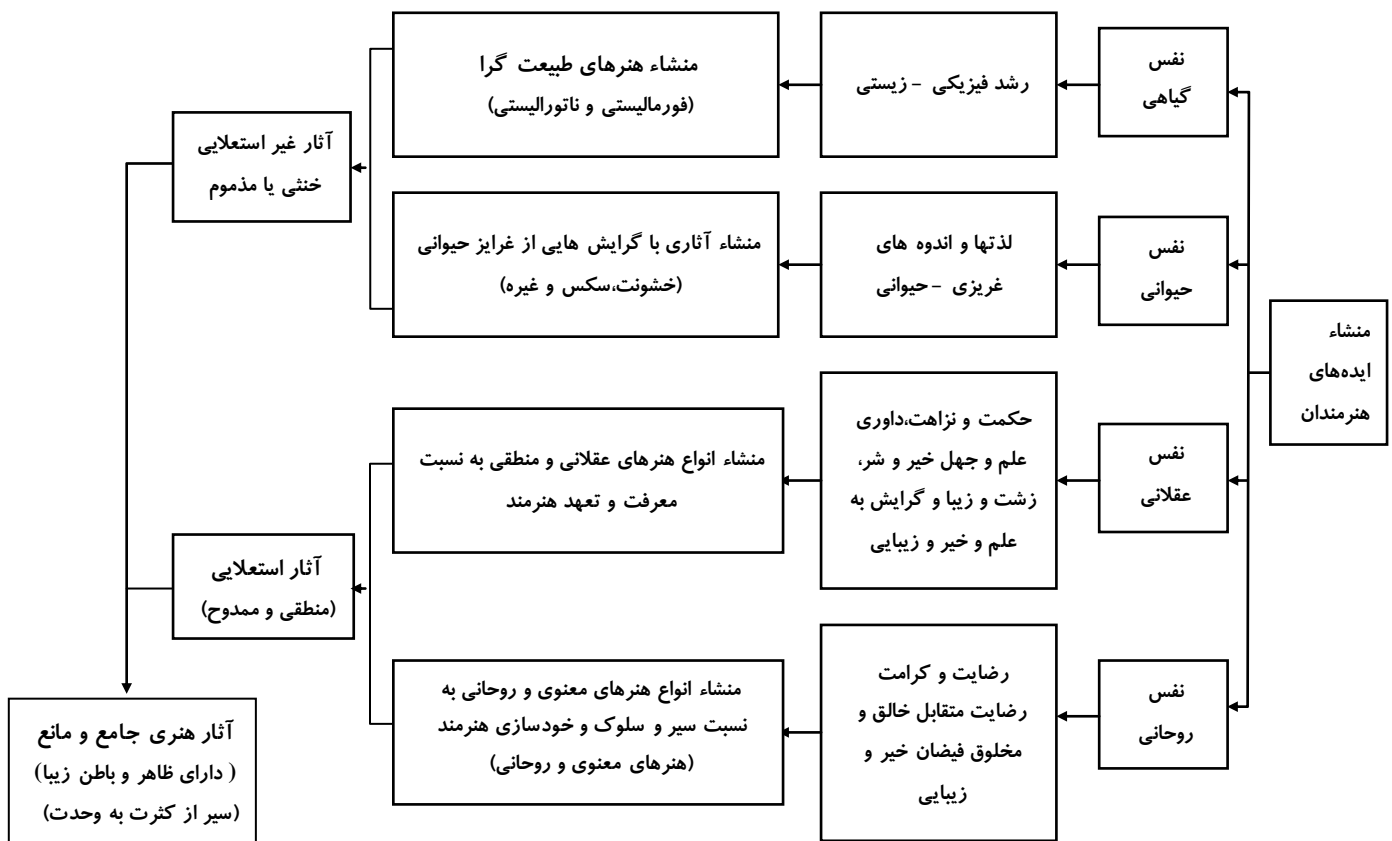
^{۲۰} - حی متأله. (جوادی آملی . پاسدار اسلام. ش ۲۳۵، ۶).

۴- راهبردهای حکمت هنر اسلامی در گذار از بحران‌های هنری و معماری معاصر

معنا و محتوا در صورت‌های هنری، تجلی نسبی صفات حسن الهی است؛ همان صفاتی که در بند پیشین به عنوان گرایش ذاتی و حقیقی انسان‌ها به زیبایی مطلق یعنی خداوند مطرح شد. اما شیوه هنری و یا اثر هنری‌ای که توسط انسان خلق می‌شود پدیده‌ای نسبی و اعتباری است و از منظر اسلامی به چند ویژگی مهم آن اشاره می‌شود:

(۱) شیوه‌ها و آثار هنری مقوله‌هایی نسبی و اعتباری هستند که وابسته به مکتب زیبایی‌شناسی هنرمند، استعداد و تجربه‌های او می‌باشند. اگر مکتب زیبایی‌شناسی هنرمند و ادراکات زیبایی‌شناسانه و تجربه‌های او ناقص و محدود باشد، بدیهی است که شیوه و اثر هنری او نیز به صورت نسبی ناقص و نامناسب خواهد بود. از آنجا که مفاهیم هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و زیبایی‌شناسی ذاتاً تناظر حقیقی دارند، بنابراین به میزانی که هنرمند، معرفت کامل تری از آن مفاهیم پیدا می‌کند، واجد ایده‌ها و آرمان‌های بهتری برای خلق اثر هنری می‌گردد. در نمودار شماره ۱۴ سرچشمه ایده‌ها و آرمان‌های ممدوح، خنثی و مذموم هنرمندان برپایه الهام از هریک از نفوس چهارگانه آن‌ها و در نتیجه آثار استعلایی و غیر استعلایی مطرح می‌شود.

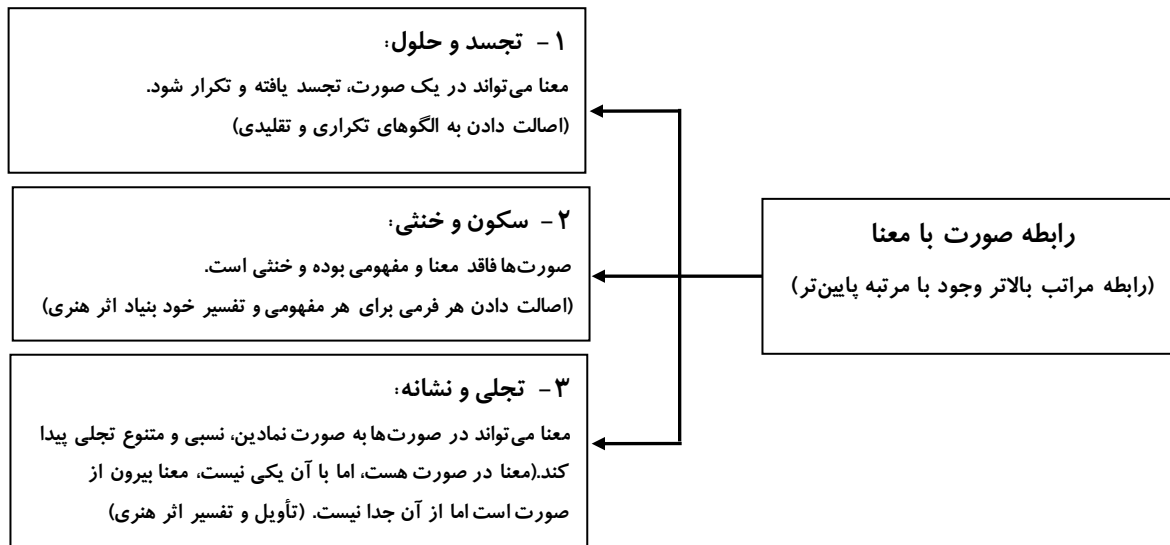
نمودار شماره ۱۴: منشأ ایده‌های ممدوح، خنثی و مذموم هنرمندان برپایه نفوس چهارگانه آنها
آثار هنری استعلایی و غیر استعلایی



(۲) داشتن ایده‌های عالی برای خلق اثر هنری لازم است، ولی کافی نیست. هنرمند باید علاوه بر آن، استعداد، آموزش، مهارت و تجربه در گرایش خاصی که به خلق اثر می‌پردازد داشته باشد. سیر باطنی و معرفتی انسان‌ها مشترک است. اما در مرحله تعامل با مخلوقات و انسان‌ها، بر حسب استعدادها و تعلیمات و تجربه‌های فردی، کسانی فیلسوف، عارف، معلم اخلاق، عالم یا هنرمند، آن‌هم در رشته‌های مختلف، می‌شوند.

۳) آثار هنری نه تجسد معنا در صورت است و نه صورت خنثی و فاقد معنا است؛ بلکه با استفاده از حدیث علوی^{۲۱} رابطه صورت و معنا، تجلی معنا در صورت است. زیرا مراتب بالاتر وجود، در مراتب پایین تر تجسد نمی یابند و رابطه آنها، شبیه رابطه خداوند است با پدیدارها. پس معنا در درون صورت است و با آن یکی نیست و بیرون از آن است و از آن جدا نیست. در نمودار شماره ۱۵ رابطه صورت و معنا در سه دیدگاه متفاوت بررسی می شود.

نمودار شماره ۱۵- سه دیدگاه مختلف در رابطه صورت و معنا در آثار هنری



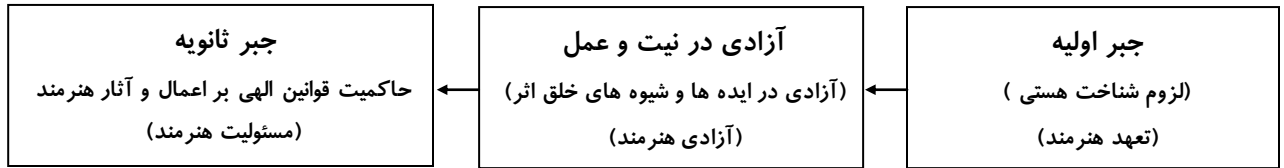
پس بدین گونه در تعریف هنر می توان گفت: «هنر تجلی حکیمانه و عادلانه حُسن ها در پدیدارها است، متناسب با نیازهای انسان ها و در جهت کمال آن ها». در این تعریف حسن ها، همه گرایش های زیبایی شناسانه انسان یا همان «اسماء الحسنای الهی» را دربر می گیرد که متناسب با نیازهای انسان و با در نظر گرفتن مجموع شرائط وابسته به زمان و مکان و نوع مخاطبان و در جهت کمال آنها، شامل کمال وجودی هنرمند و زمینه سازی برای تعالی مخاطبان می باشد.

۴) دیدگاه هایی که امروز یا هنرمندان را مطلقاً آزاد تعریف می کنند و یا می خواهند آنها را در قید و بند شیوه های صوری و یا تقلید از عناصر و اجزاء آثار سنتی مقید و محجور معرفی نمایند، قطعاً از واقعیت های انسان شناسی، زیبایی شناسی و فلسفه هنر اسلامی به دور مانده اند. از منظر فرهنگ اسلامی می توان مقوله جبر و اختیار انسان ها را به طور کلی و هنرمندان را در پرتو آن، با بهره گیری از کلام امام صادق (ع) تبیین نمود. ایشان در پاسخ سؤال کننده در مورد آزادی یا جبر انسان می فرمایند: «نه جبر است و نه اختیار، بلکه امری است بین دو امر».^{۲۲} پس آزادی هنرمند، بین دو جبر واقع می شود. در جبر اول هنرمند موظف است خود و هستی و قوانین حاکم بر آن را بشناسد (شناخت قضای الهی در پدیدارها)؛ سپس اختیار دارد مطابق قوانین الهی (پیامبران بیرونی و درونی) عمل بکند یا نکند (آزادی انسان). آنگاه در جبر دوم، نتایج عمل او به خواست و اراده او نیست. این قوانین حاکم بر هستی (یعنی قدر الهی) است که نتایج اعمال و آثار او را در رابطه با پدیدارها و مخاطبان تعیین نموده و شامل جزا و پاداش می نماید.

پس در نتیجه، هنرمند «متعهد و مسئول» است. او متعهد است قوانین حاکم بر خود و هستی را بشناسد. سپس «آزاد» است هرگونه می خواهد عمل نماید. در نهایت و جبراً «مسئول» نتایج مثبت یا منفی آثار خود بر هستی و مخاطبان می باشد. در نمودار شماره ۱۶ مراحل آزادی و جبر هنرمندان و مراتب تعهد و مسئولیت آن ها مطرح شده است.

۲۱- حضرت علی (ع) در مورد رابطه خداوند با پدیدارها می فرمایند: «مع کل شیء لا بمقارنه و غیر کل شیء لا بمزایله» (نهج البلاغه . خطبه اول، ۲۴)

۲۲- «لا جبر و لا تقویض، بل امر بین الامرین» (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۱۶۰).

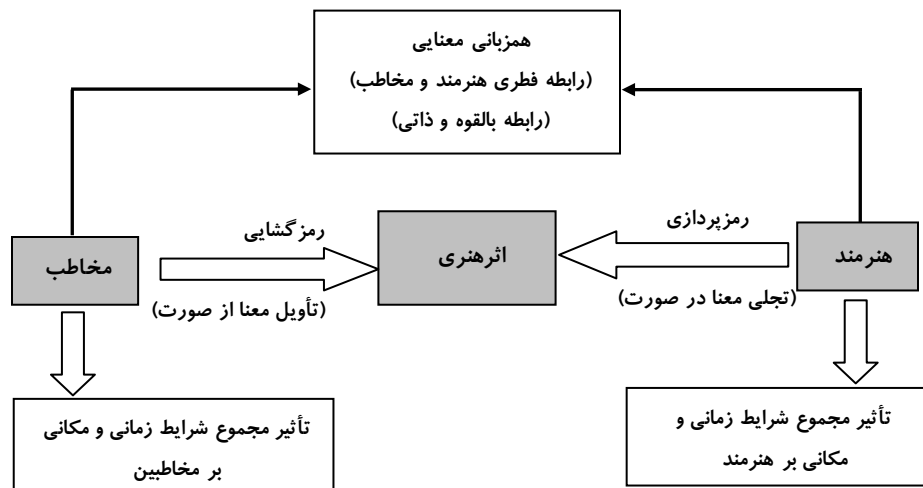


۵) **رابطه هنرمند، اثر هنری با مخاطبین:** امروزه دیدگاه‌هایی هستند که در مورد رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطب، از سکون اثر هنری یا مرگ مؤلف سخن می‌گویند و رابطه هنرمند با مخاطب را قطع شده می‌پندارند. آنها با مطلق نمودن هویت بالفعل و شرائط زمانی و مکانی انسان‌ها و غفلت از گرایش‌های فطری و ذاتی آنها، عملاً به قطع ارتباط و تعامل فرهنگی و معنوی بین انسان‌ها حکم صادر نموده و زمینه‌ها از خود بیگانگی و غربت خود و آنها را فراهم می‌نمایند و منکر تبادل فرهنگی انسان‌ها در طول تاریخ می‌شوند.

جهان بینی اسلامی با طرح موجودیت فطری، ثابت و بالقوه انسان و پذیرش هویت بالفعل، متغیر و تربیت پذیر انسان، رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطب را به بهترین و واقعی‌ترین نوع مطرح نموده است. آنچه‌ان که در نمودار شماره ۱۷ آمده است هنرمند و مخاطب ابتدا یک رابطه ذاتی و فرازمانی و مکانی دارند؛ چون فطرت انسانی مشترک دارند. در رابطه دیگر هریک وابسته به مجموع شرائط زمانی و مکانی خود و تحت تأثیرات آن می‌باشند که متغیر و تربیت پذیر است. ضمن آنکه رابطه هنرمند با اثر هنری، تجلی ایده‌ها و آرمان‌ها و مفاهیم ادراکی هنرمند است، که در اثر هنری نشانه پردازی شده و متجلی می‌باشد. در برابر هنرمند، مخاطب نیز که ذاتاً انسان است و دارای گرایش‌های فطری مشترک با هنرمند، به میزان رشد ادراکات و تکامل روحی و معنوی خود می‌تواند از اثر هنری رمزگشایی و آیه شناسی نموده و ایده‌ها و آرمان‌های حسن شناسی و ادراکی هنرمند را بازخوانی و بازشناسی (تأویل) نماید.

این رابطه بزرگترین رمز تعامل اجتماعی و تبادل فرهنگی انسان‌ها و ضامن تکامل آنها در طول تاریخ بوده، هست و خواهد بود. بنابر این رابطه هنرمند با مخاطب یک وجه حقیقی، ثابت و فطری دارد و یک وجه اعتباری، متغیر و نسبی؛ و مطلق کردن هریک، تعامل فرهنگی-هنری میان انسان‌ها را نابود می‌کند. (نمودار شماره ۱۷)

نمودار شماره ۱۷- رابطه هنرمند و اثر هنری با مخاطب از دیدگاه اسلامی



۵- تعریف جامع از معماری

باتوجه به مطالب ارائه شده می‌توان گرایش معماری را در یک جمله جامع و مانع تعریف نمود: «بازآفرینی و ساماندهی حکیمانه و عادلانه فضای زیست انسان‌ها است، با عناصر طبیعی و مصنوعی. متناسب با نیازهای متنوع انسان‌ها و در جهت کمال آن‌ها.» در تعریف فوق به چند نکته اشاره شده است:

□ **معماری** بازآفرینی عناصری است در هیئت و ترکیب جدید؛ یعنی نه تقلید است و نه آفرینش مطلق.

- **سامانه**، عنصر مرکزی است از اجزاء متشکر، هماهنگ، هم هدف و بدون اجزاء مزاحم و اضافی.
 - **حکمت** از ریشه حکم، یعنی تشخیص و داوری (خیر و شر، علم و جهل و زیبا و زشت). و از ریشه حکم به مفهوم (کار محکم، متقن و پایدار) یعنی انجام کار به صورت صحیح و متناسب. معمار حکیم با شناخت کامل پدیدارها و انسان‌ها (عالمانه، عاقلانه و عارفانه) اثر معماری خود را با توجه به مجموع شرائط زمانی و مکانی به طور عادلانه یعنی «مطلوب و مناسب» طراحی می‌نماید. حکمت از منظر حکمای اسلامی معرفت به حقایق پدیده‌ها است، آن‌چنان که هستند و عمل نمودن به مقتضای آن حقایق است.
 - **تمام اجزاء و عناصر معماری** در خدمت فضایی هستند که محل حضور انسان و تأمین کننده نیازهای اوست. بنابراین همه اجزاء و عناصر متشکر معماری به اعتبار فضای خلق شده برای حضور مخاطبان، قابل ارزیابی و نقد می‌باشند؛ و عنصر فضا، (ایده‌های فضایی - هندسی) ماحصل معماری و اکسیر و جوهر آن است.
 - **اصل عدالت** یعنی «قراردادن هر چیز در جای مناسب خود»، بر همه پدیدارهای هستی حاکم است.^{۲۳} بنابراین معمار در هماهنگی با کل هستی موظف است با شناخت کامل، اجزاء و عناصر، معماری خود را بجا و متناسب با^{۲۴} نیازهای مخاطبان انتخاب نموده و بکار گیرد.
 - **معمار نباید خودکامه و خودبنیاد باشد**؛ بلکه معماری هنری اجتماعی، اجرایی و اقتصادی است و دارای بهره برداران خاص و عام. بنابراین معمار باید مجموع نیازهای مادی و روحی مخاطبان و بهره برداران را مورد توجه دقیق و عمیق قرار دهد.
 - **مخاطب معماران**، نوع انسان‌ها هستند و معماری هنر ماندگاری است که اغلب مورد بهره برداری چند نسل به طور مستقیم (از داخل بنا) و غیرمستقیم (از خارج بنا) می‌باشد. بنابراین معیار زیبایی شناسی معماران و ایده‌های فضایی آنها باید جهت گیری فطری و فراقردی داشته باشد تا سلیقه‌های زود گذر.
 - از آنجا که **کالبد معماری** در نهایت با عناصر مادی و صوری شکل می‌گیرد، معمار باید مجموع این عناصر و صور را بشناسد؛ قوانین حاکم بر آنها و خواص آنها را بداند و در تجربه خود و دیگران آزموده باشد و مهارت‌های لازم را در بکارگیری آنها به دست آورده باشد تا بتواند آنها را بجا و مناسب به کار ببرد.
 - در حدیثی فرموده شده: «خداوند همه هستی را برای انسان آفرید و انسان را برای خود».^{۲۵} بنابراین در هماهنگی با این اصل حاکم بر هستی، **اثر معماری** هم باید بستر ساز رشد و کمال روحی و معنوی انسان‌ها و در جهت صورت تکاملی آنها طراحی و اجرا شود.
- در نمودار شماره ۱۸ تعاریف حصری و جامع و کامل از معماری مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

^{۲۳} - معصومین می‌فرمایند: «بالعدل قامت السموات والارض» زمین و آسمان با عدالت بر پا شده است.

^{۲۴} - «العدل یضع الامور مواضعها» عدالت قراردادن هر چیز است در جای مناسب خود. (نهج البلاغه. کلمات قصار، ۴۳۷).

^{۲۵} - «خلقت الاشياء لاجلک و خلقتک لاجلی» (حرعاملی. کلیات احادیث قدسی)

نظریه پردازان	کلید واژه‌ها	تبیین معماری	رویکرد
واینر، پوگلیسی، ساجیو، لالوانی، آیزنمن، دریدا	فرافضا، فضا یا اطلاعاتی‌پیرنتیکی، معماری متا	شکل‌گیری فضایی جدید بر اساس تعریف اطلاعاتی از انسان و ادعای پیشروی معماری همسو با عصر الکترونیک	سامان شکنی (تاکید بر سامان دهنده)، ظهور معنای تازه ای از معماری، معماری خود محور پیشرو Hyper Architecture
ونتوری، لوکوربوزیه	ترتیب، زیبایی	معماری به استناد به یکی از تعاریف هنر عاملی برای تلطیف احساسات است و ظرفی است برای هنرهای تصویری و تجسمی	سامانه کالبدی. تاکید بر جنبه هنرمعماری Artistic Architecture
میس وندر روهه	تکنولوژی، ساز حد اقل، تولید انبوه، سریع سازی	معماری در اصل مهارت ایجاد یک سرپناه با حداکثر تداوم و آسایش و حداقل هزینه است. تقلیل و ساده سازی در معماری سریع سازی و انبوه سازی	سامانه‌ساز ای. ساختار گرای Structural Architecture
هانس مهبیر، گروپیوس، لویسالیوان، آدولف لوس	برنامه، کارکرد	کارکرد یک محیط مصنوع به معنی روابط درونی و فناوری صرف است. اصول مارکسیستی باید در معماری حضور یابند.	سامانه‌کارکردی. کارکرد گرای Functional Architecture
جان راسکین، ویلیاموریس، لوکوربوزیه	هنر - علم - فضا	معماری حاصل توجه توأمان به جنبه هنری - احساسی و منطقی انسان است. باید هر دو حوزه زندگی را مد نظر قرار داد.	معماری دو سامانه‌ای Eclectic Architecture
رایت	طبیعی، طبیعت، سبز، پایداری، انرژی	معماری هماهنگ و همانند طبیعت توجه به نیازهای زیستی و نفوس گیاهی و حیوانی انسان. توجه به محیط زیست و پایداری اجزاء و عناصر آن	معماری ارگانیک - سبز - پایدار
دیدگاه اسلامی و برخی دیگر از صاحب نظران حق‌گرا و ارزشمدار	- تأمین نیازهای مادی انسان‌ها - بسترسازی نیازهای روحی انسان‌ها - اهمیت فضای درونی - برون تجلی درون	معماری به تحقق و ظهور یافتن استعداد های انسان و طبیعت کمک می‌کند و از دل عرصه‌های ذاتی آنها زاییده می‌شود. توجه توأمان به همه نیازهای انسان. "بازآفرینی حکیمانه و عادلانه فضای زیست انسان‌ها است. با عناصر طبیعی و مصنوعی، متناسب با نیازهای مادی و روحی انسان‌ها و در جهت کمال آنها"	معماری هماهنگ و مکمل طبیعت است، معماری همه جانبه (جامع و مانع) Conclusive Architecture

بررسی دیدگاه برخی از اندیشمندان درباره ایده‌های فضایی - هندسی

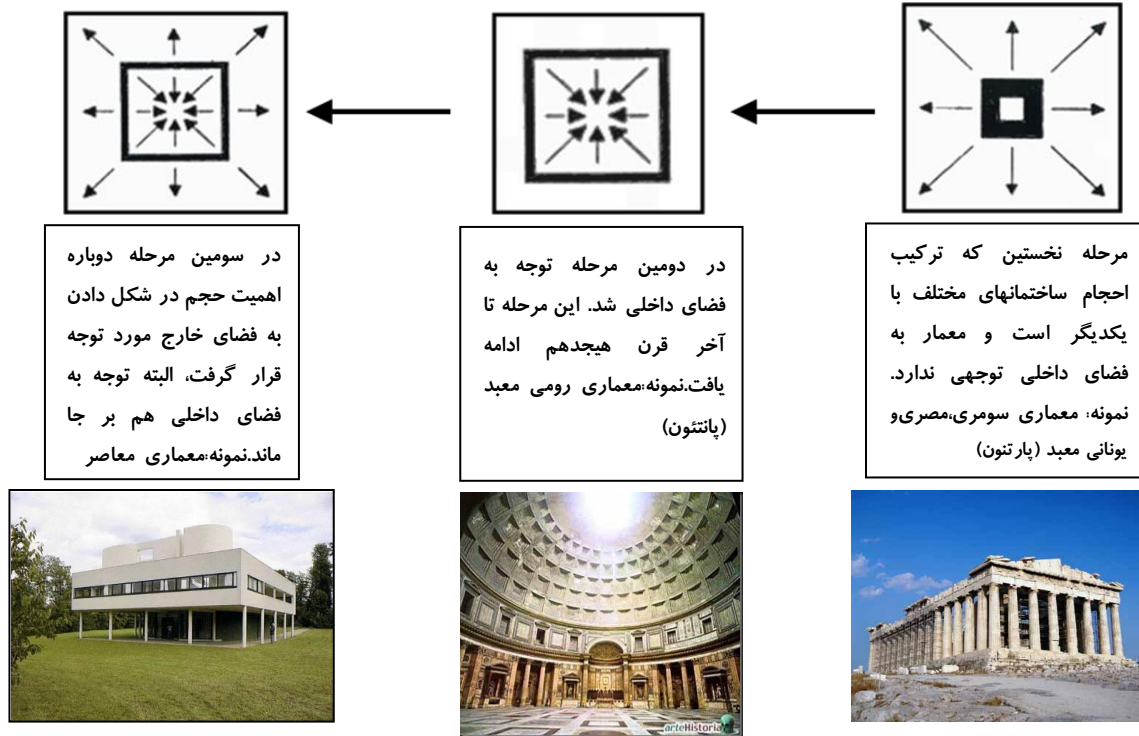
در بند پنجم و در نمودار شماره ۱۹ آمده است که اسلام هر یک از ابزارها و شیوه‌های ادراکی انسان را برای درک هر مرتبه از عالم وجود پذیرفته و آنها را در طول یکدیگر، مناسب سیر از ظاهر به باطن عالم و صیورورت وجودی و کمالی انسان‌ها می‌داند. اما به عنوان مقدمه و برای ورود به مسئله، یادآوری آنچه که امروز در معماری معاصر غرب می‌گذرد و بررسی برخی دیدگاه‌های اندیشمندان غربی در این مورد ضروری است.

☒ در اوایل سده بیستم **عنصر فضا در معماری**، به عنوان اصلی‌ترین رکن معماری شمرده شد. این رویکرد از سوی برخی اندیشمندان، مانند برونو زوی و طراحان چیره دستی مانند رایت مطرح و از آن دفاع می‌شد و در برابر فرمالیسم افراطی از نوع کلاسیک و جدید آن ایستادند و شعار «فرم از کارکرد پیروی می‌کند» را ارائه نمودند. با این همه در تحلیل‌ها و ارائه روش هادر کیفیت و چگونگی طراحی فضا در معماری انحرافات جدی مطرح شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

☒ زیگفرید گیدئون در کتابش «فضا زمان، معماری»، زیر عنوان «بیم‌هاو امیدها»^{۲۶} تاریخ تحول طراحی فضا در معماری را به **سه دوره مشخص** تقسیم می‌نماید. به گفته او در **مرحله نخست** در دوران کلاسیک، معماری شبیه مجسمه سازی و برون‌گرا بود و فضای داخلی بروز اندکی داشت. او برای نمونه معماری‌های بین‌النهرین، مصر و یونان (مانند معبد پارتون) را مثال می‌زند. در **مرحله دوم**

که از نظر او انقلاب و تحول عظیمی در طراحی فضا در معماری رخ داده است، معماری کاملاً درونگرا شد و فضای داخلی از اهمیت برجسته‌ای برخوردار گشت. او برای نمونه معماری رومی (مانند معبد پانتئون) را مثال می‌زند.

نمودار شماره ۱۹ - دیدگاه گیدیون دربارہ سیر تحول نگرش به فضا در سه دوره



به گفته او در **مرحله سوم** معماران تحت تأثیر دیدگاه‌های جدید علمی مانند آشنایی با پرسپکتیو سه نقطه‌ای، انقلاب آپتیک و نظریه نسبیته ایشتنین، هم به درون ساختمان و هم به بیرون ساختمان اهمیت دادند. او این نوع طراحی را نجات بخش آینده معماری و جلوه‌گاه امیدهای خود می‌داند. (نمودار شماره ۱۹)

با کمی توجه، خطاهای آشکاری در دیدگاه او یافت می‌شود. **اول: معماری بین النهرین و مصر،** مانند پارتئون برونگرا نیستند. معابد مصری از درونگراترین معماری‌های جهان می‌باشند. اهرام نیز نیایشگاه نیستند و گورهای استثنائی شمرده می‌شوند. در معماری بین النهرین نیز اغلب درونگرایی غلبه دارد. در زیگورات‌ها نمای برجسته ایجاد شده با طراحی سردرها و پله‌ها، محل گذر انسان برای رسیدن به کوشک انتهایی است که فضایی نسبتاً درونگراست. **دوم: معماری یونان** به نیایشگاه‌ها، آن هم فقط پارتئون ختم نمی‌شود. در یونان بسیاری از خانه‌ها و کاخ‌ها و دیگر کارکردها بر حسب موضوع به نسبت زیادی برخلاف پارتئون، درونگرا بوده اند.

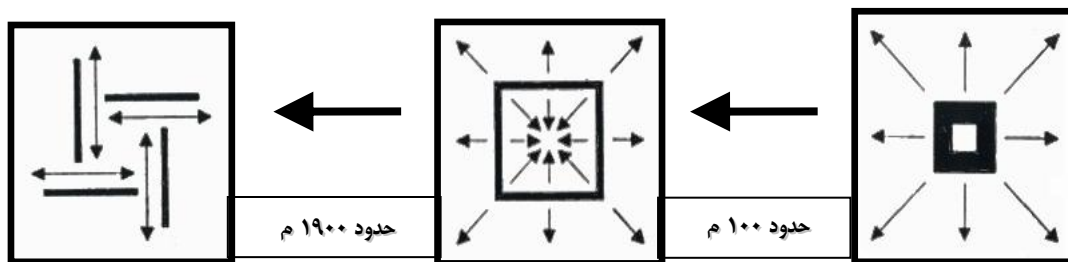
در مورد **مرحله دوم**، درباره معماری روم باستان و مثال پانتئون هم باید گفت **اول: معماری روم باستان**، تنها به پانتئون ختم نمی‌شود. این ساختمان، اگرچه از بیرون ساده و درونگرا به نظر می‌رسد، ولی از درون نیز به دلیل فضایی گرد و ایوان‌ها و مجسمه‌ها در بدنه‌ها، حالتی گردش و سیر در آفاقی دارد. در مجموع معماری روم نسبت به دیگر تمدن‌ها از برونگرایی بیشتر و قابل توجه تری برخوردار است. **دوم: پیش از پانتئون و بیش از آن در تمدن‌های دیگری** مانند ایران، هند، چین و مصر، معماری‌هایی بسیار درونگرا تر یافت می‌شوند؛ مانند معابد غاری هند و نیایشگاه‌های مصری و ایرانی.

در مورد **مرحله سوم**، نکته اساسی این است که اصولاً **معماری برونگرا یا درونگرا یا ترکیب آن دو**، چه نقشی در رابطه با بهره‌ور اصلی یعنی انسان دارد. کالبد معماری در مجموع، امری اعتباری است و در رابطه با نیازهای متنوع انسان ارزیابی می‌شود؛ مانند لباس که باید توجه داشت برای چه کسی و چه فصلی و چه مراسمی و... تهیه می‌شود. میزان درونگرایی یا برونگرایی معماری نیز با نوع کارکردهای آن و دیگر عوامل محیطی تعیین و ارزیابی می‌شود نه مستقل و خودبنیاد.

☒ **یورگ گروتز** نیز تحولات فضایی در معماری را به سه دوره تقسیم نموده است: دوره اول قبل از تاریخ یکصد میلادی، معماری را برونگرا و در دوره دوم تا سال ۱۹۰۰ میلادی، معماری را هم برونگرا و هم درونگرا دانسته و از آن تاریخ تا زمان معاصر را با توجه به تأثیر دیدگاه‌های جدید علمی مانند نظرات انیشتین و غیره، نه برونگرا و نه درونگرا دانسته است. به گفته او در این دوره مرز و حریم درون و بیرون بناها از بین رفته و فضاهای داخل و خارج با هم ادغام شده و در هم رفته است. (نمودار شماره ۲۰) درباره نظر او نیز مانند آنچه درباره نظر گیدئون مطرح شد، باید گفت:

اول: تقسیم تحولات فضای معماری در یک سیر تاریخی به دوران برونگرا و دوران درونگرا به هیچ وجه واقعیت تجربی ندارد. فضای معماری در طول تاریخ، در تمدن‌های مختلف بر حسب نوع کارکرد و نیازهای انسان‌ها متفاوت طراحی شده است و مثال‌های ارائه شده جنبه عام ندارد. در مورد ادعای ایجاد فضای نیمه‌باز، تنها در معماری قرن بیستم باید گفت انواع فضاهای نیمه‌باز یا نیمه بسته در اغلب کشورها به خصوص

نمودار شماره ۲۰ - دیدگاه گروتز درباره سیر تحول نگرش به فضا در سه دوره تاریخی



فضا در قرن حاضر دیگر محفظه ای محصور و بسته نیست بلکه به یک حوزه یا پهنه تبدیل می‌شود. رابطه بین فضای داخل و فضای خارج نیز متحول می‌گردد. فضای نیمه باز، تنها در معماری قرن بیستم پیدا شده است.

معماری رومی تبدیل به فضاسازی گردید. در این معماری برای کاربردهای گوناگون، فضاهای متفاوت در نظر گرفته شد. فضای داخلی پرداخته تر و فعال تر گردید و نقش اول را در معماری بر عهده گرفت.

معماری در این دوره به صورت مجسمه بوده که می‌بایست درخشش آن در تمامی فضای بی پایان جلوه گر باشد. نقش فضای داخلی در این دوره نقشی ثانوی بوده و به آن چندان توجهی نمی‌شده است.

در کشورهای گرمسیر و چهار فصل، مانند ایران به صورت بسیار متکثر و متنوع‌تر از امروز وجود داشته است.

دوم: از بین رفتن مرز و حریم فضاهای داخلی و خارجی چه حسنی در رابطه با نیازهای متنوع انسان‌ها دارد؟ برای مثال اگر مرز روز و شب، و فصول سال را از میان برداریم چه رخ خواهد داد؟ اصولاً چرا باید فضای معماری، مستقل و خودبنیاد از نیازهای انسان‌ها ارزیابی و تحلیل شود؟ آیا اگر به جای آنکه در طراحی فضاها، معماری، وسیله باشد و نیازهای انسان‌ها هدف، برعکس انسان‌ها وسیله باشند و هدف کالبد معماری باشد آنگاه می‌توان از معماری انسانی سخنی گفت؟

دو نوع دیدگاه درباره فضا در معماری	ویژگیها	در فلسفه وجودی (اگزیستانسیالیزم)	در روانشناسی	در جامعه شناسی	برخی از معماران
فضای ادراکی فضای وابسته به انسان	نسبی، قطبی Unisotrop غیر همگن تابع زمان	هایدگر و...	ژان پیر پیاژه و...	گاستون بشلار و...	کریستین نوربرگ شولتز و...
فضای علمی	ویژگیها	در فلسفه کلاسیک	در فلسفه مدرن	زبان فیزیک	برخی از معماران
فضای غیر وابسته به انسان (فضای علمی)	فضای ریاضی دکارتی، اقلیدسی	مطلق، غیر قطبی Isotrope همگن بدون ارتباط با زمان همسان و بی محور	افلاطون اقلیدس و...	دکارت و...	نیوتون بطلمیوس و...
	فضای ریاضی غیر دکارتی، نااقلیدسی	نسبی، چند قطبی و محوری Unisotrope غیر همگن بدون ویژگی‌های کیفی، میدانی	ارسطو و...	کانت و...	اینشتین هایزنبرگ و...
					زیگفرد گیدئون پیتر آیزنمن فرانک گهری زها حدید و ..

☒ درباره دیگر گرایش‌ها و ایده‌های جدید در طراحی فضا و هندسه معماری، مانند معماری فولدینگ، فراکتال، موجی، آشوب، پرش کیهانی و غیره باید گفت این معماران شهرت طلب و ناآگاه در اوج کمیت زدگی و فرمالیسم ضد انسانی در طراحی معماری بسر می‌برند. چون آنها به تفاوت فضا و هندسه در معماری، با فضا و هندسه علمی و فیزیکی بی توجه هستند. آنها با مطلق نگری به شکل‌ها و صورت‌هایی که در عالم فیزیک، زیست‌شناسی و اجزاء و عناصر طبیعت وجود دارند، همان صورت‌ها را فارغ از نوع کارکرد بنا در طراحی‌های خود تقلید می‌کنند. آنها یک مکتب معماری را در یک شیوه جزء نگر و تقلیدی از طبیعت محدود و منحرفانه ارائه می‌کنند. این جریان‌های خلق الساعه را می‌توان اوج سیطره کمیت‌گرایی، جزئی نگری، فرمالیسم ضد انسانی، خودکامگی و شهرت طلبی برخی از معماران به شمار آورد.

☒ با استفاده از نظریات برخی محققین، مانند پیاژه، الکساندر و شولتز که به جنبه‌های انسانی در معماری بیشتر توجه نموده‌اند و با توجه به مجموع مطالب مطرح شده قبلی، تفاوت بحث فضا در معماری را با بحث فضا در علوم مانند فیزیک، ریاضی و نجوم مطرح نموده و سپس به راه‌حل‌های این رساله می‌پردازیم. (نمودار شماره ۲۱ و ۲۲)

نمودار شماره ۲۲ - فضای ادراکی کودکان تا پنج سالگی (دیدگاه پیاژه)

۱ - فضای رفتاری (رفتار فیزیکی)	فضای ادراکی کودکان (تا پنج سالگی)
۲ - فضای ادراکی (جهت یابی)	
۳ - فضای هستی (تصویر از جهان)	
۴ - فضای شناخت (فضای علمی)	
۵ - فضای تجربیدی (روابط منطقی)	

از منظر اسلامی و با توجه به حدیث‌های « شرف المکان بالمکین » و « شرف المکان باهله »^{۲۷}، شأن هر مکان به انسان‌های حاضر در آن است، می‌توان نتیجه گرفت که همه عوامل و عناصر محیط زیست انسان، مانند مکان و فضای معماری نسبت به انسان‌های حاضر در آن جنبه

اعتباری دارند. پس مناسب بودن یا نبودن و یا زیبا بودن یا زشت بودن آن‌ها وابسته به تأمین نیازهای انسان‌هایی است که در آن مکان یا فضا حضور می‌یابند.

منظور از فضا و هندسه در معماری، تعامل انسان است با فضایی که محیط حضور او را احاطه نموده است. این فضا با حضور انسان تعیین می‌یابد؛ و نسبت به مقیاس انسان، نقطه حضور و عبور انسان، جهت دید و عمق دید او و کارکردهای مورد نیاز او و دیگر بهره‌برداران در آن فضا و کالبد برآمده از آن فضا، ارزیابی و تحلیل می‌شود. درحالی‌که فضا یا هندسه در دیگر علوم به طور مستقل و مجرد، بر حسب زاویه دید آن علم به فضا و هندسه نگریسته می‌شود و در صدد تبیین صورت‌ها و حرکت‌ها در عالم فیزیک، مکانیک و غیره می‌باشد. پس هیچ نوع ارتباط ماهوی و کیفی بین این دو نوع رویکرد به فضا وجود ندارد و اشتراک لفظ نباید باعث اشتباه و انحراف برخی از معماران شود. فضا در معماری با محل حضور انسان و جهت، زاویه و عمق دید او تعریف می‌شود^{۲۸} و با حرکت انسان در فضا و تغییر نقطه حضور او، جهت و زاویه دید او، مقوله زمان و مکان به فضای معماری ابعاد جدیدی می‌بخشد. مقوله‌هایی مانند فردی یا جمعی بودن، سن و جنسیت افراد، علاوه بر نوع کارکرد و تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی مخاطبین، از جمله مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد. در پیوست شماره ۱ رویکردهای روانشناسانه مانند دیدگاه شولتز بررسی شده است.

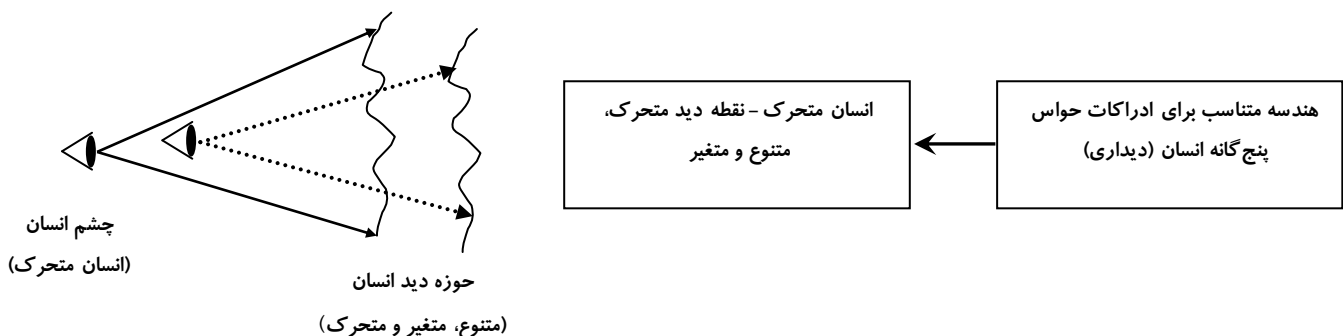
در این رساله، متناسب با هر یک از ابزار و شیوه‌های ادراکی انسان‌ها که در جدول شماره ۹ آورده شده است، یک نوع ایده فضایی و هندسی مناسب پیشنهاد می‌شود.

ایده‌های فضایی - هندسی مناسب برای هر یک از ابزارهای ادراکی انسان‌ها

۱- هندسه مناسب برای ادراکات حواس پنج‌گانه انسان (حسی بینایی)

ابزار حواس پنج‌گانه با شیوه آزمایش تجربی و استقراء عقلی، تجربه‌های حسی و ادراکی عالم ماده را برای انسان فراهم می‌نمایند. حس بینایی مهم‌ترین عامل ارتباط انسان با فضای معماری است. اگر نوع فضای معماری و بستر هندسی آن، متنوع، متغیر و متحرک طراحی شود، به گونه‌ای که انسان در آن فضا هم عناصر متفاوت و متغیری را ببیند و هم در جهت دیدنی‌های بیشتر ترغیب به حرکت شود، این نوع فضا برای برخورداری هر چه بیشتر انسان از دیدار عناصر بیرونی کاربرد دارد و مناسب سیر درآفاق انسان می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت در این نوع طراحی از فضا، انسان به حرکت مادی تشویق شده و نقطه دید او نیز هر چه بیشتر، متنوع، متغیر و متحرک می‌تواند طراحی شود (نمودار شماره ۲۳)

نمودار شماره ۲۳ - هندسه مناسب برای ادراکات حواس پنج‌گانه انسان

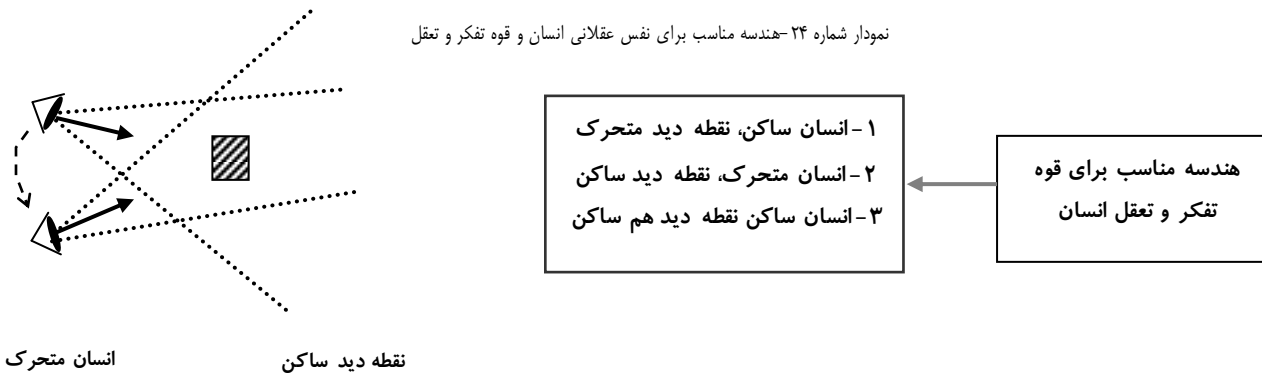


^{۲۸} - یعنی در نقطه حضور انسان فضای پیش رو، پشت سر، راست و چپ و نهایتاً فضای کف (در زیر پای انسان) و فضای سقف (افق دید و اندیشه انسان) مطرح می‌شود.

۲- هندسه مناسب برای نفس عقلانی و قوه تفکر و تعقل انسان

برای ابزار عقل و ادراکات عقلانی انسان، که بنا بر حدیث علوی مطرح شده در بند شش از طریق قوای تفکر، تذکر، علم، حلم و تبه می‌تواند انسان را به حکمت و نزاهت برساند،^{۲۹} چه نوع فضایی می‌تواند مناسب‌تر باشد؟ حضرت علی (ع) در حدیث دیگری می‌فرماید: «سکوت باغ اندیشه‌هاست»^{۳۰} و اغلب حکیمان نیز مانند ارسطو و ابن سینا و دیگران سکون را مقدمه تفکر می‌دانند. در واقع نیز سکوت و سکون گونه‌ای توقف ادراکات حواس پنج‌گانه انسان است و می‌تواند مقدمه تفکر و تذکر و مراحل بعدی آن تا کسب حکمت و نزاهت شود. فضای مناسب برای این ابزار و شیوه ادراکی یعنی تعقل، باید دارای حداقل عناصر دیداری، شنیداری و دیگر مؤثرات در حواس پنج‌گانه بوده و انسان را نیز ترغیب به حرکت مادی ننماید. در این نوع از فضا انسان باید تا آنجاکه که می‌شود ساکن بوده و نقطه دید او نیز اجزاء و عناصر متنوع و متحرک دیداری نداشته باشد. این چنین فضایی ضمن درونگرایی باید دارای هندسه‌ای محوردار و قرینه بوده و همراه با آرایه‌های انتزاعی و تجریدی مانند آرایه‌های هندسی و خطوط نوشتاری باشد که معانی خاصی را القاء نماید؛ و در مجموع بستر سیر از کثرت به وحدت، از صورت به معنا و از آفاق به انفس را فراهم نماید.

نمودار شماره ۲۴- هندسه مناسب برای نفس عقلانی انسان و قوه تفکر و تعقل



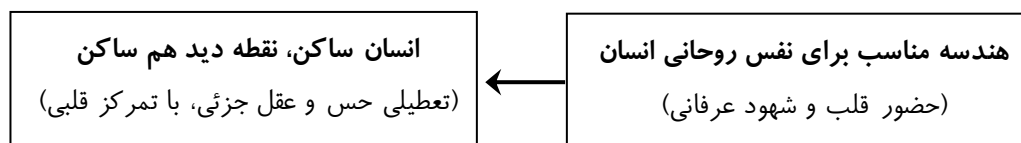
انسان متحرک

نقطه دید ساکن

۳- هندسه مناسب برای حضور قلب انسان (تمرکز روحی)

ابزار قلب و شیوه ادراکی آن یعنی برای خودآگاهی روحی و رسیدن به مرتبه علم حضوری و مقام رضایت و تسلیم و کرامت در انسان است. این مقام در بسیاری از مکاتب عرفانی از طریق توقف حواس پنج‌گانه و حتی خواطر عقل جزئی و معیشتی و با تمرکز قلبی حاصل می‌گردد. فضای مناسب برای این ابزار و شیوه ادراکی، سکون و تمرکز کامل فضا و هندسه و نبود تنوع و تکرار اجزاء و عناصر معماری در آن است؛ به گونه‌ای که انسان بتواند بدور از عناصر محیطی و محرک حواس پنج‌گانه و خواطر فکری و معقولات جزئی، به روح الهی خود و عقل کل و انسان کامل توجه نموده و در مرتبه و مقام علم حضوری، الهامات انفسی و صیرورت وجودی قرار گیرد. در مجموع، فضای مناسب سیر در انفس و ادراکات عرفانی، با خالی بودن فضا و هندسه‌ها از انگیزه‌های ادراکات حسی و عقل جزئی و افکار معیشتی، از طریق سکون و تمرکز ارادی و قلبی انسان و بازگشت به خویشتن خویش تحقق می‌یابد. (نمودار شماره ۲۵)

نمودار شماره ۲۵- هندسه مناسب برای نفس روحانی انسان و حضور قلب

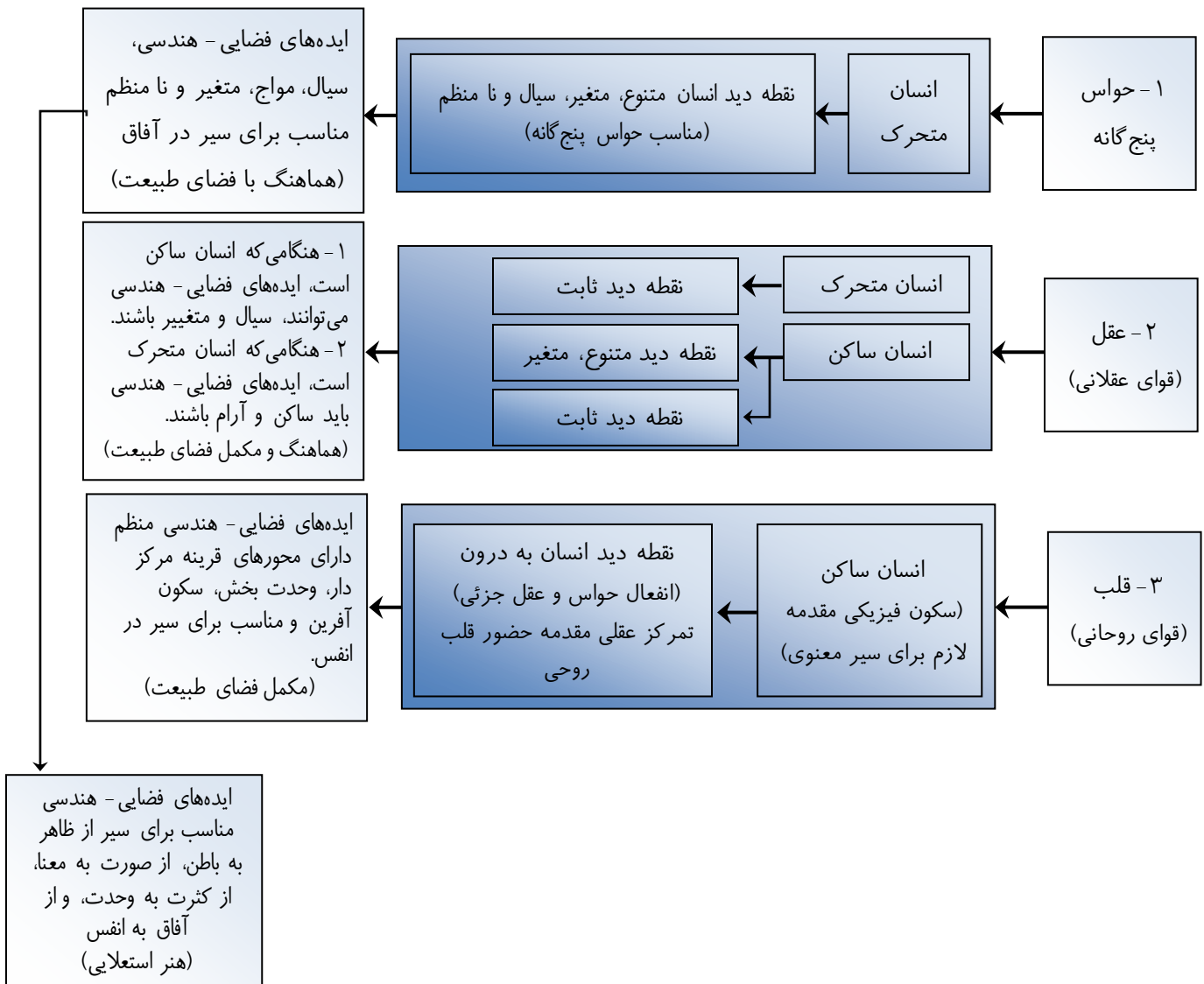


^{۲۹} - طبق نمودار شماره ۱۱ همین رساله.

^{۳۰} - میزان الحکمه، صفحه ۳۱۷۳

همانطور که اشاره شد این سه نوع ابزار و شیوه‌های ادراکی در طول یکدیگر، بستر سیر انسان از ظاهر به باطن از کثرت به وحدت، از صورت به معنا، از عالم ماده به عالم روح و به تعبیری توفیق توبه انسان در عروج از عالم حواس، به عالم عقل کل و روح الهی و محضر انسان کامل را که هدف غایی از خلقت جهان و انسان‌هاست فراهم می‌نمایند. (نمودار شماره ۲۶)

نمودار شماره ۲۶- هندسه‌های مناسب برای هر یک از ابزار و شیوه‌های ادراکی انسان‌ها در معماری



ایده‌های فضایی- هندسی مناسب در معماری (انسانی)	ایده‌های فضایی- هندسی خود بنیاد در معماری (غیر انسانی)
مبنای انتخاب بجا بودن و متناسب بودن است (رعایت ابراصل عدالت در کارها)	مبنای انتخاب، سلیقه شخصی معمار است (خوش آمد علایق نامناسب معمار)
توجه به نیازهای واقعی بهره‌وران و کارفرما	ایجاد اعجاب و شگفتی در بینندگان (خوش آمد بیننده و رهگذران)
پیروی از معماران خبره‌تر و با تجربه‌تر	پیروی از مد روز (مدزدگی، پیروی از غیر متخصص)
نو بودن اصیل (خلاقیت با کیفیت و با ارزش)	نو بودن غیر اصیل (غیر متعارف و بی‌ارزش)
آشنایی با انواع هندسه‌ها (شناخت معمار از انواع هندسه‌ها)	جهل هندسی معمار (عدم آشنایی معمار با انواع هندسه‌ها)
اجتهاد معمارانه (سخت کوشی و ظرافت پذیری معمار)	پیروی از عادت‌ها و تکرار (آسان پذیری و عدم اجتهاد معمارانه)
الهام آگاهانه از آثار ممتاز (شناخت آثار ممتاز و الهام از آنها)	تقلید نابجا (تقلید نابجا از آثار برجسته یا عناصر و اجزاء طبیعت)
کار مفید و هدفمند	کار بی‌بهره و بی‌ثمر (عبث و لغو)
خلاقیت و ابداع و ابتکار عالمانه و آگاهانه	بازی و بازیگوشی با احجام و هندسه‌ها (لهو و لعب)
تشبه ظاهری به آثار مثبت و اصیل	تشبه ظاهری به آثار منفی و غیر اصیل

در یک مقایسه کلی می‌توان دو نوع ایده‌ی فضایی- هندسی را در طراحی معماری از هم جدا کرد: یک نوع، هندسه‌های مناسب و انسانی مطابق نیاز مخاطبان، و دیگر هندسه‌های خودبنیاد و غیر انسانی. این دو گونه هندسه در نمودار شماره ۲۷ مقایسه شده است.

شواهد تجربی در اثبات نظریات ارائه شده

دو نماد معمارانه مثبت و منفی در مجموعه بیت الله الحرام

قدیمی‌ترین نیایشگاه جهان در آیات و احادیث اسلامی، خانه کعبه و مجموعه بیت الله الحرام معرفی شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم ساخته شده در مکه است. فرخنده و مایه هدایت جهانیان است. در آن نشانه‌های تابناک است، مقام ابراهیم و کسی که به آن درآید، ایمن خواهد بود.»^{۳۱} و در آیه دیگری می‌فرماید: «خداوند، کعبه آن خانه محترم را موجب قیام مردم گردانیده است.»

با توجه به این آیات می‌توان دریافت که طراح این خانه، خداوند است. سازنده آن پیامبر است. اولین نیایشگاه (خانه یا فضای محصور) است. مکان آن مکه است. کالبد آن مکعب است. کارکرد آن، ایجاد فضای محفوظ و امن است. برای همه مردم جهان و بدون هیچ نوع طبقه بندی انحصاری است. کیفیت آن، فرخنده، هدایت بخش، محترم، ایمن کننده و دارای نشانه‌های تابناکی است که در نهایت موجب قیام و رشد و تعالی انسان‌ها می‌شود. در احادیث معصومین (ع) نیز اشاره می‌شود که این خانه را حضرت آدم (ع) پس از هبوط به عالم دنیا به امر الهی و برای پذیرش توبه خود، ساخته است. سپس در زمان حضرت نوح (ع) و حضرت ابراهیم (ع) بر همان قواعد و ساختار تعمیر و بازسازی شده است. در زمان جاهلیت نیز با گذاشتن بت‌هایی در نما و در داخل بنا، آن را تبدیل به بت خانه نمودند. در فتح مکه، بت‌ها توسط حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) سرنگون شد و خانه کعبه هویت توحیدی خویش را باز یافت.

از نکات برجسته و مهم تاریخی این نیایشگاه،

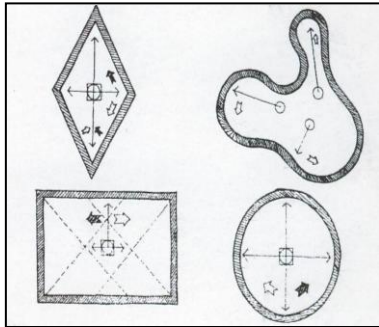
^{۳۱} - «ان اول بیتاً وضع للناس بیکه مبارکاً و هدی للعالمین، یہ آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً.» (۹۵ و ۹۶/آل عمران)

^{۳۲} - «جعل الله کعبه البیت الحرام، قیاماً للناس.» (مائده. آیه ۹۶)

● **حفظ آن** به معجزه الهی در مقابل اصحاب فیل است

● و نکته مهم تر **تولد منحصر به فرد حضرت علی(ع)** انسان کامل و مولای متقیان در این خانه است.

● نکته دیگر اینکه بر خلاف دیگر معابد که اغلب خانه خدایان است و زیارتگاه زائران، این خانه با **حذف همه واسطه‌ها مسجد و نیایشگاه است** و خداوند آنرا موجب قیام عبادت کنندگان قرار داده است. در فرهنگ توحیدی با تفکیک مقام زیارتگاه و مسجد و با حفظ شأن حقیقی هر یک، این دو مقام در طول یکدیگر تفسیر و تبیین می‌شوند.

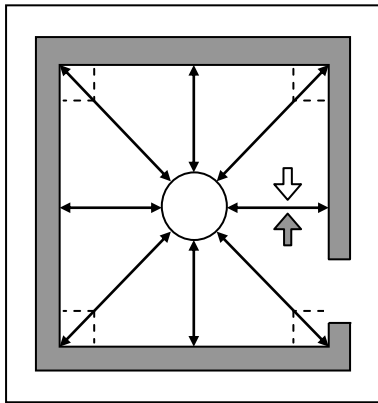


نمودار شماره ۲۸- تعادل فیزیکی موجود در شکل مربع در سایر اشکال هندسی منظم یا نامنظم مشاهده نمی‌شود.

۱- ویژگی های منحصر بفرد خانه کعبه

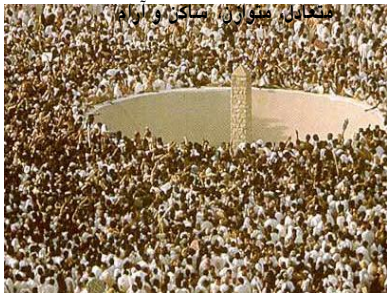
خانه کعبه دارای ویژگی هایی به شرح زیر است :

(۱) یک بت و مجسمه یا حجم تو پُر نیست که مستقل از حضور انسان، هویتی خودبنیاد داشته باشد، بلکه یک **خانه و فضای محصور و محفوظ و امنی برای حضور انسان است** و با حضور انسان معنا می‌یابد. پس یک فضای معماری است. حجم آن یک مکعب با طول و عرض و ارتفاع مساوی، با یال‌های قیام کرده بر زمین و وجوه منظم و مشابه است. این حجم کاملاً منظم و خاص نسبت به عناصر طبیعی اطراف خود، یعنی کوه‌ها و صخره‌ها و دره‌های پُر نشیب و فراز اطراف آن یک حجم کاملاً استثنایی، خلاقانه، بدیع و اعجاز گونه شمرده می‌شود. نقشه کف آن مربع است، با وجود مرکزی که از تقاطع اقطار مساوی ایجاد می‌شود و انطباق آن با محورهای مساوی و چهارگانه عمود بر وجوه که با چهار وجه انسان نیز منطبق می‌شود و یال‌های قائم و طول و عرض و ارتفاع مساوی، در مجموع مناسب‌ترین فضا برای ایجاد سکون و آرامش فیزیکی و تعادل ایستایی و درونگرایی در انسان است.



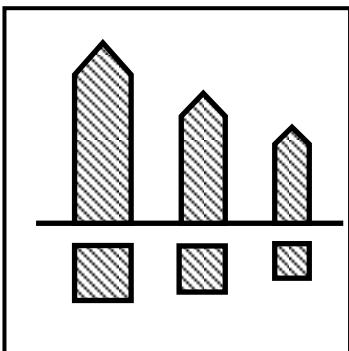
نمودار شماره ۲۹- خانه کعبه، فضایی کاملاً

(۲) **جدار خارجی** آن فقط یک پوسته ساده است و کسی را به خود دعوت نمی‌کند. جدار داخلی آن، بدون روزن است و حریم مناسبی است که نگاه انسان را از بیرون (سیر در آفاق) به درون (تفکر و سیر در انفس) دعوت می‌نماید. این کالبد نسبت به دیگر کالدهای مشابه، مانند کُره، مکعب مستطیل، هرم، استوانه و دیگر اشکال نامنظم، مناسب‌ترین فضا برای تمرکز فکری و روحی انسان‌ها و سیر و سلوک الهی می‌باشد.



نمودار شماره ۳۰- رمی جمرات

(۳) نکته بسیار مهم در این است که **خداوند این فضای خشی کننده حواس پنج‌گانه انسان را مناسب‌ترین فضا برای (قیام) معرفی می‌نماید**. این نشان از توقف پویایی مادی و زمینه تحول و پویایی فکری و روحی است. یگانه بودن خانه کعبه، نماد یگانه بودن مسیر تکاملی انسان (صراط مستقیم) و مظهر قیام روحانی انسان است. آنچنان که در طبیعت خورشید مظهر توحید و یگانگی حضرت حق است. (نمودار شماره ۲۸ و ۲۹)



نمودار شماره ۳۰- جمره‌های سه گانه

۲- نمادهای سه گانه شیطان

بت های سه گانه (جمرات) نماد منفی در برابر خانه کعبه هستند. در فرهنگ اسلامی بت‌های سه گانه، نماد محل‌هایی است که شیطان برای جلوگیری از فرمان الهی، بر حضرت ابراهیم(ع) نازل شد تا او را از قربانی کردن فرزندش اسماعیل (وابستگی‌های دنیوی خود) باز دارد. بنابراین اگر خانه کعبه مناسب‌ترین فضا برای پذیرش توبه و معراج انسان به سوی قرب الهی است،

✽ **جمرات سه گانه** مظهر و نماد از خود بیگانه کردن انسان و هیبوط انسان در پست‌ترین مراحل وجود است.

✽ **کالبد آنها به صورت سه هرم توپُر با نقشه کف مربع است.** در این نمادهای صلب و مجسمه گونه، انسان و فضای مناسب برای حضور انسان اصل نیست، بلکه سنگ‌هایی که در حالت طبیعی در زیر پای انسان و در خدمت انسان است با حجمی برافراشته و عروجی کاذب، شکلی بت‌گونه به خود پذیرفته و انسان را در مقام تماشاچی به دیدار خود می‌خوانند.

✽ **در این رابطه انسان قهرمان داستان خلقت نیست.** آنچنان که خداوند زمین و آسمان را برای او خلق کرده و او را برای تکامل ارادی، بلکه موجودی است منفعل و تماشاچی.

✽ عدد سه نماد کثرت است. این سه سنگ‌واره، نماد بت هستند و نماد مجموع عناصری که موجب دلفریبی و دلمشغولی انسان شده و او را از مسیر تکامل خود، یعنی خدا آگاهی و خودآگاهی باز می‌دارند و مرتبه انسان را در عالم طبیعت و زمین مخلد می‌گردانند و استعداد های عظیم روحی و تکاملی او را منکر می‌شوند. در یک کلام او را از نفس روحانی خود بیگانه می‌کنند (شماره ۳۰ و ۳۱)

✽ این سنگ‌های تندیس‌گون، نماد آثار همه هنرمندان و معمارانی هستند که خودمحور و خودبنیاد بوده و تمایلات نفسانی و برتری جویی های متکبرانه و متظاهرانه به ایده‌های آن‌ها جهت می‌دهد. فرآیند کارشان، از منظر قرآنی لغو و لهو و لعب بوده و نتیجه کارشان تقدس بخشیدن به اجزاء و عناصری از طبیعت است که در قالب فرم پرستی (فرمالیسم) در معماری ظهور پیدا می‌کند.

✽ در نقطه مقابل و از منظر اسلامی، زمانی که هنر و معماری تجلی گاه معنا و بستر ساز تعالی انسان‌ها باشد، هنرمند، هنر و مخاطب، همه در مسیر تکاملی خود قرار می‌گیرند؛ و مواد و صورت‌های به کار گرفته شده نیز، هماهنگ با قانون حاکم بر هستی، شأن حقیقی خود را که در خدمت انسان‌ها و صیورت آنها است باز می‌یابند.

۳- تناظر هندسه‌ها در مناسک حج با سه نوع هندسه مورد نیاز انسان

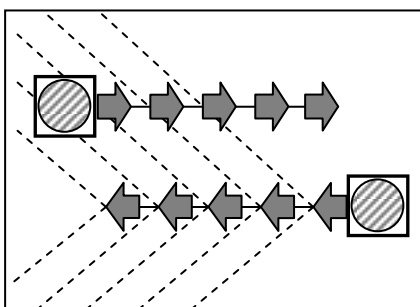
در حج ظاهر بعد از حضور در میقات و ورود در جامه احرام، سه عمل برای زائر واجب است که هر کدام با یکی از هندسه‌های مطرح شده در بند ده تناظر دارد.

(۱) **هفت بار سعی بین کوه‌های صفا و مروه.** در این عمل عبادی که بین دامنه این دو کوه انجام می‌شود، انسان متحرک و نقطه دید او نیز که دامنه‌های مقابل است، طبیعتاً متنوع و عناصر آن اغلب متغیر و متحرک است. به خصوص در شرائطی که در نقطه مقابل انسان‌های بسیار متنوعی در حال رفت و آمد می‌باشند. (نمودار شماره ۳۲)

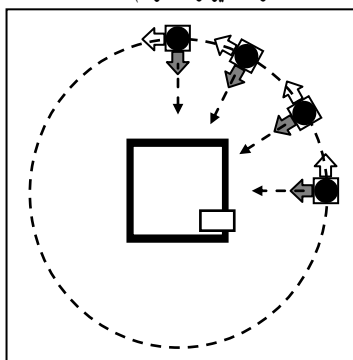
(۲) همانطور که در بند بالا مطرح شد، **این هندسه مناسب‌ترین فضای سیر در آفاق انسان هاست.** این نکته با حادثه تاریخی آن نیز بسیار هماهنگ است. زیرا این سعی را به

حضرت هاجر نسبت می‌دهند که در جهت یافتن آب برای تأمین حیات فرزندش اسماعیل متوجه سراب‌هایی در دامنه این کوه‌ها می‌شود و هفت بار بعنوان عدد کثیر به این سراب‌ها پناه می‌برد؛ ولی هرگز آبی نمی‌یابد. اما در نهایت آب در کنار خانه کعبه و محل حضور حضرت اسماعیل (ع) به امر الهی از زمین می‌جوشد و هنوز هم در همان جا در حال جوشش می‌باشد. این نوع هندسه و سعی، نماد سیر در آفاق و برخورداری‌های حواس پنج‌گانه انسان است و از منظر وجودی و صیورت جوهری انسان دور تسلسلی بیش نیست و تکامل انسان و حیات واقعی او از راه ارتقاء عقلی و روحی (حرکت جوهری) تأمین می‌شود.

(۳) **هفت بار طواف دور خانه کعبه.** در این عمل، انسان متحرک است؛ ولی نقطه دید او که وجوه مشابه و حجم یگانه خانه کعبه است، غیر متنوع و متغیر و متحرک است. بنابر این (مطابق مطالب بند ده) مناسب‌ترین هندسه برای ایجاد تمرکز فکری و عقلائی است. شأن تاریخی خانه کعبه نیز این مطلب را تأیید می‌نماید. زیرا خانه کعبه برای پذیرش توبه حضرت آدم (ع) و



نمودار ۳۲ - حرکت انسان در سعی بین کوه‌های صفا و مروه (انسان متحرک - نقطه دید هم متنوع و متغیر و متحرک)



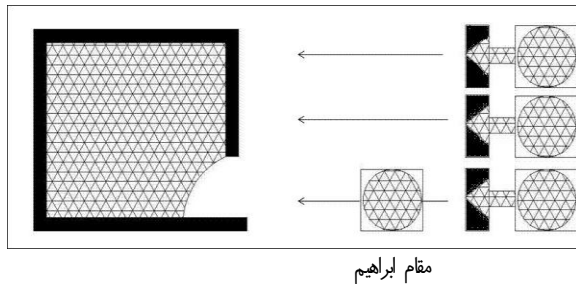
نمودار شماره ۳۳ - حرکت طواف به دور خانه کعبه (انسان متحرک - نقطه دید ثابت)

محل تولد انسان کامل، یعنی مولای متقیان بود. بنابراین زائر در این مرحله باید از سیر در آفاق که در مرحله قبل مطرح بود توبه نموده و انسان کامل را اسوه و چراغ راه خود قرار دهد. (نمودار شماره ۳۳)
این شعر از شیخ بهایی نیز به این مضمون اشاره دارد که:

من یار طلب کردم و او جلوه گه یار او خانه همی جوید و من صاحب خانه
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو مقصود تویی، کعبه و بتخانه بهانه

(۴) **نماز در پشت مقام ابراهیم (ع) و روبه خانه کعبه.** در این مرحله زائران پشت مقام حضرت ابراهیم (ع)، که شیخ الانبیاء است و در قرآن او را دارای مقام والای امامت نیز می‌دانند قرار می‌گیرد و به سوی خانه کعبه، هر یک مستقلاً نماز می‌گذارند. مطابق آنچه که در بند ده نیز مطرح شد، در این عمل، انسان نماز گزار در محل خود به صورت ایستاده و حالت رکوع و سجود ساکن است و نقطه دید او نیز یعنی سجده گاه، که از اجزای معمولی طبیعت است (در تشیع مهر یعنی خاک منجمد شده) قرار دارد و هیچ گونه جاذبه حسی ایجاد نمی‌نماید. با توجه به توصیه‌های اکید در نماز، یعنی داشتن طمأنینه و نگاه نکردن به اطراف و حتی خالی کردن ذهن از خواطر عقل معیشتی و توجه عمیق به مفاهیم ادا شونده در نماز و نهایتاً احساس حضور در محضر خالق و زیارت حضرت حق، همه مقدمات تمرکز عقلی و حضور قلب و صیورت باطنی و روحی مهیا می‌باشد. (نمودار شماره ۳۴)

نمودار شماره ۳۳- دو رکعت نماز در پشت مقام ابراهیم به سوی خانه



(انسان ثابت - نقطه دید ثابت با تمرکز روحی و قلبی)

محل نماز گزاران

مقام ابراهیم

(۵) نکته بسیار مهم **استقلال انسان در این سیر است**، یعنی نماز فردی اما به شرط آن که در پشت سر مقام ابراهیم (ع) یعنی پشت سر امام باشد و امام نیز بفرموده قرآن، از جهل و جمود و خطا مطهر شده است. بنابراین بهترین راهنما و چراغ راه خواهد بود. مولانا در این بیت شعر، به همین نکته اشاره می‌نماید که: اگر موسی زمان هم باشی،

قطع این مرحله بی هم‌رهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر تنهایی

در این نوع فضای هندسی، حواس پنج گانه انسان ساکن و خیالات و عقل جزئی نیز تعطیل می‌شوند و فضا را برای تمرکز عقلی و حضور قلب روحی، که معراج انسان است فراهم می‌نمایند.

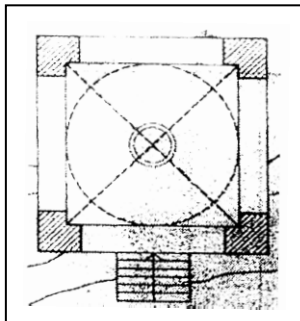
از چارطاقی های آتشکده به معماری مساجد

برخی از پژوهشگران با عدم توجه به شأن و جایگاه مکتب اسلام بر آن هستند که مسلمانان از خود عناصر و شیوه‌های خاصی را در معماری پدید نیاورده اند!! بلکه از معماری‌های دیگر تمدن‌ها، مانند ایران، مصر، یونان و روم وام گرفته‌اند. در این مورد باید به چند نکته اساسی توجه نمود:

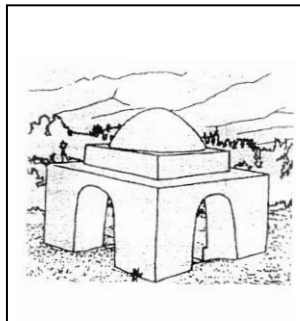
(۱) **اول:** آنها مسلمانان را مساوی اعراب، آن هم اعراب شبه جزیره عربستان می‌انگارند. درحالی که به تدریج در همه تمدن‌های برجسته آن روز، افراد زیادی مسلمان شده اند و از تجربه‌های معمارانه خود بهره برداری نموده‌اند.

- (۲) **دوم:** مکتب اسلام، عقل جزئی و تجربی همه انسان‌ها را به عنوان مرتبه‌ای از مراتب پیامبر درونی آنها تأیید می‌نماید و از دستاوردهای تجربی و علوم مهندسی در هر کجای دنیا که باشد استقبال می‌نماید. این حدیث نبوی که «علم را کسب کنید حتی از چین»^{۳۳} آن هم کشوری که در آن زمان مردمش مسلمان نبوده اند، دلیلی بر تأیید این مطلب است.
- (۳) **سوم:** مکتب اسلام برای اصلاح جهت گیری و خط مشی هنرها و معماری رسالت یافته است و سیر تکاملی انسان را تضمین می‌نماید. یعنی به ماهیت‌ها و کیفیت‌ها و ارتباط صورت‌ها با معانی، برای کمال انسان توجه می‌نماید تا توجه به کمیت‌ها و صورت‌ها به صورت مستقل و خودبنیاد.
- (۴) **چهارم:** ضمن آنکه فرهنگ اسلامی مواد و مصالح و اشکال و صورت‌ها و فنون ساختمانی را در ذات خود مقصر و منحرف ندانسته و حفظ و بهره برداری از آنها را شرط عقل می‌داند و بر خلاف کشورگشایان ستمگر به تخریب و آتش سوزی تمدن‌ها توصیه نمی‌کند، بلکه محتوی و ماهیت معنوی این بناها را در جهت فرهنگ اسلامی متحول می‌نماید. مانند تغییر ماهوی خانه کعبه با برداشتن بت‌ها از نماهای خارجی و داخلی آن.

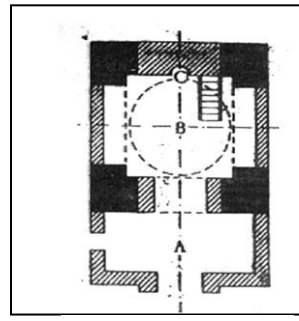
نمودار ۳۵- تغییر ماهوی در تبدیل آتشکده‌های چهارطاقی به مسجد



نقشه یک آتشکده



چهارطاقی نیاسر



مسجد یزدخواست

۱- نحوه تحول چهارطاقی‌های آتشکده به معماری مسجد یزدخواست

نمونه دیگر تغییر ماهوی چهارطاقی آتشکده‌ها در تبدیل آنها به مسجد است. مانند مسجد یزدخواست و برخی چهارطاقی‌ها و آتشکده‌های ساسانی، همانطور که در نمودار شماره ۳۵ دیده می‌شود. آنچنان که در تصویر دیده می‌شود، چهار طرف این آتشکده‌ها باز است. در مرکز فضا مجمر آتش (مقدس) قرار می‌گیرد. در فضای داخلی آن هیبردان و موبدان در حالی که به صورت‌های خود دهان بند زده‌اند (تا تنفس آنها آتش مقدس را آلوده نکند)، حاضر شده و مراسمی را اجرا می‌نمایند. دیگر عبادت کنندگان در خارج چهارطاقی ناظر مراسم و شنونده نیایش‌ها می‌باشند. آنچنان که اسناد تاریخی به آن اشاره دارد، این نیایشگاه‌ها در دوران ساسانی برای طبقات مختلف اجتماعی مانند درباریان، ارتشیان و کشاورزان به صورت انحصاری مورد بهره برداری بوده است.

در تبدیل این آتشکده‌ها (به عنوان مثال در مسجد یزدخواست) این تغییرات ابتدا به صورت کالبدی و در نتیجه آن تغییرات ماهوی صورت پذیرفته است.

۲- تغییرات کالبدی در تبدیل آتشکده به مسجد

- برداشتن مجمر آتش از مرکز فضای داخلی.
- بستن بدنه سمت قبله و ایجاد محور به سوی خانه کعبه.
- بستن بدنه‌های دو سوی قبله.
- کوچک کردن بدنه مقابل قبله و ایجاد درب ورودی.
- ایجاد یک حیاط محصور در مقابل قبله با چند درب.

^{۳۳} - اطلب العلم ولو بالصین. نهج الفصاحه.

۳- تغییرات ماهوی در تبدیل آتشکده به مسجد

- با برداشتن مجمر آتش از مرکز فضای داخلی و دعوت نیایشگران به داخل، عملاً هر نوع واسطه‌ای را بین انسان و خداوند حذف نموده‌اند. به تعبیر حافظ شیرازی «آتشی که نمیرد هرگز، در دل ماست» و مضمون حدیث «خداوند در زمین و آسمان نمی‌گنجد ولی در قلب مؤمن حضور دارد»^{۳۴} را با این تغییر، به خوبی نشان دادند. یعنی عالی‌ترین نماد و تجلی خداوند بر روی زمین، خود انسان و روح الهی اوست. حذف واسطه بین انسان و خدا، یعنی حذف شرک و این از مهم‌ترین اصول توحید اسلامی است.
- با بستن بدنه‌های چهارسو و ایجاد درب، فضای چهارتاقی را که عملاً یک فضای سر پوشیده ولی برون‌گرا و سیر در آفاقی بود، تبدیل به یک فضای درون‌گرا و مناسب برای تفکر و تمرکز روحی نمودند.
- با ایجاد محور قبله، به سوی خانه کعبه، نیایشگران را به جای توجه به آتش به عنوان نماد و مظهر الهی،^{۳۵} به سوی خانه مناسب برای پذیرش توبه و محل تولد انسان کامل یا عالی‌ترین مظهر الهی جلب نمودند. یعنی آن نور جاودانی، استعداد روحانی شما است که با معراج نماز، که ایقاع و در بند نمودن آتش‌های نفس بهیمی است، شما را از هیبوط جسمانی در عالم حواس به منزلگاه عقل کل و قلب سلیم سیر خواهد داد و در آن سرانجام متعالی، بشر، آدم خواهد شد.
- به هیربدان و موبدان هم گفتند شما هم مانند ما انسانید و رابطه انسان و خداوند، هیچ واسطه‌ای نمی‌خواهد. ما عالمان دینی را به عنوان کارشناسان دین شناس می‌پذیریم. پس منبری برای آنها برای موعظه و تبیین احکام دینی برپا نمودند. اما برای نیایش همه با هم به سوی خانه کعبه، نماد توبه گاه و معراج گاه سیر و سلوک الهی و کامل شدن انسان رو کرده، آتش نفس بهیمی خود را مهار می‌نماییم. بر خلاف اغلب نیایشگاه‌ها بنا نبود معبد اسلامی در خارج شهرها و برخی از کوه‌ها بنا شود و مسجد در کانون مجتمع انسان‌ها و در قلب خدمات عمومی آنها برپا می‌شد. برای دوری از مزاحمت‌های همجواری و ایجاد فضایی امن و آرامش بخش، مفصل و حریم جدا کننده‌ای لازم بود که با ایجاد یک حیاط و دیوارهای جدا کننده و درب‌های کنترل کننده این نیاز تأمین شد.
- این معبد، خانه رب النوع‌ها نبود؛ بلکه خانه قیام انسان‌ها بود. بنابراین باید مهمان پذیر و جذاب و دعوت کننده می‌بود. لذا از هرسویی که مردم به سوی نیایشگاه حرکت می‌نمودند، درب و ایوان ورودی لطیف و باشکوهی، تاق نصرتی بود برای نیایشگران.
- در این دین مقدس، جایی برای تمایزات دنیوی بین انسان‌ها و اشرافیت قدیم و جدید جاهلی بین انسان‌ها وجود نداشت و همه انسان‌ها در مقابل ذات احدیت یکسان شمرده می‌شدند. بنابراین مسجد برای طبقه اجتماعی خاصی نبود و از همه طبقات و از هر قشری و از هر مکانی دعوت رسمی شده بود و از آن‌ها استقبال می‌شد. دیده می‌شود آنهایی که مسلمانان را فاقد ابتکار و استقلال عمل در حوزه هنر معماری می‌دانند، تا چه اندازه خودآگاه یا ناخودآگاه، متعصب بوده و از حقیقت دور شده‌اند.

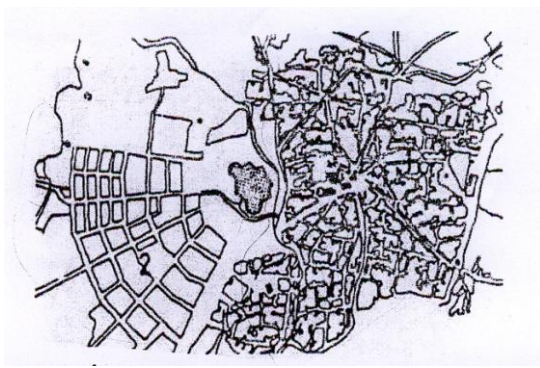
شواهدی تجربی از معماری و شهرسازی در دوران اسلامی

۱- بکارگیری سه نوع هندسه در معماری و شهرسازی اسلامی

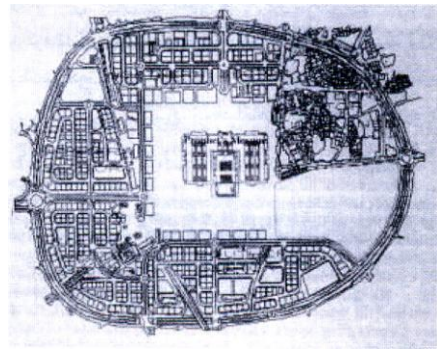
در معماری و شهرسازی دوران اسلامی، بخصوص قبل از تهاجم تفکرات مدرنیته غربی و شیوه‌های نوگرا و فرانوگرا و اغلب جریان‌های معاصر و انحرافی، سه نوع هندسه تعریف شده در بند دوازده، در جای مناسب خود مورد طراحی و بهره‌برداری قرار گرفته است. برای مثال کلیه راه‌ها و مسیرهای عبوری، از کوچه باغ‌های روستایی گرفته تا راه‌ها و بازارهای شهری، همه هماهنگ و منطبق با عوارض طبیعی، مانند نهرها و رودها یا شیب‌های کند و تند و دامنه‌های آنها بوده و در مجموع هندسه‌ای سیر در آفاقی دارند.

^{۳۴}- حرعالمی. کلیات احادیث قدسی

^{۳۵}- در قرآن کریم شیطان از آتش است، (خلقتنی من نار، سوره اعراف، ۱۲) و خداوند از نور (الله نور السموات و الارض، سوره نور، ۳۵) و آتش در عمل نماد نابودی و سوزاندن همه استعدادها و ظرفیت‌ها است، در حالیکه نور، نظیر نور خورشید عامل حیات و رشد پدیده‌ها.

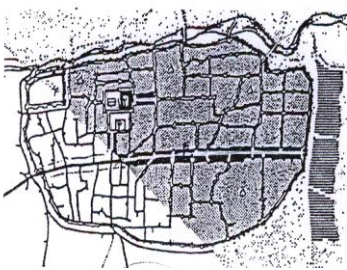


تصویر ۲- بافت تاریخی و سیر در آفاقی شهر سمرقند و توسعه جدید محور دار آن: (مأخذ: توسلی، ۱۳۶۰)

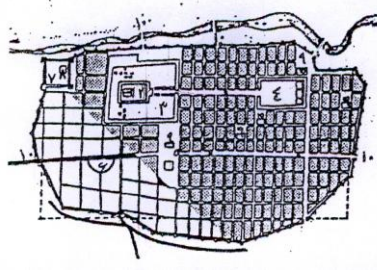


تصویر ۱- بافت ارگانیک (سیر در آفاقی) در قسمت قدیمی شهر مدینه و بافت چهارخانه‌ای در اطراف حرم پیامبر(ص) در توسعه شهری جدید. (مرتضی، ۱۳۷۸، ۱۹۷)

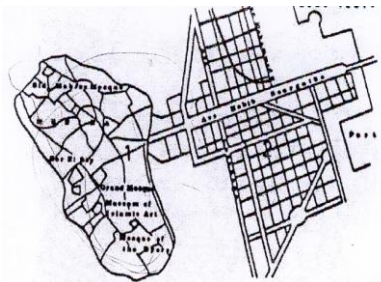
در این نوع هندسه، هم انسان تشویق به حرکت می‌شود و هم نقطه دید او متنوع، متغیر و متحرک خواهد بود. این نوع فضا و هندسه برای مسیرهای عبوری بهترین می‌باشد. معماران و شهرسازان مگر در موارد استثنایی، که عاملی خاص وارد معادلات طراحی شده است، این سنت را رعایت نموده‌اند.



تصویر ۵- شهر دمشق در قرون اولیه اسلام به تدریج هندسه‌های بافت سیر در آفاقی می‌شود. (مأخذ: Alsayyad, 1991)

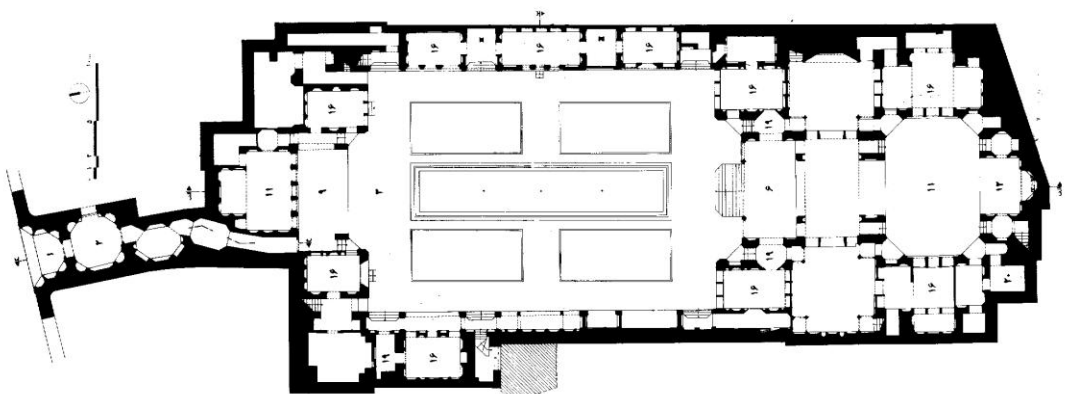


تصویر ۴- شهر دمشق قبل از اسلام، هندسه‌های چهارخانه‌ای با دو محور عمود بر هم (مأخذ: Alsayya, 1991)



تصویر ۳- بافت تاریخی و سیر در آفاقی شهر تونس و توسعه چهارخانه و دو محوری آن در دوران استعمار

بدنه‌های خارجی بناها در هماهنگی با مسیرها، هندسه‌ای موج و مشوق عبور دارند. اما سردرها و ایوان‌های ورودی، برعکس ضمن برجسته شدن از بدنه‌ها (یا فرورفتگی در موارد خاص) دارای محور شاخص خالی و عمودی بوده و قرینه‌سازی کامل عرضی و تنوع عمودی، حول این محور خالی برقرار می‌باشد.



تصویر ۶- کاشان، نقشه همکف خانه بروجردی‌ها -

تقسیمات اتاق‌ها بر اساس ۳، ۵ و ۷ بوده، در فضای اجتماعی با عملکرد روزانه عرض اتاق‌ها بیشتر از عمق آنهاست و در فضای با عملکرد خواب یا کار، عرض اتاق‌ها نسبت به عمق آنها کمتر است.

این نوع هندسه موجب توقف، توجه و تمرکز عابر و جذب او به فضای داخلی است و در تمام بدنه‌های داخلی، در نماها و مقاطع نیز دیده می‌شود. در همه این هندسه‌ها انسان دعوت به سکون شده و توجه به محور عمود بر زمین، به سوی آسمان و در نهایت دعوت به ورود در عمق خالی محورهاست. به همین دلیل ضرباهنگ تقسیم بندی نماها و پنجره‌ها سه یا پنج یا هفت است. اغلب قطعه وسطی بزرگتر است؛ تا همیشه نقطه مقابل انسان فضای خالی، دعوت کننده و درونگرا باشد.

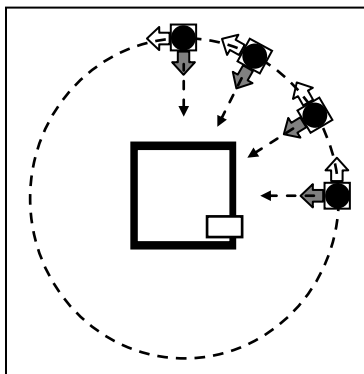


تصاویر ۷ و ۸- کاشان، خانه بروجردی ها- هندسه دورنگرا، دعوت کنندگی و تقسیمات فضایی حول محور شاخص خالی و عمودی



تصویر ۹- کاشان، خانه بروجردی‌ها- برش طولی از حیاط و ساختمان، نمایش درونگرایی و دعوت کنندگی

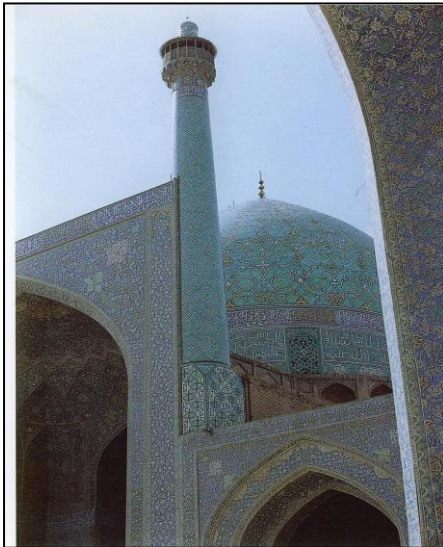
مانند آنچه در حرکت طواف، انسان، به سوی یک کالبد درونگرا (خانه کعبه) متمایل است و نه یک کالبد صُلب، مانند (جمرات سه‌گانه).



تصاویر ۱۰ و ۱۱- حرکت طواف به دور خانه کعبه نماد دعوت کنندگی و درونگرایی

۲- چند اصل حکیمانه در طراحی مناره های مساجد

در طراحی شهری و نگاه دور نیز، مناره های برآمده بر سر در مساجد یا ایوان ها، نماد جلب توجه و دعوت کنندگی است. در طراحی مناره ها و گنبد ها چند اصل حکیمانه تأثیر مستقیم داشته است :



تصویر ۱۲- مسجد امام اصفهان
(مناره نماد سیر در آفاق و گنبد نماد سیر در انفس)

(۱) **بر آمدن مناره ها**، بیش از لبه بام به منظور توسعه دید و صوت در جهت جذب مخاطبان بیشتر است. اسلام دینی فطری و مکتبی جهانی است و همه انسان ها را به معراج خانه مساجد دعوت می کند. حد ارتفاع را عدم مزاحمت های همجواری، امکانات اجرایی، تناسب زیبایی شناسانه و غیره تعیین می کند.

(۲) **حجم مناره** حداقل ضروری برای ایجاد پله در داخل و دسترسی مؤذن به گلدسته و متناسب با ارتفاع آن است.

(۳) **هندسه مأذنه** دایره است، تا مؤذن صدای خود را در همه محورها و به همسایگان مسجد، بدون تبعیض برساند.

(۴) **گلدسته های ایرانی- اسلامی** همچون جمرات سه گانه صلب و توپُر نیستند و در اغلب به اتفاق آن ها در انتهای خود به یک فضای مناسب برای حضور انسان ختم می شوند.

(۵) **دو تا بودن مناره ها** و بر سر درب نهادن آن ها، علاوه بر منطق ایستایی و ایجاد تعادل وزنی، در جهت قرینه سازی حول محور ورودی و تأکید بر طاق نصرتی است که برای ورود انسان های مخاطب طراحی می شود و دو گانه بودن یا چند گانه بودن آن ها، ناشی از کارکرد سیر در آفاقی آن ها برای جلب بیشتر انسان ها است و در عین حال برجسته کردن و ممتاز نمودن گنبد شبستان اصلی که هم درونگراست و تأکید بر سیر در انفس دارد و هم یگانه و وحدت بخش است که نماد وحدت فطری و روحی انسان های معراج یافته است. بنابراین برآمدگی وحدت بخش گنبدها، نماد غلبه درونگرایی و جذب عابری به درون و مقدمه ای برای سیر در انفس و برگزاری نماز و دعاست.

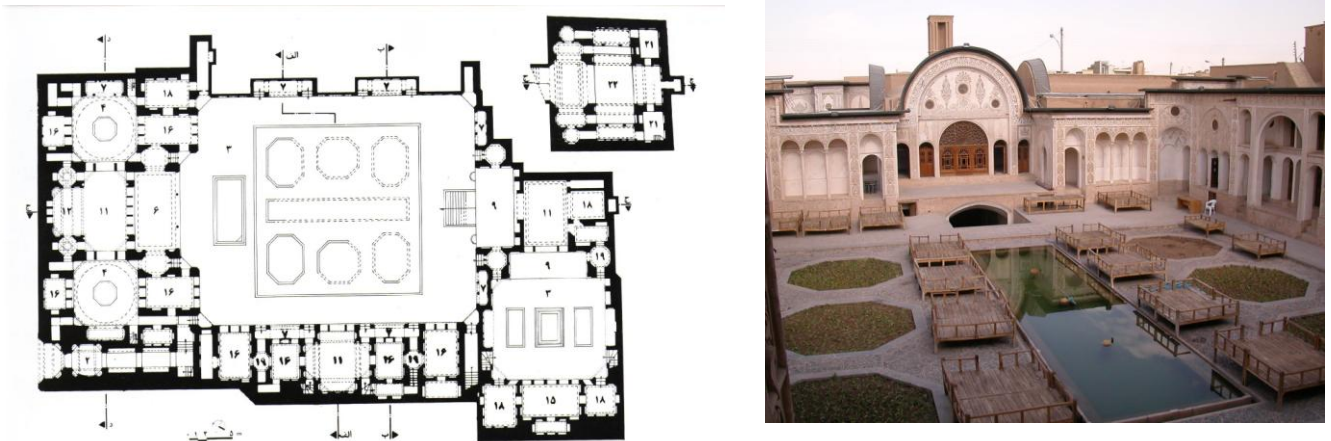
۳- مرکزیت فضاهای داخلی و خارجی معماری اسلامی

هندسه همگن بناها، در کلیه فضاهای داخلی، اعم از سر پوشیده یا حیاط، حول دو محور عرضی و طولی طراحی می شود که بر ایند آنها یک نقطه مرکزی است که مناسب سکون کامل مکانیکی و کمی انسان است. گویی زمان و مکان فیزیکی متوقف می شود، تا فضا برای سیر فکری و قلبی انسان آماده شود. البته در فضاهای باز، در کانون تلاقی این دو محور، آب نما و فواره جوشان آب قرار می گیرد که لطیف ترین عنصر مادی



تصویر ۱۴- ترکیب مناسب مناره ها با حجم کلی بنا و منطق قوی در استقرار آنها (نماد خودسازی و جامعه سازی)

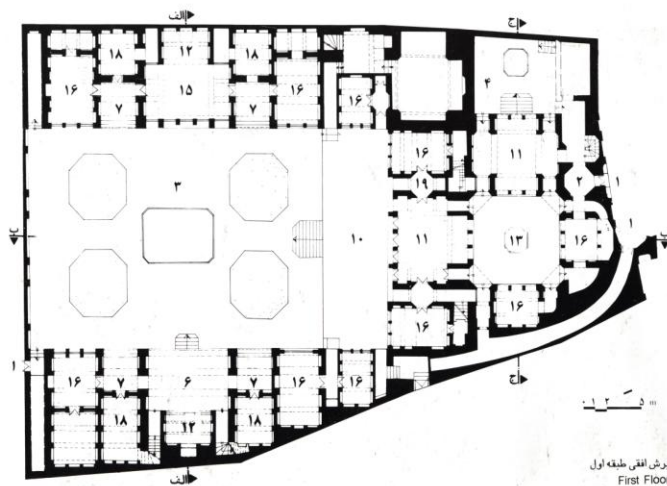
است و در دل خود آینه انوار آسمانی است و پل عبور انسان از زمین به آسمان. در طراحی حیاط، گل ها و گیاهان متکثر و متنوع در ساختارهای منظم و هندسی منطبق بر دو محور مذکور آرام و ساکت می شوند، تا دنیای متکثر و متنوع بیرونی مزرعه آخرت وحدت بخش درونی و روحی شود و عناصر سیر در آفاقی مقدمه تفکر و سیر کمالی و انفسی انسان.



تصاویر ۱۵ و ۱۶-کاشان، خانه طباطبایی‌ها-تقسیمات فضایی ۳، ۵ و ۷، دعوت کنندگی و هندسه درونگرا، مقدمه سیر انفسی انسان

در طراحی فضاهای سرپوشیده، درجه درونگرایی و ایجاد تمرکز فکری و روحی متناسب با نوع کارکرد فضا، متفاوت و متنوع می‌شود. برای مثال در مساجد با ایجاد پلان مربع و قرینه سازی حول کانون مرکزی آن، این تمرکز به حداکثر میزان خود می‌رسد. ولی در فضاهای رابط مانند هشتی‌های ورودی و یا فضاهای توقف و حرکت، مانند زورخانه‌ها و سرپینه حمام‌ها، نقشه هم کف هشت ضلعی می‌شود. در مهمان پذیرها (پنج دری‌ها و هفت دری‌ها) در جهت ارتباط بیشتر با ایوان‌ها و حیاط‌ها، محور عرضی از محور عمقی بلندتر می‌شود و برعکس در اتاق کار و خواب (سه دری‌ها و دو دری‌ها) از جهت ایجاد آرامش و درونگرایی بیشتر و مناسب جهت خواب و کار محور عرضی نسبت به محور عمقی کوتاه‌تر می‌شود. ولی در مجموع همه فضاهای داخلی، درونگرا و با ایجاد دو محور متقاطع طولی و عرضی و نقطه خالی مرکزی از نظر حسی و مادی آرامش بخش بوده و شرایط مناسب را برای تفکر و تمرکز روحی انسان پدید می‌آورند.

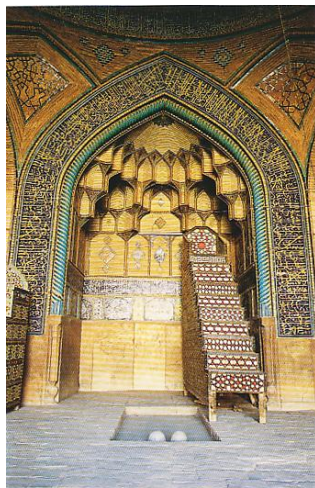
در همه فضاها، کانون مرکزی صلب نیست و انسان مخاطب در قطب کانون فضا، نقش قهرمان بلامنازع تعامل انسان با فضای معماری است، کالبد معماری هرگز مانند جمرات سه گانه صلب و بت گونه نمی‌شود و مستقل از انسانی مخاطب و نیازهای او توجیه و تفسیر نمی‌گردد. بنای معماری و همه اجزاء و عناصر محیطی و کالبدی فقط نقش وسیله و ابزار مناسب برای محیط زیست انسان‌ها را فراهم می‌آورند. کالبد و عناصر محیطی همیشه وسیله و انسان همیشه قهرمان تعامل با فضا است.



تصویر ۱۷- کاشان، خانه آل یاسین

۴- ایده‌های هندسی-فضایی در طراحی شبستان مساجد

(۱) در طراحی شبستان مساجد مبتنی بر اصل کلی سیر از کثرت به وحدت و از ظاهر به باطن، بعد از رعایت اصل کلی درونگرایی، دو نیاز انسانی و دو کارکرد شاخص در مساجد نقش اصلی و بنیادی در این سیر و در نتیجه در طراحی شبستان‌ها به عهده دارند.



تصویر ۱۸- منبر و محراب مسجد حکیم

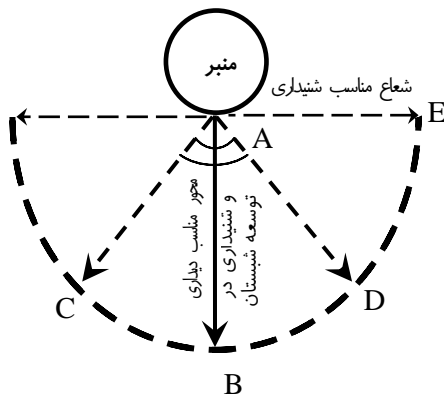
(۲) در صورت باطنی انسان، ابتدا نفس عقلانی باید اختیاراً و محققانه بیدار شود تا از طریق تفکر، تذکر، علم و حلم و تبه انسان به مقام ایمان (حکمت و نزهت) بار یابد و حکیم و نزیه شود. این کارکرد تعیین کننده که رسالت سیر انسان از نفس حیوانی به نفس عقلانی را به عهده دارد با نماد منبر در شبستان مساجد تبیین یافته است، نماد منبر یعنی محلی که کلام الهی و معصومین (س) (حقایق عوالم وجود و مسیر هبوط و صعود انسان) توسط انسانی خبره و متخصص برای مخاطبین بیان می‌شود و از طریق تفکر و تذکر و ... میزان حکمت و نزهت (تشخیص خیر و شر) آن‌ها ارتقاء می‌یابد. برای ایجاد حداکثر تعامل مطلوب بین گوینده و شنونده چند عامل نقش تعیین کننده دارند:

✧ شنیدن صدای گوینده با وضوح کامل

✧ مشاهده متقابل گوینده و شنونده تا عواطف و احساسات آن‌ها از طریق چهره

و حرکات دست و صورت عمیق‌تر و جامع‌تر دریافت و منتقل شود. با توجه به محدودیت‌های شنیداری و دیداری انسان، ایجاد می‌کند، هندسه شبستان، نسبت به محل گوینده (منبر) در یک محور طولی گسترش یابد و از ایجاد موانع شنیداری و دیداری جلوگیری شود. (نمودار شماره ۳۶)

نمودار شماره ۳۶- بهترین محور توسعه شبستان برای سخنرانی

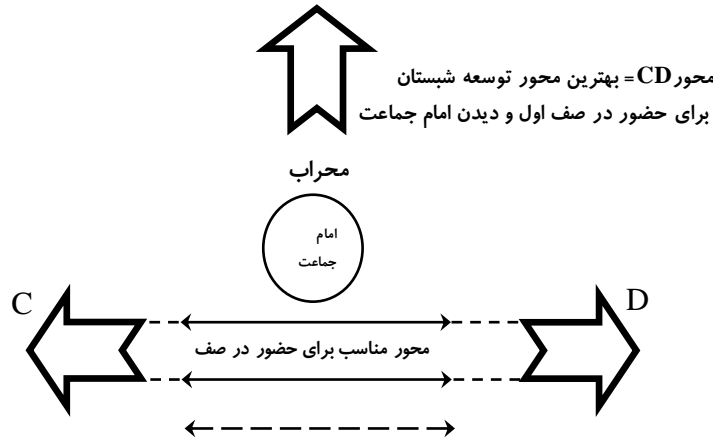


محور AB = بهترین محور توسعه شبستان برای دیدن سخنران و شنیدن پیام‌های او.

زاویه CD = زاویه مناسب برای دیدن سخنران

شعاع AE = شعاع مناسب برای شنیدن پیام سخنران

در نمودار مزبور حداکثر طول محور عمود بر منبر و زاویه مناسب برای دو مؤلفه دیداری و شنیداری را می‌توان از طریق علوم تجربی مشخص نمود.^{۳۶} بر طبق نمودار شماره ۳۶ بهترین زاویه توسعه شبستان محور AB می‌باشد که موازی جهت قبله است



نمودار شماره ۳۷- بهترین محور توسعه شبستان برای نماز جماعت

در صورت انسان از نفس عقلانی به مقام حضور قلب و تمرکز روحی، کارکرد نماز و دعا که مهمترین عامل تکامل رشد انسان است مطرح می‌شود، نماز معراج مؤمنین و عمود خیمه ایمان دینی شمرده شده و به خصوص به نماز جماعت با تعداد بیشتری از مؤمنان توصیه و تأکید شده است. مهمترین ویژگی نماز مقبول تمرکز روحی و حضور قلب است با چشم پوشی از هر آنچه دنیایی و ظاهر فریب است، حتی افکار و خاطراتی که ذهن ما را متوجه دنیا و وابستگی‌های آن می‌نماید.

در این خصوص توصیه‌های زیادی در مورد سادگی و بی‌پیرایگی در کالبد شبستان‌های مساجد به خصوص در بدنه مقابل نمازگزاران صورت گرفته که در جای مناسب خود در مورد آرایه‌های مناسب و نامناسب در مساجد باید سخن گفت.

آنچه بیشترین تأثیر را در انتخاب نوع ایده‌های فضایی-هندسی شبستان‌ها به جای می‌گذارد، توصیه و استحباب حضور در **صف‌های اول نماز جماعت** و صفوف مقدم است و امکان مشاهده مستقیم امام جماعت. بنابراین در توسعه شبستان مساجد از بعد کارکرد نماز جماعت دو مؤلفه اهمیت بیشتری دارند.

☒ طولانی شدن صف اول نمازگزاران.

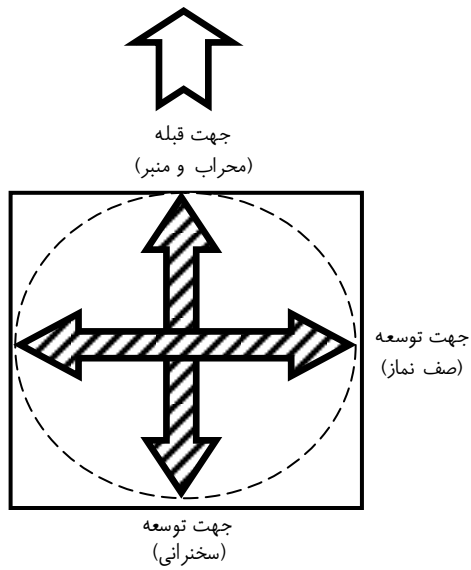
☒ امکان مشاهده امام جماعت.

با توجه به دو مؤلفه فوق محور CD که عمود بر جهت قبله است، بهترین جهت توسعه شبستان شمرده می‌شود.

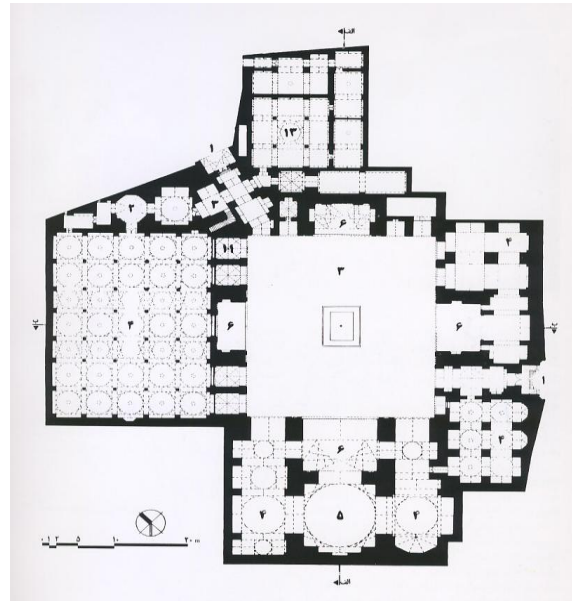
۵- توسعه شبستان مساجد مبتنی بر دو مؤلفه سخنرانی و نماز جماعت

آنچه از برابری هندسی دو مؤلفه عمود بر هم بدست می‌آید، فرم مربع است که همان فرم خانه کعبه در سطح می‌باشد.

^{۳۶}- در این متن امکانات جدید در تقویت صوتی و تعدد و بزرگ‌نمایی تصاویر مورد نظر نبوده است.

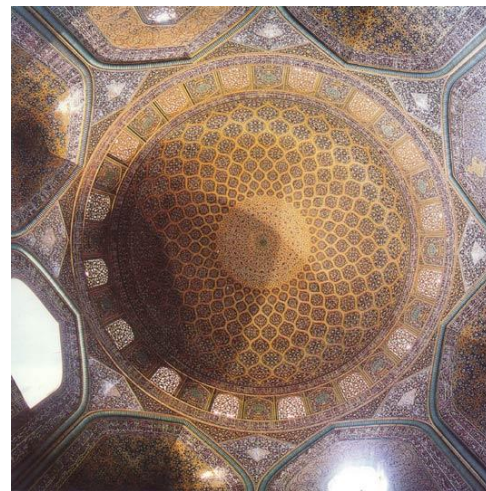
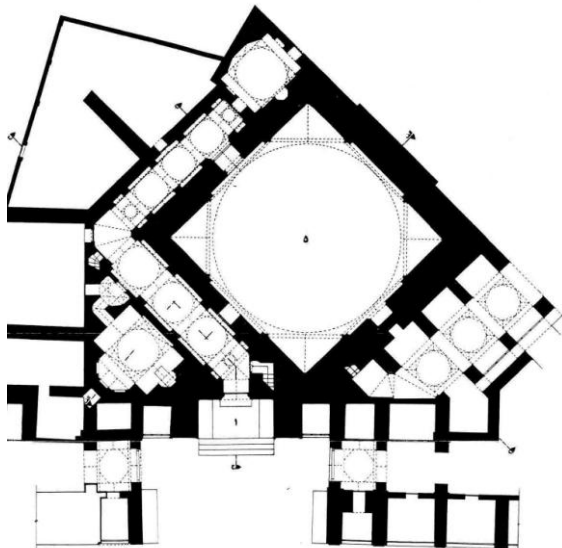


نمودار شماره ۳۸- برایند دو محور مناسب
برای نماز جماعت و سخنرانی شکل مربع است (خانه کعبه)

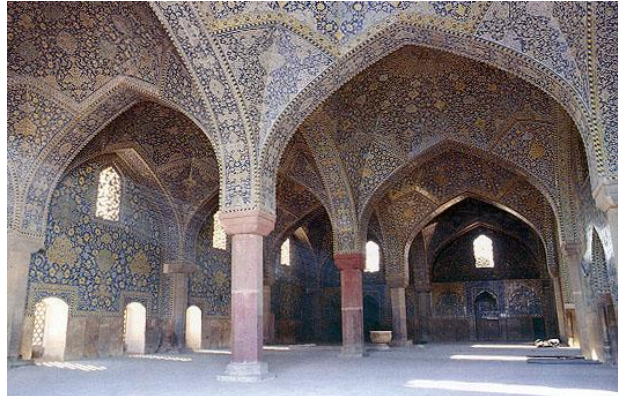
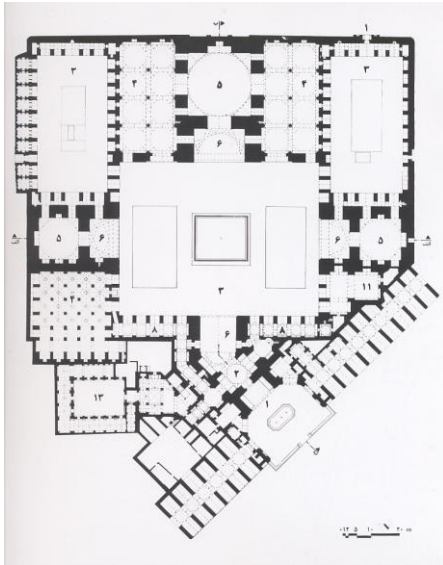


تصویر ۱۹- اصفهان، مسجد آقانو

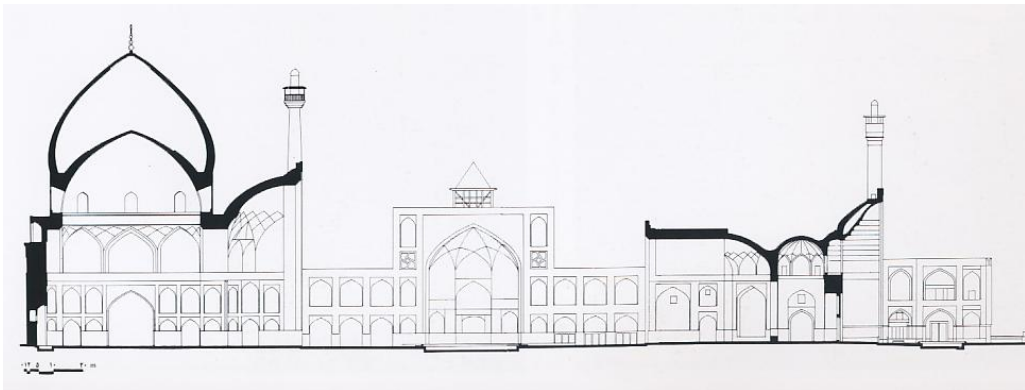
نزدیک شدن به هندسه مربع در اغلب شبستان‌های مساجد، در مواردی که عوامل محیطی اجازه می‌دهد است، نشان از درک عمیق و حکیمانه معماران مسلمان از تشخیص نوع تعامل انسان با کالبد معماری در کارکرد نیایشگاه اسلامی است و تشخیص هندسه مناسب برای هر یک از نیازهای کارکردی انسان، یعنی انتخاب هندسه‌های سیال و موج‌بر برای راه‌های عبوری و بازارها و هندسه محو‌دار و قرینه‌سازی برای ایجاد سکون حسی و تفکر بر انگیزی و هندسه‌های متعادل و خنثی و مرکز‌گرا برای ایجاد تمرکز روحی و حضور قلب برای نماز و دعا در این اماکن قابل توجه است.



تصاویر ۲۰ و ۲۱- اصفهان، مسجد شیخ لطف الله - (هندسه اصلی در گنبدخانه) مربع و در راهروهای مستطیلی و عبوری با ایجاد جزئیاتی عمود بر راهرو، هندسه مربع در کف و هندسه مرکز گرا بارسمی‌ها در سقف مجموعاً ترکیبی متعادل از سکون و حرکت را بوجود می‌آورند.



تصاویر ۲۲، ۲۳ و ۲۴- اصفهان، مسجد امام- همدسه محوردار و قرینه‌سازی برای ایجاد سکون حسی و تفکر بر انگیزی و هندسه‌های متعادل و خنثی و مرکزگرا برای ایجاد تمرکز روحی و حضور قلب برای نماز و دعا



- ۳) تأکید بر ضرورت انتخاب یک مکتب جامع به عنوان مبنای روش پژوهش و راهنمای نظر و عمل در برنامه ریزی‌ها، آموزش‌ها، تجربه‌ها و ارزیابی و نقد آثار معماری.
- ۴) تنظیم روابط موضوعی این گرایش بین رشته‌ای در یک نمودار طولی.
- ۵) تنظیم روابط موضوعی این گرایش بین ابعاد نظری، عملی، آثار و اصول حاکم بر هر کدام.
- ۶) نقد و ارزیابی مکاتب شناخت‌شناسی انسان، تازیبایی‌شناسی و شیوه‌های معماری از منظر اسلامی.
- ۷) طرح انسان‌شناسی جامع و کامل از منظر حضرت علی(ع).
- ۸) طرح جامع و کامل بودن مکتب زیبایی‌شناسی اسلامی، نسبت به مکاتب رقیب و تأکید بر همسانی تجربه‌های معرفت‌شناسی و زیبایی‌شناسی به عنوان جوهر هنر و مبنای هرگونه اصلاحات در این حوزه.
- ۹) پاسخ به سؤالات اساسی در مقوله فلسفه هنر و در جهت برون رفت از بحران معاصر.
- ۱۰) نظریه پردازی در مورد ایده‌های فضایی - هندسی مناسب در معماری برای هر یک از ابزار و شیوه‌های ادراکی انسانی و نقد دیدگاه‌های رقیب در این حوزه.
- ۱۱) اثبات نظریات ارائه شده در مقایسه دو نماد معمارانه مثبت و منفی در مجموعه بیت الله الحرام.
- ۱۲) اثبات ایده‌های فضایی - هندسی ارائه شده در تناظر آنها با سه نوع هندسه موجود در مناسک سه گانه حج (سعی، طواف و نماز).
- ۱۳) اثبات نظریات ارائه شده در تبدیل آتشکده‌ها به مسجد با تغییر ماهوی آنها توسط مسلمانان.
- ۱۴) ارائه شواهدی تجربی از معماری و شهرسازی دوران اسلامی ایران به خصوص از طراحی و معماری مساجد.

۲- عصاره این نظریه

- ۱) در دوران کلاسیک مفهوم بنیادی (فرم از عملکرد پیروی مینماید) یک اصل پذیرفته شده و بدیهی بود به خصوص در تمدن اسلامی، این اصل در اکثر قریب به اتفاق آثار معماری تجلی برجسته‌ای دارد. اشکال عمده آن در برخی از تمدن‌ها تقلید از الگوهای تکراری بود. مبتنی بر این اصل کلی دو اصل فرعی نیز همراه است:
- در هر فرایند انسانی، نیازهای انسان هدف و کالدها و صورت‌ها وسیله هستند (مبتنی بر اصل عدالت)
 - بین مفاهیم و به اعتبار آن‌ها عملکردهای مورد نیاز معماری و شکل‌ها و صورت‌ها، رابطه تجلی و تمثیلی وجود دارد.
- ۲) پس از انقلاب صنعتی و انتقال وزن ساختمان به اسکلت‌های فلزی و بتنی و آزاد شدن نماها از نقش باربری ساختمان، دست معماران در استفاده از شکل‌ها و کالدهای متنوع و غیر عادی بسیار باز شد. با سوء استفاده از این دستاورد بزرگ مهندسی، شکل‌ها و صورت‌های خود بنیاد، متظاهرانه، بیهوده و با محتوی بازی با فرم‌ها و شکل‌ها عملاً معماری را به سمت مجسمه‌های انتزاعی و فرمالیسم بت‌گونه سوق داد.
- ۳) در اواخر دوران مدرنیسم تجدید شعار (فرم از عملکرد پیروی می‌کند)، رویکرد سازنده و اصلاح‌کننده‌ای بود در مقابل فرمالیسم حاکم بر اصالت بخشیدن بر بازی متظاهرانه با هندسه‌ها و فرم‌های نامناسب در معماری.
- ۴) در دوران فرا نوگرایی (پست مدرنیسم) و سپس جریان‌های ساختارشنکی، که در حوزه مباحث معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، رویکرد شکاکیت و نسبی‌گرایی رواج یافت.
- ۵) عملاً معیارهای ثابت و جهانی علوم تجربی (پوزیتیویسم) هم زیر سؤال رفت و معیارهای زیبایی‌شناسی در نهایت یا فردی شد و یا نژادی طبقاتی و تاریخی و غیره.
- ۶) معماران خود بنیاد و متظاهر، علاوه بر امکانات جدید مهندسی، مبتنی بر فلسفه هنر شکاک و نسبی‌گرایی جدید این حق را به خود دادند که فرمالیسم را به اوج برسانند.
- ۷) عملاً کالبد معماری به وسیله بازی و تظاهر و خودنمایی معماران تبدیل شد. کالبد مستقل از عملکرد و نیازهای واقعی انسان، عملاً تبدیل به گوساله سامری زمان شد!!

۸) امروز در ام‌القرای کشورهای اسلامی و در پایتخت جمهوری اسلامی، نقشه‌هایی برای مساجد ترسیم و توسط مسئولین تصویب می‌شود، که نه تنها فاقد هر نوع اصالتی است، بلکه نوعی بت‌سازی و بت‌خانه سازی تلقی می‌شود!!

۳- عصاره و خلاصه دستاوردهای این نظریه

عصاره دستاوردهای این نظریه را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه نمود:

- ۱) ارزیابی و نقد فرمالیسم معاصر (اصالت خودبنیاد ایده‌های فضایی- هندسی و کالبد در معماری)
- ۲) تأیید رویکرد پیروی فرم از عملکرد با مضمون و محتوای جدید و اسلامی یعنی حفظ اصول، و بدون تقلید از الگوهای تکراری
- ۳) تبیین نیازهای انسان‌های بهره‌ور با محصول معماری به عنوان رابطه (هدف با وسیله)
- ۴) تبیین رابطه محتوی با کالبد (رابطه نیازهای انسان‌های بهره‌ور با محصول معماری) به عنوان (تجلی).
- ۵) تبیین مجموع نیازهای انسان‌ها در دو سیر کلی (آفاقی و انفس) مبتنی بر نفوس (گیاهی و حیوانی) انسان‌ها و نفوس (عقلانی و روحانی) آن‌ها.
- ۶) تبیین رابطه نیازهای (انفسی و معنوی) انسان‌ها با نیازهای (آفاقی و مادی) آن‌ها به عنوان رابطه (هدف با وسیله) مبتنی بر ابر اصل همه هستی برای انسان و انسان‌ها برای تکامل.
- ۷) تبیین هندسه‌ها و ایده‌های فضایی مناسب برای نیازهای سیر در انفسی انسان- (نیازهای عقلانی و روحانی) منظم، وحدت بخش، با محورهای یگانه، یا متقاطع و مرکزیت خالی.
- ۸) تبیین هندسه‌ها و ایده‌های فضایی (نامنظم، متکثر، متغییر، متنوع و ...) مناسب برای نیازهای سیر آفاقی انسان.
- ۹) با رویکرد این نظریه، از آنجا که محتواها، مفاهیم کلی هستند با ثابت و نوعی دانستن نیازهای فطری و روحی انسان‌ها می‌توان میلیاردها سبک هنری و معماری و آثار هنری و معماری خلاقانه و بدیعی داشت. (نقد راه‌حل دوگانه پنداشتن حفظ محتوای‌های ثابت و عدم تکرار و تقلید الگوها)
- ۱۰) ایجاد تنوع اصیل در بکارگیری انواع ایده‌های فضایی و هندسی در طراحی و ساخت آثار معماری و شهرسازی.
- ۱۱) اولویت‌گذاری فضاهای متنوع شهری و تنظیم آن‌ها بر اساس نیازهای اصلی و فرعی انسان‌ها.
- ۱۲) وضوح، صداقت، صراحت، آشنایی و صمیمیت در گفت‌وگو معماری و شهرسازی با مخاطبان خود.
- ۱۳) تبیین اصول حکیمانه و اجرای عادلانه معماری معصومین (ص) و معماری و شهرسازی دوران اسلامی براساس نظریه ارائه شده.

۴- موضوعاتی که می‌تواند مکمل این رساله در تحقق معماری از دیدگاه ایرانی- اسلامی باشد

- ۱) آرایه‌ها در معماری ایرانی- اسلامی.
 - ۲) نمادگرایی در معماری ایرانی- اسلامی.
 - ۳) محله محوری با مرکزیت مسجد و دیگر کارکردهای فرهنگی.
 - ۴) رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطبین در معماری ایرانی- اسلامی.
 - ۵) روش پژوهش در مباحث بین رشته‌ای مانند هنرها و معماری.
 - ۶) اصول و روابط گزاره‌های نظری، عملی و آثار هنری از منظر اسلامی.
 - ۷) نسبت مکتب اسلام با فلسفه هنر، زیبایی و معماری و شهرسازی.
 - ۸) رابطه انسان با عناصر محیطی از جمله معماری و شهرسازی.
- ای برادر، تو همه اندیشه ای ما بقی خود، استخوان و ریشه ای
گر بود اندیشه ات گل، گلشنی گر بود خاری، تو هیمة گلخنی (مولوی)

The relation between Islam and the theory of space in architectural design

Regarding the existing crisis of art and architecture from both theoretical and practical aspects, which are influenced by the dubitative and relativism viewpoints of western culture in new era, could be solved by the school of Islam from all its sides of theory, practice and historical background.

To prove the above idea, firstly, the architecture would be introduced as a part of human science due to its relation with art, and then research methods in this science would be considered as a basis, while attending to all its conflicts based on belief and the selection of thoughts. In the next stage, the architectural subjects are discussed from both longitudinal and latitudinal dimensions based on leading principles on each subject. Then the inclusiveness of anthropology, aesthetics and the philosophy of Islamic art is explained based on a comparative evaluation with rival schools of thoughts. Subsequently after giving a perfect definition of architecture, space-geometry ideas is considered as the roots of architectural products, but as considers authenticity for architectural products in relation to human and his needs, establishes appropriate space-geometry ideas for each tools and methods of human perceptions.

Finally for proving the proposed ideas, samples of impeccable architecture, the conversion of fire-temples to mosques and the architecture and urbanism of Islamic period have been introduced.

Keywords: Islam, theory, aesthetic, the philosophy of art, space ideas, architectural design

AbdolHamid Noghrekar

November, 2010

- نمودار شماره ۱- تعریف کلی معماری..... ۷
- نمودار شماره ۲- روش پژوهش در گرایش‌های بین رشته‌ای و معماری از منظر اسلامی..... ۸
- نمودار ۳- قواعد دهگانهٔ اجتهاد از دیدگاه تشیع..... ۹
- نمودار شماره ۴- نظریه پردازی و نوآوری در گرایش‌های بین رشته‌ای مانند هنرها و معماری..... ۱۰
- نمودار شماره ۵- ساختار پژوهش در این رساله..... ۱۱
- نمودار شماره ۶- موضوع شناسی طولی در مباحث هنر و معماری..... ۱۲
- نمودار شماره ۷- رابطه شناخت نظری هنرمند با تحقق استعدادهای عملی او در خلق اثر هنری (تبدیل ایده به پدیده)..... ۱۳
- نمودار شماره ۸- اصول حاکم بر سه مؤلفه اصلی و مرتبط، در فرایند آثار و معماری (از منظر اسلامی):..... ۱۴
- (گزاره‌های نظری و عملی و ارزیابی آثار هنری)..... ۱۴
- نمودار شماره ۹- بررسی تطبیقی انواع مکاتب شناخت شناسی، از بعد زیبایی شناسی و سبک‌ها و آثار هنری و معماری..... ۱۵
- نمودار شماره ۱۰- هویت بالقوه و بالفعل انسان در ذیل مشیت الهی..... ۱۹
- نمودار شماره ۱۱- چهار ساحت انفسی انسان و قوا و خواص آن از دیدگاه حضرت علی (ع)..... ۱۹
- نمودار شماره ۱۲- نمادی از زیبایی شناسی اسلامی مبتنی بر صفات حسن و عوالم وجود..... ۲۱
- نمودار شماره ۱۳- ارزیابی تعریف حسن و زیبایی در انواع مکاتب و در مقایسه با دیدگاه حکمای اسلامی..... ۲۲
- نمودار شماره ۱۴ : منشاء ایده‌های ممدوح، خنثی و مذموم هنرمندان برپایه نفوس چهارگانه آنها..... ۲۳
- آثار هنری استعلایی و غیر استعلایی..... ۲۳
- نمودار شماره ۱۵- سه دیدگاه مختلف در رابطه صورت و معنا در آثار هنری..... ۲۴
- نمودار شماره ۱۶- مراحل آزادی و جبر هنرمندان و تعهد و مسئولیت آن‌ها..... ۲۵
- نمودار شماره ۱۷- رابطه هنرمند و اثر هنری با مخاطب از دیدگاه اسلامی..... ۲۵
- نمودار شماره ۱۸- دسته بندی تعاریف حصری از معماری و تعریف جامع و مانع..... ۲۷
- نمودار شماره ۱۹- دیدگاه گیدیون درباره سیر تحول نگرش به فضا در سه دوره..... ۲۸
- نمودار شماره ۲۰- دیدگاه گروتو درباره سیر تحول نگرش به فضا در سه دوره تاریخی..... ۲۹
- نمودار شماره ۲۱- مقایسه دونوع فضای وابسته به انسان (ادراکی) و غیر وابسته به انسان (علمی)..... ۳۰
- نمودار شماره ۲۲- فضای ادراکی کودکان تا پنج سالگی (دیدگاه پیاژه)..... ۳۰
- نمودار شماره ۲۳- هندسه مناسب برای ادراکات حواس پنج‌گانه انسان..... ۳۱
- نمودار شماره ۲۴- هندسه مناسب برای نفس عقلانی انسان و قوه تفکر و تعقل..... ۳۲
- نمودار شماره ۲۵- هندسه مناسب برای نفس روحانی انسان و حضور قلب..... ۳۲
- نمودار شماره ۲۶- هندسه‌های مناسب برای هر یک از ابزار و شیوه‌های ادراکی انسان‌ها در معماری..... ۳۳
- نمودار شماره ۲۷- مقایسه دو نوع ایده‌های فضایی- هندسی مناسب و نامناسب در طراحی معماری..... ۳۴
- نمودار شماره ۲۸- تعادل فیزیکی موجود در شکل مربع در سایر اشکال هندسی منظم یا نامنظم مشاهده نمی شود..... ۳۵
- نمودار شماره ۲۹- خانه کعبه، فضایی کاملاً متعادل، متوازن، ساکن و آرام..... ۳۵
- نمودار شماره ۳۰- جرمه‌های سه گانه..... ۳۵
- نمودار شماره ۳۰- رمی جمرات..... ۳۵
- نمودار ۳۲- حرکت انسان در سعی بین کوه‌های صفا و مروه (انسان متحرک- نقطه دید هم متنوع و متغیر و متحرک)..... ۳۶
- نمودار شماره ۳۳- حرکت طواف به دور خانه کعبه..... ۳۶
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**..... ۳۴
- نمودار شماره ۳۴- دو رکعت نماز در پشت مقام ابراهیم به سوی خانه کعبه..... ۳۸
- نمودار ۳۵- تغییر ماهوی در تبدیل آتشکده‌های چهارطاقی به مسجد..... ۳۸
- نمودار شماره ۳۶- بهترین محور توسعه شبستان برای سخنرانی..... ۴۴
- نمودار شماره ۳۷- بهترین محور توسعه شبستان برای نماز جماعت..... ۴۵
- نمودار شماره ۳۸- برآیند دو محور مناسب..... ۴۶
- برای نماز جماعت و سخنرانی شکل مربع است (خانه کعبه)..... ۴۶
- نمودار شماره ۳۹- ایده‌های فضایی- هندسی در طرح معماری مساجد مبتنی بر (اصل، سیر از کثرت به وحدت)..... ۴۸

فهرست تصاویر

- تصویر ۲- بافت تاریخی و سیر در آفاقی شهر سمرقند و توسعه جدید محور دار آن: (مأخذ: توسلی، ۱۳۶۰)..... ۴۰
- تصویر ۱- بافت ارگانیک (سیر در آفاقی)..... ۴۰
- تصویر ۳- بافت تاریخی و سیر در آفاقی شهر تونس و توسعه چهارخانه و دو محوری آن در دوران استعمار..... ۴۰
- تصویر ۴- شهر دمشق قبل از اسلام، هندسه‌های چهارخانه‌ای با دو محور عمود بر هم..... ۴۰
- تصویر ۵- شهر دمشق در قرون اولیه اسلام به تدریج هندسه‌های بافت سیر در آفاقی می‌شود..... ۴۰
- تصویر ۶- کاشان، نقشه همکف خانه بروجردیها..... ۴۰
- تصاویر ۷ و ۸- کاشان، خانه بروجردی ها..... ۴۱
- تصویر ۹- کاشان، خانه بروجردیها-برش طولی از حیاط و ساختمان، نمایش درونگرایی و دعوت کنندگی..... ۴۱
- تصاویر ۱۰ و ۱۱- حرکت طواف به دور خانه کعبه نماد دعوت کنندگی و درونگرایی..... ۴۱
- تصویر ۱۲- مسجد امام اصفهان..... ۴۲
- (مناره نماد سیر در آفاق و گنبد نماد سیر در انفس)..... ۴۲
- تصویر ۱۳- گنبد و مناره، دونمادخودسازی و جامعه سازی در مساجد..... ۴۲
- تصویر ۱۴- ترکیب مناسب مناره ها با حجم کلی بنا و منطق قوی در استقرار آنها(نماد خودسازی و جامعه سازی)..... ۴۲
- تصاویر ۱۵ و ۱۶- کاشان، خانه طباطباییها..... ۴۳
- تصویر ۱۷- کاشان، خانه آل یاسین..... ۴۴
- تصویر ۱۸- منبر و محراب مسجد حکیم اصفهان..... ۴۴
- تصویر ۱۹- اصفهان، مسجد آقانور..... ۴۶
- تصاویر ۲۰ و ۲۱- اصفهان، مسجد شیخ لطف الله- (هندسه اصلی در گنبدخانه)..... ۴۶
- تصاویر ۲۲، ۲۳ و ۲۴- اصفهان، مسجد امام..... ۴۷

- ۱- حدیث از امام صادق(ع): «علینا بالقاء الاصول و علیکم بالتفریع». «بر عهده ما ارائه اصول، و بر شما اجتهاد است». (بحار، جلد ۲، ۲۴۵، به نقل از جوادی املی، ۱۳۷۳، ۱۵۰)
- ۲- «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» این حدیث نبوی و علوی به شکل های گوناگون نقل شده است. برای یک بحث سند شناسی رجوع شود به جداول کتاب «عیون مسائل نفس» حسن حسن زاده املی. صفحه ۸۵ تا ۹۰. شیخ بهایی در «کشکول» چهارده معنی گوناگون برای این حدیث مطرح نموده است.
- ۳- «تبیاناً لكل شیء» (سوره نحل. آیه ۸۹)
- ۴- بدیهی است که مقوله خالق شناسی و مبحث واجب الوجود، و ممکن الوجودها، بحث گسترده و جداگانه ای نیاز دارد.
- ۵- اسامی فیلسوفان شاخص به طور نسبی است و عنوان مشهور آنان است، بسیاری از فیلسوفان و عرفای مسلمان در سیر تکاملی خود به مبنایان جامع و مانع نزدیک می شوند. سبکها نیز اصولاً نسبی هستند.
- ۶- «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (۳۰/۳۰)
- ۷- مشخصات اسلام. ستاد بزرگداشت شهید مطهری، ۲۱
- ۸- حدیث از معصومین(س): «از دید العقل بالتجربه» زیادی عقل به تجربه است. از آنجا که مفهوم تجربه مقید نشده است، شامل تجربیات حسی نیز می شود.
- ۹- آیت الله جوادی املی در تفسیر آیه: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم» (۶۲/۲) می فرماید: خود پیامبر هم نسبت به وحی الهی ابتدائاً اُمی است. خداوند به پیامبر اکرم(ص) فرمود: «و علمک مالم تکون تعلم» (۲/۲۶۸)، خداوند به تو چیزی آموخت که نمی توانستی یاد بگیری. و خداوند به همه انسانها می فرماید: «یعلمکم مالم تکونوا تعلمون» (۲/۱۵۱)، انبیاء چیزی را به شما یاد می دهند (کلام وحی) که نمی توانید بدانید، نه فقط نمی دانید.
- ۱۰- «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۳۳/۳۳). خدا می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. این تطهیر از بعد جهل، خطا، نقص و ... است.
- ۱۱- این حدیث در منابع گوناگونی نقل شده است. از جمله «مواعظ العدلیه» علی مشکینی، ۲۲۲، و همچنین «هزار و یک کلمه» آیت اله حسن زاده املی. ۳۲۵.
- ۱۲- مضمون این حدیث با آیات قرآن تطبیق می نماید. آنجا که خداوند متعال انسان را دارای نفس اماره (نفس حیوانی) و لوازمه (نفس عقلانی) و مطمئنه (نفس روحانی) معرفی می نماید. (سوره یوسف آیه ۵۳، سوره قیامت، آیه ۲ و سوره فجر، آیه ۲۷)
- ۱۳- مشخصات اسلام. انتشارات ستاد بزرگداشت شهید مطهری، ۲۱.
- ۱۴- نهج البلاغه. انتشارات فیض الاسلام. ۲۴ و ۲۵.
- ۱۵- «فاذا سویته و نفخت فیہ من روحی» (سوره حجر، آیه ۲۹) «هنگامی که او را تسویه نمودیم، از روح خود در او دمیدیم».
- ۱۶- امام خمینی (ره). شرح دعای سحر. ترجمه سید احمد فهری. ص ۵۶
- ۱۷- «علم الآدم اسماء کلها» (۲/۳۱)
- ۱۸- از آموزش کل اسماء الهی به انسان و تلقی کلمات توسط او، آیات ۳۱ و ۳۷ سوره بقره. دریافت ما، امکان بالقوه معرفت انسان به همه مراتب وجود است که در انسان کامل به صورت بالفعل تحقق یافته است.
- ۱۹- کلیات احادیث قدسی شیخ حرعاملی.
- ۲۰- حی متأله. (جوادی املی. پاسدار اسلام. ش ۲۳۵، ۶).
- ۲۱- حضرت علی (ع) در مورد رابطه خداوند با پدیدارها می فرماید: «مع کل شیء لا بمقارنه و غیر کل شیء لا بمزایله» (نهج البلاغه. خطبه اول، ۲۴) - حضرت علی (ع) در مورد رابطه خداوند با پدیدارها می فرماید: «مع کل شیء لا بمقارنه و غیر کل شیء لا بمزایله» (نهج البلاغه. خطبه اول، ۲۴)
- ۲۲- «لا جبر و لا تفویض، بل امر بین الامرین» (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۱۶۰).
- ۲۳- معصومین می فرماید: «بالعدل قامت السموات و الارض» زمین و آسمان با عدالت بر پا شده است.
- ۲۴- «العدل یضع الامور مواضعها» عدالت قراران هر چیز است در جای مناسب خود. (نهج البلاغه. کلمات قصار، ۴۳۷).
- ۲۵- «خلقت الاشیاء لاجلک و خلقتک لاجلی» (حرعاملی. کلیات احادیث قدسی)
- ۲۶- گیدئون. ۱۳۷۴. ۲۱ و ۲۲.
- ۲۷- امثال و الحکم، جلد ۲، صفحه ۱۰۲۲
- ۲۸- یعنی در نقطه حضور انسان فضای پیش رو، پشت سر، راست و چپ و نهایتاً فضای کف (در زیر پای انسان) و فضای سقف (افق دید و اندیشه انسان) مطرح می شود.
- ۲۹- طبق نمودار شماره ۱۱ همین رساله.
- ۳۰- میزان الحکمه، صفحه ۳۱۷۳
- ۳۱- «ان اول بیتاً وضع للناس بیکه مبارکاً و هدی للعالمین، به آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً.» (۹۵ و ۹۶/آل عمران)
- ۳۲- «جعل الله کعبه البیت الحرام، قیاماً للناس.» (مائده، آیه ۹۶)
- ۳۳- اطلب العلم ولو بالصین. نهج الفصاحه.
- ۳۴- حرعاملی. کلیات احادیث قدسی

- ۳۵- در قرآن کریم شیطان از آتش است، (خلقتی من نار، سوره اعراف، ۱۲) و خداوند از نور (الله نور السموات و الارض، سوره نور، ۳۵) و آتش در عمل نماد نابودی و سوزاندن همه استعدادها و ظرفیت ها است، در حالیکه نور، نظیر نور خورشید عامل حیات و رشد پدیده ها.
- ۳۶- در این متن امکانات جدید در تقویت صوتی و تعدد و بزرگ‌نمایی تصاویر مورد نظر نبوده است.